

... و ما، در انتظار
درویشیم
خوشیدیم
امام خمینی (ره)

سخنرانی‌ها

بوشهر

سخنرانی‌های گفتمان اول و دوم

- ابراهیم امینی • محمد هادی معرفت • اکبر هاشمی رفسنجانی
- مرتضی عسکری • محمد واعظ زاده خراسانی • علی کوردانی
- محمد هادی عبد خدایی • نجم الدین طبسی • محمد لکنه‌اوسن

تهیه: مؤسسه فرهنگی انتظار نور

گنجهان مہدویت

سخنرانیهای گنجهان اول و دوم

سخنرانان حضرات آیات و حجج اسلام

ابراهیم اینی، محمد مادی معرفت، اکبر ماشمی رفسنجانی،

مرتضی عسکری، محمد واعظزاده خراسانی، علی کورانی،

دکتر محمد مادی عبدخدایی، نجم الدین طیبی و آقای دکتر محمد لکنه‌اوسن

بوشیج کی‌تبی

گفتمان مهدویت (نخستین و دومین: ۱۳۷۸ - ۱۳۷۹ ق.م)
گفتمان مهدویت: سخنرانیهای گفتمان اول و دوم / سخنرانان ابراهیم امینی... [و دیگران] - ق.م: بوستان
کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۱.

۲۱۵ ص. - (بوستان کتاب قم؛ ۱۰۸۸. کتابهای مؤسسه فرهنگی انتظار نور؛ ۱)
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما.
کتاب حاضر مجموعه مقالات و سخنرانیهای اولین و دومین گفتمان مهدویت است که توسط مؤسسه
فرهنگی انتظار نور در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ برگزار شده است.

پشت جلد به انگلیسی:
Cultural Institution of Entezāre Nūr. Goftemāne
Mahdaviyyat [A series of lectures regarding Imām Mabdi (S.A)]

کتابنامه: ص. ۲۰۴ - ۲۰۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
چاپ قبلی: مؤسسه فرهنگی انتظار نور، ۱۳۸۰.

۱. مهدویت - کنگره ها. ۲. محمد بن حسن (عج)، ۲۵۵ ق. - کنگره ها. الف. امینی، ابراهیم،
۱۳۰۴ - ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. بوستان کتاب قم. ج. مؤسسه فرهنگی انتظار نور.
د. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

BP۲۲۴/۴ / ۵۷

۱۳۷۸

کتابل انتشار: ۱۹۷۴

کتابک: ۵ - ۲۵۷ - ۳۷۱ - ۹۶۲ - ۵ / ISBN: 964 - 371 - 257 - 5

بوشع کتاب

گفتمان مهدویت سخنرانیهای گفتمان اول و دوم

سخنرانان: حضرات آیات و حجج اسلام ابراهیم امینی، محمد هادی معرفت،
اکبر هاشمی رفسنجانی، مرتضی عسکری، محمد واعظ زاده خراسانی،
علی کورانی، دکتر محمد هادی عبدخدایی، نجم الدین طبسی و آقای دکتر محمد لگنهاوسن
تهیه و تدوین: مؤسسه فرهنگی انتظار نور

ناشر: مؤسسه بوستان کتاب قم
(انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)

چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: دوم / ۱۳۸۱

شمارگان: ۲۵۰۰

بها: ۹۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

دفتر مرکزی: قم، خیابان شهدا (صفائیه) بوستان کتاب قم، ص پ ۹۱۷، تلفن: ۷ - ۷۷۴۲۱۵۵، نمابر: ۷۷۴۲۱۵۴
فروشگاه مرکزی (شماره ۱): قم چهارراه شهدا (محل عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری بیش از ۱۷۰ ناشر)، تلفن: ۷۷۴۳۴۲۶
فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه دوم دست چپ (پشن)، پلاک ۳/۲۲، تلفن: ۶۴۶۰۷۳۵
فروشگاه شماره ۳: مشهد، خیابان آیه الله شیرازی، کوچه چهارباغ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، تلفن: ۲۲۵۱۱۳۹
فروشگاه شماره ۴: اصفهان، خیابان حافظ، چهارراه کرمانی، گلستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان)، تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰
نشانی الکترونیک: <http://www.bustaneketab.com>

پست الکترونیک: E-mail: bustan@bustaneketab.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت امام خمینی رحمته الله

«انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان
اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه -
است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت
نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد»

حضرت آیت الله خامنه‌ای - مد ظله العالی -

«برای تحقق ظهور امام زمان (عج)، وجود ظلم و جور،
شرط کافی نیست و وجود انسان‌های صالح،
انگیزه‌های قوی، ایمان‌های راسخ، گام‌های استوار و
نیز دل‌های روشن نیز لازم و ضروری است»

فهرست اجمالی

۷	مقدمه چاپ دوم
۹	مقدمه

گفتمان اول

۱۳	حکومت امام مهدی (عج) ابراهیم امینی
۲۷	امام مهدی (عج) در قرآن کریم محمدهادی معرفت

گفتمان دوم

۴۵	حکومت واحد جهانی علی اکبر هاشمی رفسنجانی
۸۱	امام مهدی (عج) در احادیث اهل سنت مرتضی عسکری
۹۹	امام مهدی (عج) در قرآن، سنت و تاریخ محمد واعظزاده خراسانی
۱۱۵	سخنرانی و پرسش و پاسخ درباره حضرت مهدی (عج) .. علی کورانی

میزگرد دومین گفتمان مهدویت

۱۳۳	پرسش و پاسخ محمدهادی عبدخدایی
۱۴۳	پرسش و پاسخ نجم‌الدین طبسی
۱۵۵	پرسش و پاسخ محمد لگنهاوسن

فهرست ضمایم

۱۶۵	فهرست آیات
۱۷۱	فهرست روایات
۱۸۷	فهرست اعلام
۱۹۲	فهرست ادیان، مکاتب و فرق
۱۹۴	فهرست مکان‌ها، کشورها، شهرها و مراکز
۱۹۶	فهرست اصطلاحات
۲۰۲	فهرست کتاب‌ها
۲۰۴	فهرست منابع و مآخذ
۲۰۶	فهرست موضوعات
۲۱۲	آشنایی اجمالی با مؤسسه فرهنگی انتظار نور

مقدمه چاپ دوم

به نام خدا

سپاس آفریدگاری را سزا است که بر ما منت نهاد و در پی درخواست‌های پژوهشگران، مؤسسات علمی و پژوهشی، استادان و فضایی حوزه و دانشگاه و مردم مؤمن و علاقه‌مند به مباحث مهدوی، توفیق چاپ مجدد این مجموعه ارزشمند را عنایت فرمود.

اکنون که، در پرتو توجه حضرت ولی عصر (عج) و استقبال مؤمنان نیک نهاد، نخستین کتاب گفتمان مهدویت دیگر بار انتشار می‌یابد، مژده چاپ دومین کتاب گفتمان مهدویت (مجموعه سخنرانی‌های سومین نشست) در آینده نزدیک برای مشتاقان واپسین آفتاب هدایت هدیه‌ای ارزشمند است. امید که سودمند افتد و شیفتگان امام موعود (عج) را در مستحکم ساختن رشته‌های پیوند معنوی با آن حضرت یاری دهد.

ان شاء الله تلاش دست اندرکاران به ویژه پژوهشگران، سخنرانان گرانقدر و مسؤولان اجرایی گفتمان حجج اسلام آقایان عبدی پور، غیائی، نوراللهی، دهداری، جهانگیری و قربانی، بارضایت خداوند منان و عنایت خاص حضرت بقية الله الاعظم - ارواحنا له الفداء - رو به رو شود و توشه روز حساب گردد.

ضمناً از عزیزانی که در تدوین و نشر این مجموعه نفیس نقش داشته‌اند، تقدیر می‌شود:

آقای محمد قربانی، مسؤول گروه، نظارت و هماهنگی؛ آقای عباس عبیری،

ویراستار؛ آقای روح اللہ محمدی، حروفنگار؛ آقایان علی کرمی، محمد شفیع شفیعی و یحیی علوی فرد، نمونہ خوانان؛ عبداللہ ایزانلو، استخراج اعلام و اصطلاحات؛ آقای احمد اُخلی، صفحہ آرا و کنترل فنی و آقایان محمد قربانی و حسین فتحعلی، تحقیق منابع.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مؤسسہ فرہنگی انتظار نور - قم

شہریور ۱۳۸۱

جمادی الثانی ۱۴۲۳

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

انسان همواره در مسیر سعادت خویش، به گفت‌وگوی فرهنگی نیازمند بوده است. این گفت‌وگو در فرایند تاریخی خود، به رشد و اعتلای اندیشه بشر و گسترش ایده‌های وی می‌انجامد.

در میان تمام این گفت‌وگوها، تلاش عالمانه فرزندان و اندیشوران که شمع مجلس و شاهد محفلشان یاد «یار غایب» است، بایسته‌ترین کوشش می‌نماید. بایستگی این خرد ورزی از آن رو است که در شعاع این تلاش، ضمن تبیین اصول فرهنگ تشیع، اولویت‌ها و برتری‌های این اصول بر ایده‌های سایر مکاتب و ادیان روشن می‌گردد.

اتخاذ دیدگاهی که در پرتو آن «گذشته» به «حال» و «حال» به «آینده» پیوند می‌خورد، از مزیت‌های دستگاه اندیشگی تشیع است. در این سیستم خلأ انقطاع وحی از میان رفته و ابعاد ناپیدای مقوله خاتمیت که افتخار پایبندی به آن به تشیع اختصاص دارد، آشکار می‌شود. در این نظام، امامت استمرار طبیعی و منطقی نبوت است و این سلسله دوازده گانه الهی، سلسله جنبان نظام هدایت بشر تا انتهای روشن تاریخ خواهد بود.

دوازدهمین این انوار الاهی، دیری است که رسالت آسمانی‌اش را از پس پرده غیبت ایفا می‌کند.

از این رو، آشنایی بیش‌تر و کاویدن ابعاد مختلف وجودی‌اش برای شیعیان، به‌ویژه داعیه‌داران نشر و ابلاغ فرهنگ هدایت مهدوی، فریضه‌ای الاهی است.

در این راستا، مؤسسه فرهنگی انتظار نور برگزاری «گفتمان مهدویت» را در برنامه‌های خویش قرار داد. این گفتمان در صدد است با استفاده از متفکران و دانشمندان حوزه و دانشگاه، به تبیین ابعاد گوناگون مسأله مهدویت پردازد و ضمن گسترش فرهنگ ناب مهدویت در میان مخاطبان حوزوی و دانشگاهی، شبهات و سوالات موجود در این زمینه را بررسی کرده، در حد امکان پاسخ‌های منطقی، مستدل و اقناع‌کننده به افکار تشنه ارائه دهد.

بی‌تردید وظیفه مقدس تبلیغ اندیشه مهدویت، رسالتی نورانی است که بر عهده مؤسسات و مراکز فرهنگی - دینی نهاده شده است. این مراکز می‌توانند، ضمن برنامه‌ریزی جامع و فراگیر، با ایجاد هماهنگی‌های لازم و اجتناب از موازی‌کاری‌های فرساینده، رسالت ترویج فرهنگ مهدویت را به بهترین وجه به انجام رسانند.

آنچه در پی خواهد آمد، متن سخنرانی‌های اولین و دومین گفتمان مهدویت است که جهت استفاده هرچه بیش‌تر خوانندگان محترم منتشر می‌شود. در پایان شایسته است از تلاش‌های همه کسانی که در جهت برگزاری باشکوه گفتمان‌های مهدویت کوشیده‌اند، به ویژه پژوهشگران و سخنرانان گرانقدر سپاسگزاری شود.

امید که پروردگار متعال همه آن پاک‌دلان و دانشمندان روشن‌بین را توفیق حضور در محفل بقیة الله الاعظم - ارواحنا فداه - عنایت فرماید.

ان شاء الله

مؤسسه فرهنگی انتظار نور

شعبان المعظم ۱۴۲۲ هـ. ق

آبان‌ماه ۱۳۸۰ هـ. ش.

گفتمان اوّل

✓ حکومت امام مهدی (عج)

آیت الله ابراهیم امینی

✓ امام مهدی (عج) در قرآن کریم

آیت الله محمد هادی معرفت

حکومت امام مهدی (عج)

سخنران: آیت الله ابراهیم امینی^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين،
حبيب اله العالمين، أبي القاسم محمد ﷺ و على آله الطيبين الطاهرين
المعصومين.

با سلام به حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان ارواحنا فداه و با آرزوی
طول عمر و ادامه رهبری برای رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای و
سلام به شما منتظران و سربازان امام زمان (عج) ان شاء الله تعالی.

عقیده به مهدی موعود (عج)

عقیده به مهدی موعود - سلام الله علیه - عقیده‌ای است که ادیان آسمانی
نوعاً پذیرفته‌اند. شیعه معتقد است در ذیل تاریخ بشر فردی برای اصلاح جهان
قیام می‌کند و در این قیام هم موفق خواهد شد. این عقیده را اهل سنت هم

۱. استاد حوزه، محقق، اندیشمند و نویسنده.

دارند، فقط با این تفاوت که شیعیان رهبر این انقلاب را فرد معینی می‌دانند که فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام است و در تاریخ ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری متولد شده است و در حال غیبت به سر می‌برد. اهل سنت می‌گویند این فرد بعداً متولد می‌شود. در مورد این عقیده که عقیده بسیار مهمی است، مسائل فراوان است من درباره‌ی روزی که حکومت واحد جهانی تأسیس و صالحان وارث زمین می‌گردند و مسؤولیتی که مسلمانان و مخصوصاً شیعیان در این زمینه دارند و همچنین مسؤولیت سنگین روحانیت شیعه صحبت می‌کنم.

سخن من در سه قسمت است:

- اول: ترسیم و تصویر دورنمایی از حکومت جهانی حضرت مهدی (عج).
دوم: این که حضرت چگونه این حکومت جهانی را به دست می‌آورد و چگونه موفق و پیروز می‌شود؟
سوم: آیا ما درباره‌ی این حکومت مسؤولیتی داریم؟ چه مسؤولیتی؟

قسمت اول

در مورد تصویر و اشاره به وضع حکومت حضرت مهدی (عج)، احادیث فراوانی هست که ویژگی‌هایی را برای این حکومت ذکر می‌کنند و من به آن اشاره می‌کنم.

ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (عج)

ویژگی اول

اول این که این حکومت، حکومتی جهانی است. حکومتی نیست که در

یک گوشه‌ای از زمین برقرار شود. حکومتی است جهانی که همه جهان را مسخر می‌کند و همه را تحت اختیار خودش قرار می‌دهد.

از روایات فراوان این مسأله استفاده می‌شود. علاوه بر این، آیه ﴿...أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱ و آیات دیگر دلالت می‌کند که یک زمانی صالحان حاکم زمین می‌شوند.

یکی از خصوصیات این حکومت که با حکومت‌های دیگر خیلی تفاوت دارد، حکومت واحد جهانی بودن است. حکومت‌های متعدد نیست. شما مطلع هستید که الآن جهان در چه حالی است. حکومت‌های مختلفی در جهان است. همه این اختلافات باید برطرف بشود و یک حکومت حاکم گردد. این عقیده‌ای است که ما شیعیان داریم.

ویژگی دوم

ویژگی دوم حکومت حضرت مهدی - سلام الله علیه - گسترش اسلام در همه جهان است به گونه‌ای که هیچ ده، قریه یا جایی نیست مگر صدای اذان در آن جا به گوش می‌رسد. آیا در آن زمان ادیان آسمانی مثل یهود و نصارا باقی می‌مانند یا نه؟ این مسأله‌ای دیگر است که فعلاً در آن قسمت بحث نمی‌کنیم. اما مسأله این است که اسلام در همه جهان گسترش پیدا می‌کند. تردیدی هم از لحاظ روایات نیست. شما مطلع هستید که مسلمانان الآن چه مقدارند و غیر مسلمانان چقدر هستند. یک ششم جمعیت جهان مسلمانند و بقیه غیر مسلمان. به هر حال، اکثریت جهان در اختیار غیر مسلمان‌ها است؛ ولی در حکومت حضرت مهدی (عج) همه جهان در اختیار مسلمانان قرار می‌گیرد.

۱. انبیا (۲۱): ۱۰۵. (... بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد)

ویژگی سوم

ویژگی سوم از برنامه‌های حکومت حضرت مهدی (عج) و مهم‌ترین برنامه‌اش مبارزه جدی با ستم و ریشه کن کردن آن است. در این قسمت هم حضرت موفق می‌شود؛ یعنی ظلم و ستم را ریشه کن می‌کند. از روایات فراوانی استفاده می‌شود که حضرت ستم را برطرف می‌سازد. نه افراد نسبت به هم ظلم می‌کنند نه حکومت‌ها نسبت به رعیت‌های خود و نه حکومتی نسبت به حکومت دیگر. ستم به‌طور کلی برچیده می‌شود.

ویژگی چهارم

ویژگی چهارم این‌که حضرت عدالت را در سراسر جهان گسترش می‌دهد و اجرا می‌کند. همه جا به عدالت رفتار می‌شود و گسترش پیدا می‌کند. در آن وقت، کسی به کسی ظلم نمی‌کند. همه با عدالت رفتار می‌کنند؛ مثلاً شوهر به خودش، فرزندان و خانواده‌اش ستم نمی‌کند و همین‌طور همه به عدالت رفتار می‌کنند. در اکثر روایاتی که درباره حضرت مهدی (عج) هست این مسأله را شما می‌خوانید که «يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا». این از برنامه‌های اصلی حضرت است.

ویژگی پنجم

ویژگی پنجم حکومت امام زمان (عج) این است که اسلام را در ابعاد مختلف زندگی مردم وارد می‌کند؛ یعنی اجرای احکام اسلام در ابعاد مختلف زندگی و

آن هم در تمام جهان؛ یعنی ادارهٔ جهان به وسیلهٔ احکام اسلام. در آن روز مسائل جهان (مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زندگی و ...) و به طور کلی جهان با قوانین اسلام اداره خواهد شد. این‌ها مهم‌ترین چیزهایی است که حکومت حضرت مهدی (عج) در صدد ایجاد آن است.

الآن شما توجه دارید که احکام اسلام در کشورهای اسلامی چگونه اجرا می‌شود. قطعاً این‌گونه نیست که در کشورهای اسلامی کاملاً اسلام اجرا شود. البته در مسائل عبادی شاید بعضی کشورها خوب باشند؛ اما در مسائل اقتصادی، اجتماعی، حکومتی، سیاسی و امثال این‌ها خیلی خبری نیست. آرزوی ظهور حضرت مهدی (عج) و تأسیس حکومت واحد آرزوی عالی و بسیار خوبی است که جهانیان و مسلمانان منتظرش هستند و شیعیان یک مقدار بهتر در انتظارش به سر می‌برند. منجی عالم و نجات‌دهندهٔ غیبی حتی در ادیان غیر آسمانی هم وجود دارد. این آرمان عالی و خوبی است؛ ولی صحبت این است که این آرمان خوب چگونه تحقق پیدا می‌کند و آیا امکان دارد؟.

قسمت دوم

مسئلهٔ دوم این است که حضرت حکومت واحد جهانی را چگونه ایجاد می‌کند؟ آیا به واسطهٔ معجزه تحقق می‌پذیرد؟

آیا خداوند متعال کاری می‌کند که همهٔ جهان یکباره دگرگون شود یا این‌که از طریق معجزه نیست؟

از راه‌های معمول و متعارف است. از روایات استفاده می‌شود که موفقیت حضرت در تأسیس حکومت به وسیلهٔ جنگ و جهاد است که حضرت به وسیلهٔ آن پیروز می‌شود.

[در این مورد] من چند روایت بخوانم:

روایت اول: شباهت امام زمان (عج) به پیامبر ﷺ

امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: «وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ...^۱»
شباهت حضرت مهدی (عج) به جدش پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این است که
«... فخر وجه بالسيف ...^۲» قیامش و نهضتش با شمشیر است.

البته این خود مسأله‌ای است که شمشیر همان شمشیر سابق است یا نه؛
چون در زمان صدور این روایت وسیله جنگ شمشیر بوده، حضرت فرموده
شمشیر. حالا در هر زمان با هر سلاحی که در آن زمان است؛ اما به هر حال با
سلاح است. «وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فخر وجه بالسيف وقتله أعداء
الله وأعداء رسوله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و الجبارين والطواغيت وأنه ينصر بالسيف
والرعب^۳» حضرت پیروز می شود به واسطه شمشیر و رعبی که در دل دشمنان
می افتد که این یک امتیازی است. وقتی که جنگ، یک جنگ واقعا موفقی
باشد، طرف مقابل در درونش ترس می افتد. در ابتدای امر شاید این طور نباشد؛
ولی وقتی که استقامت و موفقیت با هم باشد، طرف دیگر مرعوب می شود. «انه
ينصر بالسيف و الرعب»؛ ترس در دل دشمنان می افتد و خودشان را
تسلیم می کنند. اما مرحله اولش با جنگ است «... وأنه لا ترد له راية...^۴»؛
پرچم‌هایی که حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به این طرف و آن طرف می فرستد، هیچ کدامشان

۱ و ۲. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

۳. همان. (اما شباهت او به جدش حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: قیام او به شمشیر و کشتن
دشمنان خدا و رسول و جباران و طاغوت‌هاست. آن حضرت با شمشیر و ترس [که در
دل دشمنان می افکند] پیروز می شود ...)

۴. همان. (و هیچ پرچمی [سپاهی] از او رد نمی شود و شکست نمی خورد ...)

با شکست رو به رو نمی‌شوند.

این جور نیست که بعضی‌ها شکست بخورند، همه موفق می‌شوند. این روایتی است که وسیله پیروزی را ذکر می‌کند.

روایت دوم: چگونگی شکل‌گیری حکومت امام مهدی (عج)

سؤال

بشیر النبال می‌گوید: «قلت لابی جعفر عليه السلام: ... إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَهْدِيَّ (عج) لَوْ قَامَ اسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْوَاً وَلَا يُهْرِيْقُ مِحْجَمَةً دَمٍ ...^۱»

جواب امام عليه السلام

اگر قرار بود به وسیله کارسازی و معجزه اوضاع برایش درست می‌شد، برای پیغمبر عليه السلام می‌شد و در زمان پیغمبر عليه السلام انجام می‌گرفت. در حالی که پیغمبر عليه السلام خودش در جنگ دندان‌ش شکست، پیشانی‌اش خون آلود شد، در جنگ‌های مختلف شرکت کرد و خودش وارد میدان می‌شد. پس معلوم است پیروزی باید به وسیله جنگ باشد. این جور نیست که بگوییم برای پیغمبر اسلام عليه السلام امکان داشت به وسیله معجزه این کار محقق شود؛ اما تحقق پیدا نکرد و آن را گذاشتند برای حضرت مهدی (عج). موفقیت و پیروزی با جنگ و خونریزی است. «... كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ...^۲» بعد فرمود: «... حَتَّى نَمْسَحَ نَحْنُ وَأَنْتُمْ الْعَرَقَ وَالْعَلَقَ ...^۳»؛ نه این جور نمی‌شود مگر این‌که ما و شما

۱. النعمانی، محمد بن ابراهیم: کتاب الغیبة، ص ۲۸۴.

۲. همان. (چنین نیست، قسم به آن که جانم در قبضه قدرت اوست ...).

۳. همان. ([ظهور آن حضرت چنان با رنج و تعب همراه خواهد بود] که ما و شما عرق را به همراه لخته‌های خون از پیشانی خود پاک کنیم ...).

در میدان جنگ، جنگ کنیم و خونی ریخته شود و عرقی بریزیم در راه جهاد «... ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ...»؛ سپس حضرت علیه السلام دستی به پیشانی خود کشید و فرمود باید عرقها جاری شود.

از این قبیل روایتها استفاده می‌شود که قیام حضرت یک قیام طبیعی و عادی است همراه جنگ و خونریزی و امثال اینها. چنان نیست که خود به خود درست شود. وقتی این طور شد، ما باید وضع موجود را ارزیابی کنیم. ما انتظار داریم جهان یک روزی در اختیار حضرت مهدی (عج) باشد و در اختیار اسلام باشد و حضرت این را به وسیله جنگ انجام می‌دهد.

سؤالها

یک مقداری هم دقت داشته باشیم در وضع موجود و زمان حاضر: سلاح‌های موجود، مجهز بودن کشورها به اسلحه‌های مختلف اتمی و غیر اتمی. آینده هم نمی‌دانیم به کجا می‌رسد. این وضع موجود را باید ارزیابی کنیم. باید حساب شود حالا با این وضع ما چه کار کنیم؟ ما چه وظیفه‌ای داریم؟ آیا وظیفه شیعیان در برابر چنان آرمان مهمی این است که تنها برای حضرت و ظهورش دعا کنند و جشن و چراغانی داشته باشند. البته اینها اشکال ندارد باید این کارها را بکنیم؛ اما آیا وظیفه منحصر به اینها است؟ آیا نباید جهان برای ظهور حضرت آمادگی پیدا کند تا حضرت مهدی (عج) ظهور فرماید. این آمادگی را چه کسی باید به وجود آورد؟

آیا شیعیان در این قسمت مسؤولیت ندارند؟ آیا آنها نیستند که چنین حکومتی را انتظار دارند، پس باید زمینه‌اش را فراهم کنند. من فکر می‌کنم

آمادگی حتماً لازم است. این آمادگی خود به خود به وجود نمی آید، ما باید آن را به وجود بیاوریم. البته شاید در طول زمان یک مقداری از آن به وجود بیاید؛ ولی آن کسانی که منتظر چنین حکومتی هستند، باید زمینه آن را فراهم کنند.

آرمان‌ها

باز می‌گردیم به آرمان‌هایی که اول داشتیم؛ مثلاً ما می‌گوییم حضرت می‌آید تا همه جهان را مسلمان بکند. آیا برای پذیرفتن اسلام آمادگی لازم نیست؟ آیا نباید کاری کرد که مردم جهان آماده پذیرش اسلام باشند؟ الآن چه مقدار آماده‌اند؟ مردم و ما چه مقدار در این قسمت سرمایه‌گذاری کرده‌ایم؟ این مسأله مهم است. ما می‌گوییم حضرت می‌آید تا شرک و بت‌پرستی را ریشه کن کند. شما توجه دارید که وضع جهان الآن چگونه است؟

آیا می‌دانید بیش‌تر مردم جهان مشرک هستند؟ این بودایی‌ها و امثال این‌ها همه مشرک هستند. در بسیاری از کشورها بت‌پرستی رایج است. ما چه مقدار مبارزه با شرک داشته‌ایم و مردم را برای پذیرش توحید آماده کرده‌ایم؟

آیا فکر کرده‌ایم امام علیه السلام می‌خواهد بیاید با شمشیر همه این‌ها را بکشد، این که نمی‌شود. حضرت می‌آید تا یک حکومت واحد جهانی تأسیس کند. ما چه مقدار کار کرده‌ایم؟ آیا وظیفه نداریم؟ ما انتظار داریم حضرت ظهور بکند و ستم را براندازد. ما برای مبارزه با ستم در ایران خودمان چه کرده‌ایم و چه باید بکنیم؟ آیا در مورد اجرای عدالت کامل در خود ایران چه مقدار موفق بوده‌ایم؟ در کشورهای دیگر چه کاری کرده‌ایم؟ نباید جهان آماده باشد که این ظلم

برطرف شود. انتظار داریم که حضرت بیاید با معجزه این کار را بکنند؟ فکر نمی‌کنم این‌طور باشد. این‌ها در صورتی امکان دارد که ما آمادگی داشته باشیم و جهان را برای آن آماده کنیم.

مراحل آماده سازی

مرحله اول

در این باره من به دو قسمت اشاره می‌کنم: یک قسمت راجع به خود ما است. ما انتظار داریم حضرت ظهور کند و حکومتی تأسیس کند که طبق قوانین اسلام اداره شود و ستم هم نباشد.

آیا ما در زندگی شخصی خودمان ظلم نداریم؟ آیا با دوستان و اطرافیان خود واقعا عادل هستیم؟ هیچ ظلمی نمی‌کنیم؟ آیا ما به زن‌ها، بچه‌ها، همسایه‌ها و همکارانمان ظلم نمی‌کنیم؟ پس ما منتظر حضرت هستیم که بیاید گردنمان را بزند؟! پس اول کار این است که خودمان به اسلام عمل بکنیم. اول راهش این است که ما خودمان به آنچه انتظار داریم که حکومت حضرت مهدی (عج) بیاید و تحقق بخشد، عمل بکنیم. اگر چنین شد، جزء یاران امام می‌شویم و اما اگر خودمان ظالم هستیم، ستمکار هستیم، اگر در اجتماع خودمان ستم فراوان است، چه کسی بیاید اصلاح کند؟ ما نباید انتظار داشته باشیم حضرت بیاید و ما مشمول پاکسازی حضرت قرار بگیریم.

ما باید سعی کنیم احکام اسلام را - چنان که هست - اجرا کنیم و بر اساس اخلاقیات و اجتماعیات آن خودمان را اصلاح کنیم. فرض بفرمایید اگر جمعیت ۶۰ میلیونی شیعه ایران همه خوب شدند و مسلمان واقعی شدند، می‌توانند یار و یاور امام باشند.

مرحله دوم

مرحله دوم این است که ما بتوانیم همین مسأله را به جهانیان تفهیم کنیم و بگوییم اگر شما هم می خواهید زندگی تان خوب شود، باید به مسائل اسلامی عمل کنید. اگر بتوانیم یک حکومت عادل بدون ظلم و طبق قوانین اسلام پدید آوریم، می توانیم به جهانیان بگوییم ببینید چه جور حکومت ایران حکومت عادل است، احکام اسلام چگونه شکوفا شده و عالی شده، شما هم این کار را بکنید. به علاوه باید با وسائل گوناگونی که در اختیار داریم، اسلام و ارزش های اسلامی را در جهان معرفی کنیم. وقتی جهان آماده شد؛ یعنی همه کسانی که در جهان زندگی می کنند این جور آمادگی پیدا کردند؛ وقتی آن هایی که سلاح می سازند، حتی دانشمندان و آن هایی که علوم را در اختیار دارند این مسائل را پذیرفتند، آن وقت می توان گفت زمینه ظهور حضرت مهدی (عج) فراهم شده است.

خوب است ما ابتدا وظیفه خودمان را بدانیم و در این راه کوشش بکنیم. بنده فکر می کنم مسأله انتظار مهدی موعود (عج) و نجات دهنده غیبی یک عقیده مهم و سازنده ای است که اگر ما شیعیان درست عمل می کردیم، الآن وضع جهانی خیلی بهتر از حالا بود و در نهایت هم باید ما این کار را بکنیم. آن کسی که می تواند این کار را ترویج کند، روحانیت است.

این کارهای معمولی مانند برگزاری جشن ها و امثال این ها در مورد امام زمان (عج) مطلوب و خوب است؛ اما اصل هدف در خصوص حضرت گم شده، باید جامعه را به این سو حرکت دهیم.

خاتمه بحث

در پایان فقط دو روایت را عنوان می‌کنم:

روایت اول: آمادگی عقلی

یک روایت از امام صادق علیه السلام است «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا...»^۱؛ وقتی حضرت قیام می‌کند. «... وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ...»^۲؛ دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد. حالاً «وضع یده»؛ یا دست خدا یا دست خودش است، دو احتمال است. به هر حال، دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد و عقل‌های این‌ها را متمرکز می‌سازد؛ «... فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ...»^۳؛ و اخلاق آن‌ها را کامل می‌کند؛ «... وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ...»^۴؛ به وسیله این آمادگی پیدا می‌کنند حق را بپذیرند؛ چون ستم نتیجه جهالت است. نپذیرفتن اسلام نتیجه نادانی است. اگر مردم عقلشان به جا آمد و توانستند مسائل واقعی را درک بکنند، اسلام را قبول می‌کنند.

از این روایت معلوم می‌شود در زمان حضرت مردم آمادگی عقلی پیدا می‌کنند اما این هم به وسیله معجزه نیست. زمینه‌اش را باید آن کسانی که در انتظار حضرت هستند، به وسیله تبلیغات و مسائل دیگر فراهم کنند.

روایت دوم: آمادگی برای ظهور

روایت دیگری است که ابو جعفر علیه السلام می‌فرماید:

۱. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. همان. (... دستی بر سر بندگان خدا بکشد ...)

۳. همان. (... چنان که خردهایشان بدو پیوند یابد ...)

۴. همان. (... و اخلاقشان بدو به کمال گراید ...)

«... أَتَرَى مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) لَا يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً؟...^۱»؛ یعنی هر کسی که نفس خودش را وقف خدا بکند فکر می‌کنید که خدا مخرجی را برایش قرار نمی‌دهد، راه نجات برایش قرار نمی‌دهد؟! بعد فرمودند «... وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً...^۲»؛ به خدا قسم، خداوند مخرجی را برایش قرار می‌دهد؛ اما به شرطی که خودش را وقف کند. ما نمی‌دانیم چه مقدار خودمان را وقف امام زمان (عج) کرده‌ایم و در راه قیام حضرت و حکومت مهم جهانی او اقدام کرده‌ایم. نمی‌دانیم آیا ما هم تابع یک حالت موجود نیستیم؟ ما که باید مردم را ارشاد و هدایت بکنیم، ما هم تابع وضع موجود نیستیم؟ آن کسی که خود را وقف کرده فکر می‌کنم غیر از ما باشد! همان‌ها بودند که در جبهه خودشان را وقف کرده بودند. آن‌ها بودند که به این امید کارهایی کردند. منتظران حضرت همان‌ها بودند که در جبهه‌ها بودند. آقایان یادشان هست در زمان جنگ جوان‌ها با چه شور و عشقی خود را فدا می‌کردند. واقعاً خود را فدا می‌کردند. آن‌ها منتظر واقعی بودند. «... رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَيْنَا...^۳»؛ خدا رحمت کند کسانی را که نفس خود را برای ما حبس و وقف می‌کنند. «... رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا...^۴»؛ خدا رحمت کند مردمی را که امر ما را احیا کنند؛ یعنی حکومت ما را احیا کنند؛ یعنی برپا بدارند و ترویج کنند. این خود به خود شدنی نیست. آمادگی می‌خواهد، آمادگی جنگی می‌خواهد. وقتی مردم واقعاً آماده باشند برای این‌که در راه این هدف بزرگ جنگ بکنند، سلاح و نیرو لازم دارند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خودتان را برای ظهور حضرت مهدی (عج) آماده کنید ولو به

ذخیره کردن یک تیر. خودتان را برای ظهور حضرت آماده کنید ولو این که یک تفنگ بخرید و یک تیر آماده کنید. آمادگی بالاتری را می‌گویید به حدی که واقعاً در برابر جهان و سلاح‌های پیشرفته جهان آمادگی پیدا بکنید. این خیلی مهم است.

انتظار این است که به‌طور جدی در این مسیر باشیم. مردم را و خودمان را برای آمادگی در این راه آماده کنیم تا از اصحاب واقعی و یاران امام زمان (عج) شویم. ان شاء الله.

ان شاء الله خداوند زمینه ظهور حضرت را فراهم کند و ما را زمینه ساز تأسیس حکومت جهانی اسلام قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

لهام مهدی (عج) در قرآن کریم

سخنران: آیت الله محمد هادی معرفت^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

بحث از ظهور پر برکت حضرت حجت (عج)، با استناد به آیات قرآنی، به مقدمه‌ای کوتاه نیاز دارد.

اگر ما خواسته باشیم این مسأله را از صریح آیات به دست آوریم، شاید خواسته‌ای بی مورد باشد. اساساً پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از روز اول این تذکر را به عامه مسلمانان داد و فرمود: قرآن دارای ظهر است و بطن؛

مَا فِي الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَلَهَا ظَهْرٌ وَبَطْنٌ.^۲

این حدیث از متواترات است، یعنی کتب حدیثی اهل سنت و شیعه

۱. نویسنده و استاد حوزه و مفسر قرآن کریم.

۲. مجلسی، محمدباقر: بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۴. (در قرآن آیه‌ای نیست جز آن که برای آن ظهر و بطنی است) - محمدی ری شهری، محمد: میزان الحکمة: (مَا أَنْزَلَ اللَّهُ آيَةً إِلَّا لَهَا ظَهْرٌ وَبَطْنٌ ...) چاپ اول، دارالحدیث، ج ۳، حدیث شماره ۱۶۵۷۰.

اتفاق دارند این حدیث از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صادر شده است.
سِرِّ مطلب این است که قرآن کریم دارای دو جهت است که باید مورد عنایت
قرار گیرد.

جهت اول

اول این که آیات و سوره‌های قرآن در مناسبت‌های مختلف و به‌عنوان علاج
حادثه یا واقعه‌ای نازل شده است. این موجب می‌شود دلالت آیه نوعی وابستگی
پیدا بکند با آن شأن نزول. اگر این‌طور شد، دلالت همیشگی قرآن که پیامی
جاودانی باشد، مقداری زیر سؤال می‌رود. لذا پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: عنایت
شما فقط به این اسباب نزول نباشد. در پس پرده یک معنای عامی وجود دارد
که جنبه شمولی دارد و برای همیشه است. لذا ابوبصیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام
سؤال می‌کند این که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «مَا فِي الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَلَهَا
ظَهْرٌ وَبَطْنٌ^۱»، یعنی چه؟ امام عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ وَبَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ^۲»؛
یعنی ظاهر قرآن و ظهر قرآن همان دلالتی است که با رعایت و عنایت به شأن
نزول‌ها روشن می‌شود که تقریباً می‌توان نوعی مقطعی بودن و محدودیت از آن
فهمید؛ ولی قرآن به این اکتفا نکرده است.

جهت دوم

قرآن جهت و جنبه دوم هم دارد که جنبه جاوید است. جاوید بودن
قرآن به ظهر آن نیست آنچه بقای قرآن را ضمانت کرده است تا پیامی

۱. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۴.

۲. همان. (منظور از «ظهر» تنزیل آن آیه و منظور از «بطن» تأویل آن است.)

همیشگی باشد، بطن قرآن است.

بطن قرآن چیست؟

درباره بطن بحث‌های بسیار شده است که مقصود از بطن چیست؟ بطن معنایش خیلی ساده است؛ یعنی این‌طور نیست که نتوان به آن پی برد. بطن آیات در اختیار ائمه علیهم‌السلام است و آن‌ها از بطن آیات آگاهی دارند؛ اما راه رسیدن به آن را به ما یاد داده‌اند. بطن آیات قرآن آن مفاهیمی است که جنبه شمولی داشته و از قیودی که آیه را فراگرفته جدا شده باشد.

ضابطه تفسیر و تاویل

همان‌گونه که تفسیر ضابطه دارد، تاویل هم ضابطه دارد. ضابطه این است که آن خصوصیات و ویژگی‌هایی که آیه را فراگرفته طبق قانون «سبر و تقسیم» از آیه جدا کنیم؛ سپس آنچه از دلالت آیه به دست آمد، آن بطن آیه است؛ مثلاً در آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾؛^۱ مخاطب آیه مشرکین است و مورد سؤال مسأله نبوت. آیا بشر می‌تواند پیغمبر بشود یا نه؟ کسانی که باید از آن‌ها این سؤال بشود علمای اهل کتاب به ویژه یهود هستند که در یثرب و حجاز ساکن بودند. عرب‌ها بسیاری از مسائل مربوط به معارف را از این‌ها سؤال می‌کردند و عقیده داشتند این‌ها دانشمندند.

۱. نحل (۱۶): ۴۳. (و پیش از تو، جز مردمانی که به آن‌ها وحی کردیم، نفرستادیم. اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید [تا تعجب نکنید از این که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از میان همین مردمان برانگیخته شده است.])

آیه، بنابراین عقیده مشرکین، می‌گوید که پیغمبر اسلام ﷺ بشر و از جنس شماست. اگر در پیامبری او تردید دارید، از یهود و از اهل کتاب بپرسید که پیغمبران آنها چه کسانی هستند و بودند. آنها به شما خواهند گفت. این ظاهر آیه است. پس آیه بر حسب ظاهر به مشرکین و مسأله نبوت و رجوع مشرکین به اهل کتاب مقید می‌شود.

اما ما طبق قانون «سبر و تقسیم» ویژگی‌های آیه را بررسی می‌کنیم تا مشخص شود کدام یک از این ویژگی‌ها در هدف آیه دخالت دارد و کدام یک ندارد. آن‌هایی که دخالت ندارند حذفشان می‌کنیم؛ برای مثال آیا خطاب به مشرکین خصوصیتی دارد؛ یعنی مشرک بودن در مخاطب بودن به این آیه خصوصیتی دارد؟ قطعاً ندارد، چرا؟ چون آنچه موجب شده آیه به مشرکین این سخن را بگوید جهل آنها است نه شرک آنها. پس مشرک بودن در هدف آیه دخالت ندارد و آنچه دخالت دارد جهل آنها است.

مسأله نبوت

مورد سؤال در آیه، مسأله نبوت است. آیا بشر می‌تواند پیامبر باشد یا نه؟ آیا این مسأله در مدلول آیه خصوصیتی دارد یا این‌که در مورد شک در هر مسأله‌ای از معارف دینی است چه معارف چه فروع احکام و چه مسائل مربوط به شؤون دین؟ (مسأله نبوت یا غیر آن)، پس خصوص مسأله شک در مسأله نبوت هیچ خصوصیتی در هدف آیه ندارد و لغو می‌شود.

بعد کسانی که باید از آنها سؤال بشود، چه کسانی بودند؟ اهل کتاب و یهود بودند. آیا سؤال از یهودیان و اهل کتاب خصوصیتی دارد و در هدف آیه مهم است یا دانا بودن نسبت به مشرکین نادان مد نظر است؟

نتیجتاً به دست می‌آید که دانا بودن آن‌ها مدخلیت در هدف آیه دارد نه اهل کتاب یا یهودی بودن.

پس وقتی این ویژگی‌ها را بررسی کردیم و این موارد را کنار گذاشتیم، بطن آیه به دست می‌آید.

بطن آیه چیست؟ بطن آیه این است: آن که به مسائل دینی فروغاً و اصولاً جاهل است، باید به دانایان رجوع کند. پس استخراج بطن آیه مشکل نیست. راه دارد. لذا امروزه اگر از دلیل جواز تقلید عامی از مجتهد پرسش شود، همین آیه را می‌خوانند:

﴿... فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۱

ایراد و جواب

این که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ما اهل ذکر هستیم؛ یعنی اساساً آنچه هدف آیه است رجوع به عالم است، ما سر آمد علما هستیم و باید همه جهال به ما رجوع کنند. این که تفسیر صافی می‌گوید، طبق فرمایش امام صادق علیه السلام این آیه اصلاً خطاب به مشرکین نیست و خطاب به مسلمین است، درست نیست. یکی از اشکالاتی که به تفسیر صافی وارد است، همین است که مسأله تأویل و بطن با مسأله تنزیل و تفسیر خلط شده است.

امام صادق علیه السلام در این زمینه بطن آیه را می‌گوید. اساساً پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از ابتدا اشاره فرموده است که آنچه بقای قرآن و شمولی بودن و جاوید بودن آن را ضمانت می‌کند، جنبه بطن آن است؛ یعنی همان مفاهیم کلی که قابل تطبیق

۱. نحل (۱۶): ۴۳. (... اگر نمی‌دانید، از آگاهان پرسید [تا تعجب نکنید از اینکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از میان همین مردمان برانگیخته شده است.])

در هر زمان و هر مکان است؛ و فقط به شأن نزول ها که آیه را وابسته می کند، اعتبار نیست.

بررسی آیات ظهور

با این مقدمه، به بررسی آیاتی که دلالت بر ظهور منجی عالم حضرت حجت (عج) دارد می پردازیم.

آیه اول

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾^۱

این آیه درباره بنی اسرائیل و در قصه حضرت موسی علیه السلام و فرعون است. پس این آیه، از لحاظ تنزیل و از لحاظ ظاهر، به داستان بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی علیه السلام و فرعون مربوط است.

یک اصل

اما در این آیه یک اصلی مطرح شده است و آن این که اراده ازیلی الهی بر این تعلق گرفته که مستکبرین ریشه کن شوند و مستضعفین و عبادالله الصالحین وارثین ارض و حاکمین در زمین باشند؛ آن هم در پهنای زمین. آیه این اصل را مطرح می کند.

پس محتوا و مفهوم عام آیه به خصوص زمان حضرت موسی علیه السلام

۱. قصص (۲۸): ۵-۶. (ما می خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. و حکومتشان را در زمین پا بر جا سازیم....)

و بنی اسرائیل مربوط نیست. آنچه در آن زمان تحقق یافت، گوشه و جلوه‌ای از این اراده ازل‌ی الهی بود که باید مستضعفین بر مستکبرین پیروز گردند و مستضعفین وارث زمین گردند. اما آیا آن اراده ازل‌ی به‌طور کامل تحقق یافت؟ نه.

این جا خداوند به‌طور حتم فرموده است «نُریدُ» این اراده باید تحقق پیدا کند. در زمان حضرت رسول ﷺ و همچنین در فتراتی از زمان که از جمله عصر حاضر گوشه و نموداری از اراده ازل‌ی الهی تحقق یافت؛ اما این وعده الهی حتماً باید به‌طور شمول محقق شود و همه جهان را فراگیرد. قطعاً این اراده باید تحقق پیدا کند و این اراده جز با ظهور حضرت حجت (عج) امکان پذیر نیست.

در حدیث مفضل بن عمر می‌گوید:

سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول إن رسول الله صلى الله عليه وآله نظر إلى عليٍّ والحسن والحسين عليهم السلام وبكى وقال أنتم المستضعفون بعدي قال المفضل قلت ما معنى ذلك؟ قال عليه السلام: معناه أنكم الأئمة بعدي، إن الله عز وجل يقول «ونريد أن نمن على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الورثين»^۱ قال عليه السلام: وهذه الآية جارية فينا إلى يوم القيامة.^۲

این اراده ازل‌ی حق تعالی همیشه جریان دارد یعنی گهگاه نمود پیدا می‌کند

۱. سوره قصص (۲۸)، آیه ۵.

۲. ری شهری، محمد: میزان الحکمه، ج ۲، ح ۱۱۰۴۲، (از حضرت امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله نظری به سوی علی و حسن و حسین عليهم السلام افکند و گریست و [سپس] فرمود: شما مستضعفان پس از من هستید. مفضل از امام صادق عليه السلام پرسید: معنای این سخن چیست؟ امام عليه السلام فرمود: معنایش آن است که شما امامان پس از من هستید؛ [زیرا] خداوند عز و جل فرموده است: «... و نريد...» [بعد] ادامه داد: این آیه تا روز قیامت درباره ما جاری است و مصداق دارد.

تا تحقق نهایی.

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

لَتُعْطِقَنَّ الدنیا علینا بعدَ شِمالِها عَطْفَ الضُّروسِ علی وُلْدِها...^۱

یعنی: این دنیا که امروزه از ما روگردان است روزی به ما رو خواهد

آورد همانند ناقه‌ای که به فرزندش از روی علاقه، روی می آورد.

آن وقت حضرت این آیه را تلاوت فرمود:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً

وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۲

ابن ابی‌الحدید در شرح این خطبه می گوید:

و الامامیة تزعم أن ذلك وَعْد منه بالامام الغائب الذي يملك

الارض في آخر الزمان و اصحابنا يقولون إنه وَعْدُ بِإِمَامٍ يملك

الارض و يَسْتَوْلِي عَلَى الْمَمَالِكِ.^۳

ببینید تا این جا بین ما و علمای اهل سنت فرقی نیست در این که این آیه

حتماً به دست یکی از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام تحقق خواهد یافت و به طور

شمولی بر تمام زمین مستولی خواهد شد و همه مستکبران را نابود خواهد کرد

و صالحین وارث زمین خواهند گردید.

ابن ابی‌الحدید می گوید ما هم قبول داریم شیعه هم قبول دارد. با این تفاوت

که اهل سنت می گوید ضرورت ندارد که آن امام فعلاً حیات داشته باشد بلکه

۱. عبده، محمد: نهج البلاغه، دارالمعرفة، بیروت، کلمات قصار شماره ۲۰۹.

۲. قصص (۲۸): ۵-۶. (ترجمه پاورقی صفحه ۳۲ ذکر شده است.)

۳. (و امامیه گمان می کنند که این آیه وعده‌ای از جانب خدا درباره امام غایبی است که در آخر زمان به زمین حکم می راند، و اصحاب ما (اهل تسنن) می گویند: این وعده‌ای است به امامی که بر زمین حکم می کند و بر کشورها مستولی می شود.)

به وقت خودش متولد خواهد شد و این کار را انجام خواهد داد:

... لا يَلْزَمُ أَنْ يَكُونَ موجوداً بل يَكْفِي فِي صِحَّةِ هَذَا الْكَلَامِ أَنْ
يُخْلَقَ فِي آخِرِ الْوَقْتِ ...^۱

پس ما با برادران اهل سنت در اصل ظهور مهدی (عج) اختلاف نداریم و این که از وُلد امام حسین علیه السلام است، این هم اتفاق نظر است.

تفاوت دیدگاه

نقطه فارق بین ما و اهل سنت این است که شیعه یک فلسفه‌ای دارد و آن فلسفه، وجود واسطه در فیض است. شیعه عقیده‌اش این است که پیوسته بایستی حجت حق به‌طور حقی و زنده در روی زمین باشد تا واسطه برکات و فیوضات الهی برای همه جهانیان باشد. این اصل، پایه مکتب تشیع را تشکیل می‌دهد.

امام حسین علیه السلام هفت زیارت مطلقه و هفت زیارت مخصوصه دارد. زیارت مطلقه اول اصح سنداً است؛ چون از ابن قولویه و سند آن بسیار معتبر است و علامه امینی مقید بود هر وقت به کربلا مشرف می‌شد، همین زیارت را بخواند. ما می‌دانیم تمام ادعیه و زیارات مکتب سنیار است؛ یعنی دانشگاهی است که همیشه شیعه در این دانشگاه تربیت می‌شود.

اصول معارف، عقاید و زیربنای عقیده اسلامی ناب در همین زیارات و ادعیه به شیعه تعلیم می‌شود. این‌ها به صورت زیارت و به صورت دعا است؛ اما فی الواقع درس و تربیت است. در این زیارت این جمله را وقتی که جلوی ضریح

۱. ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه. (... لزومی ندارد که امام در حال حاضر موجود باشد، بلکه در صحیح بودن این کلام همین کفایت می‌کند که در آخر وقت متولد شود ...)

امام حسین علیه السلام می ایستیم می خوانیم:

...إِزَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيِّطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بَيُوتِكُمْ...^۱

یعنی یگانه واسطه فیض به طور مطلق و فراگیر شما هستید.

آیا شما که مقابل ضریح امام حسین علیه السلام این جمله را می گوید، توجه دارید؟
این درسی است از عقاید شیعیان.

یا در زیارت رجبیه می خوانیم:

...أَنَا سَائِلُكُمْ وَأَمْلِكُكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّفْوِيضُ وَعَلَيْكُمْ التَّعْوِيضُ...^۲

این مطالب را ما در مقابل ضرایح ائمه علیهم السلام عرض می کنیم. معنایش این است که ما عقیده خودمان را اظهار می داریم. این عقیده شیعه است. بنابر این اصل و مبنای شیعه، وجود حجت ضرورت دارد. مبنای تشیع ضرورت وجود حجت به عنوان واسطه در فیض است.

آیه دوم

آیه دیگری که در این زمینه است می فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

الصَّالِحُونَ﴾^۳

زبور همین مزامیر داوود علیه السلام است که هم نسخه عربی و هم نسخه فارسی اش

۱. کلینی: الکافی، ج ۴، ص ۵۵۷. (... اراده خداوندی در جریان مقادیر امور به سوی شما فرود می آید و از منازل شما صادر می شود...)

۲. قمی، شیخ عباس: کلیات مفاتیح الجنان، ص ۲۵۷، زیارت رجبیه: (... من از شما می خواهم و به شما امید بسته‌ام در آنچه به شما تفویض شده و بر شماست عوض دادن...); صدوق: من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۹۶.

۳. انبیاء (۲۱): ۱۰۵. (در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد».)

که چاپ لندن است، موجود است و بنده آن را دارم. همین عبارتی را که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ﴾^۱ در زبور فعلی هست. این آیه می‌فرماید ما در زبور داوود علیه السلام این مطلب را نوشتیم. این مثل همان آیه قبلی است؛ یعنی یکی از اساسی‌ترین مسائلی است که اراده ازلی حق به آن تعلق گرفته است که ﴿ان الارض يرثها﴾^۲ این يرثها جنبه شمولی دارد؛ یعنی به طور فراگیر حاکمان زمین عباد صالحین خواهند بود. خوب این در چه زمانی تحقق یافته. آیا این وعده الهی تنها وعده است؟ یا قطعیت دارد و باید تحقق پیدا کند. حالا من عبارت فارسی که در زبور است، می‌خوانم عربی آن را هم نوشته‌ام. آیه شریفه می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ﴾^۳؛ یعنی اول یکسری موعظه کردیم. بعد از آن، این مطلب را مطرح کردیم: ﴿ان الارض يرثها عبادي الصالحون﴾^۴ در مزامیر داوود علیه السلام مزمور ۳۷ (فصل ۳۷) چنین آمده است:

نزد خداوند ساکت شو و منتظر او باش و در مکانش تأمل خواهی کرد
و نخواهد بود و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی
سلامتی متلذذ.

آیه سوم

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي
الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي
ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ
بِي شَيْئًا...﴾^۵

۱-۴. همان.

۵. نور (۲۴): ۵۵. (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند

این آیه هم اشاره به همین جهت دارد.

درباره حضرت عیسی بن مریم علیه السلام و این که در آخر الزمان رجوع می کند، این آیه می فرماید:

﴿وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ - وَقَالُوا
 ءَالِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ -
 إِنَّ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ - وَلَوْ نَشَاءُ
 لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ - وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ
 فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾^۱

ابن حجر هیثمی در کتاب صواعق المَحْرِقَه - این کتاب رد بر شیعه نوشته شده «فی الرد علی اهل البدع و الزندقه» - درباره دوازده امام علیهم السلام عالی نوشته مخصوصاً درباره حضرت حجت (عج) به تفصیل سخن رانده است او می گوید:

قال مقاتل بن سلیمان و مَنْ تَبَعَهُ مِنَ الْمَفْسِرِينَ إِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ

→ وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، [آن چنان] که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت ...)

۱. زخرف (۴۳): ۵۷ - ۶۱. (و هنگامی که درباره فرزند مریم مَثَلی زده شد: ناگهان قوم تو به خاطر آن داد و فریاد راه انداختند. و گفتند: «آیا خدایان ما بهترند یا او [مسیح]؟! [اگر معبودان ما در دوزخند، مسیح نیز در دوزخ است، چرا که معبود واقع شده] ولی آنها این مثل را جز از طریق جدال [و لجاج] برای تو نزدند؛ آنان گروهی کینه توز و پر خاشگرند. مسیح فقط بنده ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل قرار دادیم. و هرگاه بخواهیم به جای شما در زمین فرشتگانی قرار می دهیم که جانشین (شما) گردند. او [مسیح] سبب آگاهی بر روز قیامت است. [زیرا نزول عیسی علیه السلام گواه نزدیکی رستاخیز است] هرگز در آن تردید نکنید؛ و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است)

نزلت فی المهدی (عج).

باز همین ابن حجر می گوید:

و ستأتی الاحادیثُ المصرَّحةُ بِأنه من اهل بیتِ النبوی ﷺ ففی
الآیه دلالةٌ علی البرکة فی نسلِ فاطمة و علیّ ﷺ و أن الله لَیُخْرِجُ
منهما سفیراً طیباً و أن یجعلَ نسلهما مفاتیحَ الحکمة و معادنَ
الرحمة و سرُّ ذلکَ أنه اُعَاذَها و ذریَّتَها من الشیطانِ الرجیم و دَعَا
لعلیِّ بمثلِ ذلکِ!¹

بعد این روایت را نقل می کند.

قال رسول الله ﷺ: کیفَ أنتم إذا أنزلَ ابنُ مریمَ وإمامکم منکم.²

حضرت عیسیٰ ﷺ نزول پیدا می کند ولی امام از خود شما است.

و قوله تعالی: «و إِنَّهُ لَعَلْمٌ لِلسَّاعَةِ...»³ ای من علائم الساعة حيث
نزوله فی آخر الزمان.⁴

در این زمینه، در حدیث دیگری از ترمذی در جامعش (جلد چهار

صفحه ۵۰۱) و ابوداود در سنن (جلد چهار صفحه ۱۰۶) آمده است:

۱. به زودی احادیثی که تصریح دارند او از خاندان رسول اکرم ﷺ است خواهد آمد. در آیه دلالتی بر برکت در نسل فاطمه و علی ﷺ است و این که خداوند از آن دو سفیر (واسطه) نیک سرشتی را پدید آورد و نسل شان را کلیدهای حکمت و معادن رحمت قرار دهد. راز این مسأله آن است که پیامبر اکرم ﷺ فاطمه ﷺ و نسلش را از شیطان رانده شده حفظ کرد و برای علی ﷺ نیز چنین دعایی فرمود.

۲. هینمی، ابن حجر: صواعق المحرقة. (پیامبر اکرم ﷺ فرمود: چگونه آید هنگامی که فرزند مریم [حضرت مسیح ﷺ] فرود آید و امامتان از شما باشد)

۳. زخرف (۴۳): ۶۱. (سخن خدای تعالی که فرمود: «و همانا آن، نشانه‌ای برای [فهم] رستاخیز است» ...)

۴. (سخن گوینده) از نشانه‌های رستاخیز است؛ چون نزول یا (ظهور) آن حضرت در آخر زمان است.

لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا (عزیزاً) حَتَّىٰ يَكُونَ أَثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلَّهُمْ
مِنْ قُرَيْشٍ.^۱

این احادیث در صحیح مسلم هم هست و احمد و دیگران هم دارند.
حدیث دیگری از پیامبر ﷺ می‌فرماید:

يَا عَلِيُّ إِنَّ بِنَا خَتَمَ اللَّهُ الدِّينَ كَمَا بِنَا فَتَحَهُ....^۲

شیخ عبدالوهاب شعرانی عارف معروف از عرفای برجسته جهان تسنن
است. او کسی است که در کتاب یواقیت و جواهر و دیگر کتبش تمام آرای
شیخ اکبر، شیخ محی‌الدین ابن عربی را مطرح کرده است. او در یواقیت و جواهر
(جلد دوم صفحه ۱۴۳) می‌گوید:

إِنَّ الْمَهْدِيَّ (عج) مِنْ أَوْلَادِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام وَ مَوْلَدُهُ
لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ سَنَةِ خَمْسٍ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتَيْنِ وَ هُوَ بَاقِي
إِلَى أَنْ يَجْتَمَعَ بَعِيسِي بْنُ مَرِيَمَ فَيَكُونُ عُمرِهِ إِلَى وَقْتِنَا هَذَا
سَبْعَ مِائَةٍ وَسِتِّ.^۳

شعرانی که در سال ۹۵۸ می‌زیسته است بعد می‌گوید:

و عِبَارَةٌ شَيْخِ مُحَمَّدِ الدِّينِ مِنَ الْفَتْوحَاتِ [باب ۳۶۶ فتوحات]: أَنَّهُ
لَا بَدَّ مِنْ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ (عج) وَ لَكِنْ لَا يَخْرُجُ حَتَّىٰ تَمْتَلَأَ الْأَرْضُ

۱. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۶۵. (تا با شما دوازده خلیفه که تمامشان

از قریشند، باشند پیوسته این دین [اسلام] بر پا (عزیز) خواهد بود)

۲. ری شهری، محمد: میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۴۴. (یا علی! چنان که خدا با ما آغاز کرده است،
با ما ختم خواهد کرد)

۳. همانا مهدی (عج) از فرزندان امام حسن عسکری عليه السلام است که در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ.ق
متولد شد و او باقی خواهد بود تا آن که عیسی عليه السلام پسر مریم عليها السلام بدو پیوندد، بنا بر این عمرش
در حال حاضر [وقت نوشتن کتاب] ۷۰۶ سال است.

ظلماً و جَوْرًا فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا و عدلاً و لو لم يكن من الدنيا إلا يومٌ واحد لطولَ اللهُ تعالى ذلكَ اليومَ حتى يلي ذلكَ الخليفةَ من عِترَةِ رَسُولِ اللهِ ﷺ مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ ﷺ جَدُّ الْحُسَيْنِ بنِ عَلِيِّ بنِ أَبِيطَالِبٍ و وَالِدُهُ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ ابنُ الْأَمَامِ عَلِيِّ النَّقِيِّ ابنِ الْأَمَامِ مُحَمَّدٍ التَّقِيِّ ابنِ الْأَمَامِ عَلِيِّ الرَّضَا ابنِ الْأَمَامِ مُوسَى الْكَاطِمِ ابنِ الْأَمَامِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ ابنِ الْأَمَامِ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ ابنِ الْأَمَامِ عَلِيِّ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ابنِ الْأَمَامِ الْحُسَيْنِ ابنِ أَمَامِ عَلِيِّ بنِ أَبِيطَالِبٍ ﷺ يُوَاطِئُ إِسْمُهُ إِسْمُ رَسُولِ اللهِ ﷺ يُبَايِعُهُ الْمُسْلِمُونَ بَيْنَ الرُّكْنِ و الْمَقَامِ.^۱

نکته جالب

ابن عربی مطلبی دارد که خیلی عجیب و ارزشمند است. ایشان می گوید ما عصمت امام مهدی (عج) را به روایات متواتره از پیغمبر اکرم ﷺ اثبات می کنیم؛ چون پیغمبر اکرم ﷺ درباره اش فرموده است که خطا نمی کند، سهو نمی کند؛ ولی عصمت پیغمبر ﷺ را با دلیل عقلی ثابت می کنیم. می گوید عصمت پیغمبر ﷺ با دلیل عقلی ثابت می شود، ولی اثبات عصمت امام منتظر (عج) به

۱. عبارت شیخ محی الدین در فتوحات، باب ۳۶۶ چنین است: لَا جَرَمَ مَهْدِي (عج) قِيَامِ خَوَاهِدُ كَرْد، لِيَكُنْ بَسْ مِنْ أُنْكَهْ زَمِينِ مِنْ ظَلْمِ و جَوْرِ بِرِ شُودِ كِهْ أَنْ حَضْرَتِ أَنْ رَا مِنْ عَدْلِ و دَادِ بِرِ خَوَاهِدُ كَرْدِ و اِگَرِ مِنْ عَمْرِ دُنْيَا جِزِ يَكِ رُوزِ بَاقِي نَمَانْدِ، خُدَايِ تَعَالَى أَنْ يَكِ رُوزِ رَا چنان طولانی کند تا آنکه این خلیفه از خاندان رسول خدا ﷺ از فرزندان فاطمه ﷺ که جدش حسین بن علی بن ابی طالب ﷺ و پدرش حسن عسکری ﷺ فرزند امام علی النقی ﷺ فرزند امام محمد تقی ﷺ فرزند امام علی الرضا ﷺ فرزند امام موسی کاظم ﷺ فرزند امام جعفر صادق ﷺ فرزند امام باقر ﷺ فرزند امام زین العابدین ﷺ فرزند امام حسین ﷺ فرزند امام علی بن ابی طالب ﷺ ولایت مردم را به دست گیرد. او هم اسم رسول خدا ﷺ است که مسلمانان میان رکن و مقام [ابراهیم] با او بیعت می کنند.

فرمایش پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. این را من خودم در فتوحات دیدم. آن وقت این نکته را برای شما می‌گویم چون شما همه محقق هستید، متوجه این نکته بشوید. در ادامه شعرانی می‌گوید:

این مطالبی را که از فتوحات نقل می‌کنم از نسخه قونیه یکی از شهرهای ترکیه فعلی است؛ زیرا نسخه مصری مجسوس فیها است.

شیخ عبدالوهاب شعرانی می‌گوید، نسخه مصری مجسوس فیها است؛ یعنی اعتباری به آن نیست. متأسفانه این چاپی که الان در دست است، نسخه مصری است. قطعاً نسخه قونیه در کتابخانه‌های ترکیه وجود دارد؛ و این شهادتی است از بزرگ‌ترین شخصیتی که شارح کلام شیخ محی‌الدین است که در کلمات شیخ دست برده‌اند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

گفتمان دوم

✓ حکومت واحد جهانی

آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی

✓ امام مهدی (عج) در احادیث اهل سنت

آیت الله علامه مرتضی عسکری

✓ امام مهدی (عج) در قرآن، سنت و تاریخ

آیت الله محمد واعظزاده خراسانی

✓ سخنرانی و پرسش و پاسخ درباره حضرت مهدی (عج)

حجت الاسلام والمسلمین آقای علی کورانی

حکومت واحد جهانی

سخنران: آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله و السلام على رسول الله و آله.

برای من توفیق با ارزشی است که در جمع علما و فضلای حوزه در یک موضوع بسیار با اهمیت برای امروز و آینده جهان اسلام و بشریت حرف می‌زنم. اعتراف می‌کنم در حوزه افراد شایسته‌تری وجود دارند که این مسائل را مطرح کنند و نیازی به آمدن امثال بنده نیست، ولی آقایان محبت می‌فرمایند و ما هم نمی‌توانیم محبت‌های آنان را رد کنیم. باید امسال اظهار خوشحالی بکنیم از تحرکی که در بحث ولایت و مهدویت دیده می‌شود تا آن جایی که آشنا هستم از کارهایی که توسط سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات اسلامی و سایر بخش‌ها انجام می‌شود، به مسائل اصلی پرداخته‌اند و سراغ مسائلی که واقعاً امروز مورد بحث و نیاز است رفته‌اند؛ و ما به‌عنوان حوزه و حکومت اسلامی مکلفیم به این مسائل بیش‌تر بپردازیم.

همه موجودیت ما از حضرت مهدی (عج) است و ما به نیابت ایشان خود را

محقق دانسته، برای نظاممان مشروعیت قائلیم که این تصرفات را انجام بدهیم. بنابراین، مسأله برای ما خیلی مهم است.

بعد از ملاقاتی که با مسئولان مؤسسه فرهنگی انتظار نور در رابطه با گفتنمان مهدویت داشتم، مسائل زیادی را مطرح کردند و من هم به بعضی از یادداشت‌ها و منابع مراجعه کردم. واقعاً مسأله را حائز اهمیت می‌بینم. در این جا آن مقداری که می‌شود در یک جلسه مطرح کرد، مطرح می‌کنم؛ اما انتظار اصلی من این است که آقایان مسائل را بهتر، عمیق‌تر و مفصل‌تر بررسی و مطرح بکنند.

آیه قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ﴾^۱

کلمه به کلمه این آیه قابل تعمق و بررسی است. سخن از خدا خطاب به پیغمبر ﷺ است، آن هم در موقعی که اسلام در محاصره بود و به تازگی سوسوی نور امید در ذهن‌ها پیدا شده بود. این حرف کجا، این ادعای بزرگ کجا و واقعیت‌های آن روز کجا؟ آیه تأکید خیلی دارد. کلمه «لقد» و تعبیر «کتبنا» معنای خاصی دارد. این نوشته خطی که نیست. خداوند که می‌نویسد، جور دیگری می‌نویسد. در واقع، این خبر از یک واقعیت حتمی و جزمی که در یک زمانی تحقق پیدا می‌کند، می‌دهد. مکتوب است؛ اما نه به مرکب. خداوند واقعیت‌های حتمی آینده را با این تعبیر و تعبیرات شبیه به این مضامین بیان می‌کند.

«... فی الزبور...» زبور چیست؟ معمولاً می‌گویند یکی از صحفی است که در

۱. انبیاء (۲۱): ۱۰۵. (در «زبور» بعد از (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد)

اختیار یکی از انبیای گذشته بود. به نظر من، روشن نیست این زبور همان زبور باشد. باید روی کلمه زبور هم بیش‌تر بررسی بشود:

«... مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ...»؛ بعد از این خبر و واقعیت این نیز یک تحقیق و بررسی دیگری می‌طلبد. «... يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.» کلمات «ارث»، «عبادی» و «صالح» همه این‌ها از نقاطی است که در این آیه قابل بحث و بررسی است و ان شاء الله در بحث‌هایی که شما می‌کنید، ما از ثمرات آن برخوردار می‌شویم. درباره امام زمان (عج) بحث‌های فراوانی مطرح است. در دیدار با آقایانی که از قم تشریف آورده بودند، می‌گفتند: ما تا کنون هزار شبهه را که به جامعه القا شده شناسایی کرده‌ایم. القای شبهه از قدیم بوده، الان هم از طریق اینترنت و جاهای مختلف این کار را می‌کنند. علتش هم می‌تواند بحثی باشد که مطرح می‌کنم.

شما با بحث‌هایی که در مورد وجود مقدس حضرت مهدی (عج) در همه اعصار تاریخ، در جوامع اسلامی از زمان پیغمبر ﷺ تا به امروز، مطرح است آشنا هستید.

اگر از کلمه «مهدی (عج)» صرف نظر کنیم، بحث منجی همیشه مطرح و جزء برنامه‌های انبیا بوده است. مسأله منجی، آینده خوب جهان، بشر و زمین، متواتر است.

کم‌تر مکتب، دین و ملتی پیدا می‌شود که به نوعی به آسمان و معنویات و غیب اعتقاد داشته باشد؛ اما مسأله منجی بشر و آینده خوش دنیا برایش مطرح نبوده باشد. به آسانی نمی‌توان پذیرفت. این که بعضی می‌خواهند این‌گونه القا کنند چون معمولاً ادیان و مروجین معارف آسمانی در مضیقه و ناراحتی بوده‌اند یک مسأله دل‌خوش کن و امیدبخشی برایشان مطرح می‌شده که آن‌ها

را از لحاظ روحی تقویت بکند. این القائات با جهان بینی و عقاید ما و همه ادیان الاهی نمی سازد؛ چون خداوند که عاجز نیست تا با واقعیت‌ها دنیا را اصلاح بکند؛ پس چرا با دلخوش کردن و فریب دادن و کذب، این مسأله را وعده دهد. این توجیه به درد کسانی می خورد که همه چیز را از دید مادی، سیاسی و فریبکاری بررسی می کنند.

حکومت جهانی

من فکر می کنم در میان همه بحث‌هایی که درباره امام زمان (عج) هست، مهم ترین آن مسأله حکومت جهانی است.

این که یک روزی دنیا زیر یک پرچم و در اداره یک حکومت و با یک قانون و فرهنگ اداره شود، دنیای به این عظمت که امروز شش میلیارد جمعیت دارد - آینده هم نمی دانیم چه خواهد شد و چگونه خواهد بود - و با این همه تنوع فکری، فرهنگی، سیاسی، نژادی و اختلاف سلیقه. این مسأله خیلی مهمی است. ما چون عادت کرده ایم بعضی از مسائلمان را با معجزه و با مسائل فوق العاده و استثنایی حل کنیم، شاید آسان از کنار این مسأله بگذریم؛ اما اگر روی این مسأله جدی فکر کنیم و از حد این بحث‌های مَدْرَسَه‌ای بیرون بیاوریم - ما عقیده داریم به صدق سخنان خداوند، پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام و انبیای گذشته ﷺ که گفته اند یک روز دنیا با یک حکومت، یک قانون، یک فرهنگ و تحت پرچم واحد و ... اداره می شود - ببینیم چطور این انجام می شود؟

ما هم که بشر، محیط و خودمان را می شناسیم که چقدر تنوع، تنوع و اختلاف سلیقه و خودخواهی‌ها و ... بر ما حاکم است؛ چطور بنا است دنیا یک چنین سرنوشتی داشته باشد و زمین به چنین نقطه‌ای برسد.

حتماً باید روی این مسأله بیش تر کار پژوهشی انجام شود. گر چه این مباحث در معارف گذشته و امروز هم هست.

خوشبختانه امروز بحث کردن از مسأله حکومت واحد جهانی از پنجاه سال پیش آسان تر است.

امروز وقتی که صحبت از حکومت واحد جهانی می شود به گوش انسان آن قدر سنگینی نمی کند که چهل، پنجاه سال پیش سنگینی می کرد؛ چون خود دنیا قطع نظر از معارف اسلامی و افکار ما، همین حرف ها را می زند و به این طرف می رود.

تعبیر دهکده جهانی به عنوان یک بحث کاملاً جدی در محافل تصمیم گیر دنیا مطرح است. تعبیر دنیای تک قطبی و جهانی شدن، حتی قبل از این که بگویند عملاً خودشان را برای آن آماده می کنند.

تأسیس بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، تأسیس سازمان ملل، شورای امنیت، پلیس بین الملل، دادگاه جهانی بین المللی و جهانی شدن اقتصاد، فرهنگ و کارهای سازمان هایی مثل یونسکو و یونیسف و بهداشت جهانی نمونه ای از این اعمال است.

الان خیلی از سازمان ها هستند که سرنوشت دنیا را به هم می دوزند و طراحان و استراتژیست هایی هستند که دارند این جزئیات را هم طراحی می کنند. البته آن ها با یک دید دیگری این کارها را می کنند و ما با یک دید دیگری این مباحث را مطرح می کنیم. اما میان هر دو گروه این مباحث هست. بنابراین، بحث از حکومت واحد جهانی امروز دیگر در گوش ذهن و قلب مستمعین سنگینی نمی کند.

حالا بحث من این است که چه کسی می خواهد این کار را بکند؟ و چگونه

می‌خواهد این کار اتفاق بیافتد؟ آیا ما واقعاً مدعی این مسأله هستیم؟ و اگر هستیم ظرفیت این کار را داریم؟ این‌ها بحث‌هایی است که باید قدری روی آن درنگ کرده و ببینیم چگونه است؟

مدعیان حکومت واحد جهانی

داعیه داران هدایت جهان و حاکمیت بر جهان چه کسانی هستند؟ البته ممکن است خُرده مکاتبی در دنیا باشند که این مباحث را مطرح کنند؛ ولی الان سه قطب مهم داعیه حکومت واحد جهانی دارند.

الف) اسلام

اسلام ریشه دارترین مکتب است و از قدیم این حرف را می‌زده است. این‌گونه نیست که امروز فرصت‌طلبی کرده باشد. پیش از این که دیگران اصلاً تصورش را بکنند، این مسأله را مطرح کرده است. آنچه واقعاً مهم است، تعبیرات قرآن است که معمولاً مخاطبش ناس و بشر است نه عرب نه مکی‌ها نه مدنی‌ها نه حتی مسلمین.

خود پیغمبر ﷺ هم مبعوث به کافه ناس و تمام مردم است. این مطالب را ما امروز نمی‌گوییم. این را پیغمبر ﷺ زمانی می‌فرمودند که در مکه بودند و تنها پنج، شش نفر دوست و افراد وفادار داشتند. این یک سخن سیاسی نمی‌تواند باشد بلکه سخن مخصوصی است که ریشه‌اش در عرش و آسمان است. ادیان گذشته هم این حرف‌ها را داشته‌اند. مسیحیت هم همین ادعا را دارد.

البته با عنوان برگشت حضرت مسیح علیه السلام که خیلی به معارف ما درباره حضرت مهدی (عج) نزدیک است.

البته اسلام جوهرهٔ ادیان الاهی و آخرین، بر حق‌ترین و امروزی‌ترین ادیان است؛ و همین حرف‌ها در ریشه‌های آن یعنی صحف آسمانی که در اختیار حضرت ادریس علیه السلام و سایر انبیا بود نیز وجود دارد.

ب) مارکسیزم

دوم از مکاتب داعیه‌دار حکومت واحد جهانی مارکسیزم است. آن‌ها تز خود را با تحلیل تاریخی و ماتریالیسم تاریخی با روش دیالکتیک و فلسفهٔ خودشان اثبات می‌کردند که دنیا از یک امت واحدهٔ ابتدایی جهانی کوچک شروع شده و با مسیری که طی می‌کند سرانجام و در نهایت از دنیای صنعتی و سرمایه‌داری عبور می‌کند و دوباره به کمون (نه به کمون اولیه) کمون جهانی و ملت و امت واحدهٔ جهانی با مرام اشتراکی برمی‌گردد که تز آخرالزمان آن‌ها بوده است. تعبیر آخرالزمان به میان آن‌ها هم رفته بود و تعبیر می‌کردند. آخرین و عالی‌ترین نقطهٔ تکامل تاریخ را به شیوهٔ دیالکتیک و ماتریالیسم که فلسفهٔ تاریخ مارکسیزم به آن‌ها آموخته بود، می‌دیدند.

ج) سرمایه‌داری

سومین مکتب داعیه‌دار حکومت واحد جهانی، سرمایه‌داری است. آن‌ها هم اخیراً تز آخرالزمان را مطرح می‌کنند. از وقتی که مارکسیزم به این روز افتاده، آن‌ها حرف‌های جدیدتری می‌توانند بزنند و از موضع بالاتری حرف می‌زنند. می‌گویند همه چیز به طرف حاکمیت سرمایه‌داری با فرهنگ غربی که سرمایهٔ اصلی آن‌ها است، می‌رود.

با ابزار علمی و فنی دنیای غرب، با سرمایهٔ عظیم، قدرت نظامی بی سابقه و

عظیم دنیای غرب و با ابزار اطلاع رسانی که نمونه‌اش را شما در ماهواره و اینترنت و ... می‌بینید، مرزها را می‌شکنند و به سرعت نور و ما فوق سرعت نور ارتباط برقرار می‌کنند و دنیا را به هم پیوند می‌دهند و همه بشریت را در یک محدوده قرار می‌دهند.

سخن آن‌ها سرمایه، صنعت، فن، فرهنگ، و قدرت و برنامه است. غربی‌ها شاید امروز حرفشان از بقیه مکتب‌ها و راه‌ها مستمع بیش‌تری داشته باشد و تأثیر بیش‌تری بتوانند بگذارند.

سوسیالیست‌ها سرخورده شدند. البته بعضی از آن‌ها می‌گویند این موجی است و دنیا بعد از یک آزمایشی که از قطب سرمایه‌داری کرد - چون محور و شعار سوسیالیست‌ها و اجتماعیون عدالت و مساوات مطلق است و این چیزی است که در فطرت انسان است و سوسیالیست‌ها دنبال آن هستند - بعد از موج دوم، دوباره سراغ سوسیالیزم و ما می‌آیند.

اسلام که با منطق و مبنا و روش آن تا حدودی آشنا هستیم، جور دیگری مسأله را مطرح می‌کند که من روی آن یک مقدار تأکید می‌کنم.

البته در سایر ادیان باستانی و قدیمی هم مسأله مهدویت یا منجی بشر وجود دارد؛ اما در آن‌ها داعیه جهانی را به صورتی که کمونیزم یا سرمایه‌داری غرب مطرح می‌کنند، ندیدم یا با آن صراحتی که ما درباره حکومت واحد جهانی داریم به همین تعبیر ﴿... أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱ مطرح نشده است. این ادعای صریح را در جاهای دیگر نمی‌بینیم. با یک مقایسه اجمالی بین این سه مکتب می‌توانیم دریابیم امتیازاتی در اسلام است که آن‌ها ندارند.

در حال حاضر غربی‌ها امتیازاتی دارند ولی امتیازات آن‌ها مبنایی نیست و

۱. انبیاء (۲۱): ۱۰۵. (... بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.)

به خاطر نداشتن بعضی از نیازهای واقعی حکومت جهانی واحد مشکل برایشان ایجاد می‌کند.

این را تقریباً همه متفکرین دنیا قبول دارند که اگر یک مکتبی بخواهد جامعیت داشته باشد، پیش از هر چیز احتیاج به یک جهان بینی دارد که واقعیت جهان و انسان را ترسیم بکند؛ و اگر بخواهد دوام داشته باشد و منطبق با حقیقت خارجی حرکت بکند، باید اول جهان و انسان را آن جور که هست بشناسد و ارزیابی درستی از آن داشته باشد؛ بعد ایدئولوژی یا به تعبیر دیگر که همه قبول دارند استراتژی لازم دارد.

چون غربی‌ها حکومتی که مبنایش بر ایدئولوژی اداره شود، حکومت جزمی می‌دانند که خیلی رویش حساب نمی‌کنند؛ ولی استراتژی را همه قبول دارند. استراتژی از ایدئولوژی بیرون می‌آید.

استراتژی اصول راهنمایی است که زندگی را در یک مسیرهای مشخصی قرار می‌دهد. بعد هم بر اساس این فرهنگ خلق می‌شود و خلق فرهنگ همان جریان‌های عملی زندگی بشریت است و راهنمایی‌ها و خیلی چیزها مؤثر است تا این که فرهنگی به وجود بیاید و در دل‌ها و عمل انسان‌ها به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه رسوخ پیدا بکند و مردم تحت تأثیر آن سرمایه حرکت کنند.

وقتی که جهان بینی و ایدئولوژی و فرهنگ خاص جامعه‌ای شکل بگیرد، بر اساس آن، برنامه‌ها نوشته می‌شود و ابزار اجرایی به کار گرفته می‌شود و اجرا می‌شود. اشکال اصلی آن دو مکتب که در مقابل ما هستند، نقص بسیار جدی در جهان بینی آن‌ها است که واقعاً از عهده دفاع بر نمی‌آید.

هر گاه فیلسوف و دانشمند منصفی از این‌ها با این مباحث مواجه می‌شود، می‌گوید حالا ما داریم به واقعیات و عمل بیش‌تر توجه می‌کنیم.

بالاخره این جهان را چگونه می‌شناسیم مبدأ و معاد را قبول داریم یا نداریم؟ انسان را بین مبدأ و معاد قبول داریم یا نداریم؟ این که جهان هستی خدایی دارد و طراح و مدیر عالی و ربی دارد، این‌ها را می‌پذیریم یا نمی‌پذیریم؟ اکثریت مردم دنیا، چون در فطرتشان است، می‌پذیرند؛ حتی بت پرستان و مشرکان هیچ وقت نتوانستند خدا را در ذهن خودشان منکر بشوند؛ حتی ملحدترین و مادی‌ترین انسان‌ها هم در شرایط خاصی رجعت به خدا و فطرت و واقعیت و روح عالم دارند؛ ولی در زندگی می‌خواهند این را ندیده بگیرند. بنابراین، مشکل این دو مکتب این است که با اصل فطرت سازگار نیستند و بخش اساسی و اصلی آن را ندیده می‌گیرند و از وسط می‌خواهند شروع کنند. مشکل اصلی این‌ها این جا است. اگر روی این مسأله برای بشریت یک روزی هماهنگی به وجود بیاید، قدم‌های بعدی خیلی سریع‌تر عمل می‌شود.

انکار خدا، توحید، ربوبیت خدا و انکار حضور اراده‌ی الهی و احاطه‌ی عرش الهی بر جهان، این مسأله بسیار بسیار مهمی است؛ گرچه در خیلی از مسائل و در این غوغای مادیت دنیا مغفول عنه است.

ندیده گرفتن این امر و ارکان آن خیلی کار دست این‌ها داده و می‌دهد و مشکلات جدی ایجاد کرده است.

بسیاری از تحلیلگران در رابطه با افول مارکسیزم و سوسیالیزم می‌گویند در عمل شیوه‌های غلط اقتصادی موجب شکست آن‌ها شد. البته این مسأله بود؛ اما این‌ها هیچ وقت تحلیل نمی‌کنند که مشکل و مسأله اصلی این‌ها انکار خدا، دین، عالم غیب و ... بود. حتی به همین مقداری که چراغ دین در غرب روشن است، برای مارکسیزم نبود. این‌ها می‌خواستند به کلی خدا را تبدیل بکنند به حرکت چرخ‌های ماشین صنعت و تولید. بدترین تناقض‌ها در زندگی این‌ها

از همین جا در آمد.

این‌ها با نفی و فراموش کردن معنویت و خدا می‌خواستند «مساوات» را که مهم‌ترین رکن آن روح ایثار و فداکاری و فراموش کردن خود و توجه به معنویات است، در جامعه حاکم بکنند که این تناقض بسیار جدی دارد.

انسانی که خودش را مثل یک درخت تصور می‌کند که سبز می‌شود، رشد می‌کند و بعد می‌میرد و خزان و خشک می‌شود، چگونه می‌تواند به مساوات و عدالت فکر بکند؟

اگر در یک جنگلی مساوات پیش بیاید، اگر در یک جامعه حیوانی مساوات معنا داشته باشد، در جامعه با چنین نگرش مادی و خالی از معنویت و خدا هم می‌تواند معنا داشته باشد.

لطیف‌ترین و عالی‌ترین اوج حرکت معنوی انسان را که همین مساوات و عدالت و انسان دوستی و احساس رنج دیگران است، این‌ها را می‌خواهند بدهند به یک موجود خشک بی‌روحي که هیچ سرمایه معنوی و خدایی نداشته باشد. الان کسی در تحلیل افول مارکسیسم به این مسأله خیلی نمی‌پردازد؛ ولی این مهم‌ترین مسأله است. برای انسان بی‌معنویت مساوات و عدالت تحقق نمی‌یابد؛ زیرا فطرت انسان، خودخواه، خودبین و منحصرخواه است. این‌ها به ادله‌ای در وجود انسان تعبیه شده است.

امروز بحث کردن از این‌که غرب دچار اشکال واقعی است کار آسانی نیست. برای این‌که چشم‌ها و گوش‌ها پر است از مظاهر قدرت و پیشرفت غربی‌ها، به خصوص اگر از طرف کسانی مثل ماکه در زندگی و اداره جامعه و جهان اسلام بسیار بسیار مشکل داریم، باشد. ما وقتی که این حرف‌ها را بزنیم، خیلی آسان از ما نمی‌پذیرند؛ چون می‌گویند شما اگر این‌ها را بلدید، خودتان عمل کنید؛

چرا به دیگران می‌خواهید بگویید.

ما حالا در مقام بحث و تحلیل هستیم. ما ممکن است در عمل نتوانسته باشیم و نتوانیم مسلمان‌های خوبی باشیم؛ اما ما از اسلام داریم حرف می‌زنیم نه از خودمان.

سؤال این است که آیا امریکا سردمدار غربی‌ها داعیه‌دار حکومت واحد جهانی یک جامعه موفق است یا نه؟ و آیا غرب صلاحیت دارد حکومت واحد جهانی را اداره کند و عدالت و حق را و آن چیزهایی که فلاسفه و حکما و اندیشمندان دنبال آن بودند و آن مدینه فاضله‌ای که همیشه روح انسان‌های خیر خواه را جذب می‌کرده، پدید آورد؟ آیا آن‌ها می‌توانند این کار را انجام بدهند؟ قطعاً نه.

شاید در غرب موفق‌ترین ملت‌ها الان امریکا باشد که از لحاظ مادی از کشورهای دیگر پیشرفته‌تر است و حقیقتاً در این ارزش‌هایی که آن‌ها قائلند و فکر می‌کنند موفقیت است او پیش‌تر از همه این‌ها است. عملاً هم می‌بینید که بالاخره او تصمیم‌گیر نهایی است، آیا جامعه امریکا واقعا جامعه ایده‌الی است؟ آیا آن‌ها که الان می‌گویند ما می‌خواهیم قطب عالم باشیم و دنیای تک قطبی را اداره کنیم و فرهنگمان را بر دیگران غلبه بدهیم، وضعیت درستی دارند؟ باید بررسی کنیم و ببینیم در جامعه خودشان چه خبر است؟

در جامعه امریکا حدود سی، چهل مورد اشکالات اصلی می‌توان پیدا کرد.

البته کسی که از دور ماهواره را می‌بیند و خبرهای روزنامه‌ها و رسانه‌های آن‌ها را می‌بیند، خیال نمی‌کند این اشکالات در امریکا باشد؛ ولی اگر کسی یک قدری مطالعه کند. از زبان خود امریکایی‌ها که جامعه امریکا را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند، می‌بیند به بیش‌تر این مشکلات اشاره و

پرداخته شده است.

من به تعدادی از مشکلاتشان اشاره می‌کنم. این‌ها از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تناقض‌ها و گرفتاری‌های فراوان دارند.

* پوچگرایی

نخستین مسأله که خود امریکایی‌ها به آن معترفند، احساس روحیه پوچی در جامعه امریکا است؛ یعنی این‌ها فکر می‌کنند ما به کجا داریم می‌رویم و دنبال چه هستیم؟ از این خورد و خواب چه حاصل خواهد شد؟ این حرف آن‌هایی است که دارند. آن‌ها که ندارند، بدبختی‌های دیگری دارند. این‌هایی که دارند، این مسأله برایشان به‌طور جدی مطرح است که انسان در جامعه امریکا بی هدف است. بی هدف نهایی.

بی هدفی واقعاً صدمه بزرگی به روحیه انسان می‌زند. انسان در یک لحظه فکر می‌کند که قدم بعدی چیست؟ می‌خواهیم چه کنیم؟

و احساس از خود بیگانگی دارند؛ یعنی احساس می‌کنند از انسانیت بیگانه می‌شوند. این بیگانگی را هم در عمل حکومتشان می‌بینند هم در عمل مدیرانشان هم در عمل سرمایه دارانشان و هم در روابط اجتماعی جامعه. آن‌ها می‌بینند انسانیت در بین آن‌ها نیست.

این مسائل چیزهای مادر است. وقتی این‌ها را می‌آوریم توی سازمان‌ها و در مسائل دیگر وارد می‌شویم، می‌بینیم چه ابتلائی است.

* بحران خانواده

خانواده که نخستین سلول اجتماعی است، در امریکا ضعیف‌ترین سلول

پیکر جامعه بشری است. خانواده برای آن‌ها خیلی بی‌مفهوم است. البته در امریکا هم خانواده‌های محکم، متعهد، متعبد و انسان فراوان است؛ ما حکم عمومی و چیزی را که دارد اتفاق می‌افتد، می‌گوییم. واقعا مشکل خانوادگی برای آن‌ها یک مسأله بسیار بسیار جدی است. الان روی بشر واحد و فرد واحد بیش‌تر حساب می‌کنند تا خانواده. این انهدام سلول خانواده در جامعه امریکا باعث ازدیاد بچه‌های نامشروع شده است که ارقام آن غیر قابل باور است. این‌ها پدر و مادرشان را فراموش کرده‌اند و به هیچ جایی وابستگی ندارند و در جامعه به سرعت در حال ازدیادند. بعضی از متفکرین غربی این را مثبت می‌دانند و می‌گویند که این افراد وابسته نیستند و انسان‌هایی هستند که روی پای خود رشد می‌کنند. یک عده دیگر هم تمام بدبختی‌های این‌ها را تحلیل می‌کنند و مستند می‌نمایند. وقتی می‌گوییم اخلاق ندارند، آن‌ها می‌گویند اخلاق نسبی است و بحث نسبت اخلاق را مطرح می‌کنند. هر ارزشی که مطرح شود، چون آن‌ها ارزش واقعی را معتقد نیستند، ارزش ثابت و ابدی را نمی‌پذیرند، می‌گویند ارزش نسبی است؛ یک جا خوب است یک جا بد است، یک زمان خوب است یک زمان بد است. هر عنوانی را مطرح کنیم، آن‌ها تحلیل می‌کنند می‌گویند همین خوب است و باید این جور باشد. خانواده‌های به هم ریخته، بچه‌های نامشروع، بی‌سرپرست و محصول شیرخوارگاه‌ها و یتیم‌خانه‌ها دارند جامعه را می‌گیرند، نسبت به آن یا توجیه می‌کنند یا بی‌تفاوتند.

* اعتیاد

به دلیل همان پوچی و بی هویتی در جامعه امریکا، نسل جوان امریکایی گرفتار اعتیاد بسیار شدیدی است.

ارقام اعتیاد به انواع مواد مخدر در امریکا خیلی بالا است. حالا آن‌ها اعتیاد به مشروب را اصلاً جزء اعتیادها نمی‌دانند و آن را در آمار محسوب نمی‌کنند. اگر اعتیاد به مشروب را هم ضمیمه کنند، که این اعتیاد از بدترین اعتیادات است، موارد استثنا خیلی کم است. اعتیاد در حال بی خانمان کردن امریکا است.

اگر جامعه بشری قرار باشد به صورت حکومت واحد جهانی در آید و مسئول آن امریکایی‌ها باشند و این فرهنگ بر آن حاکم شود و رشد کند، چه خواهد شد؟ البته نمی‌گوییم در جاهای دیگر این مشکل وجود ندارد، ما هم امروز با این مشکل مواجهیم، اما نه به مقداری که در جامعه امریکا رو به رو هستند. بعلاوه این همان فرهنگ غرب است که به کشورهای دیگر سرایت می‌کند.

* خشونت

علاوه بر این که خانواده در امریکا به سوی بی اساس شدن می‌رود، اعتیاد هم بیداد می‌کند. از طرف دیگر اخبار زیاد و وحشتناکی را از امریکا می‌شنویم. این اخبار خیلی کم‌تر از آن چیزی است که اتفاق می‌افتد. روحیه خشونت و بی بند و باری در بچه‌ها بیداد می‌کند. هر روز می‌شنویم که در مدارس آن‌ها تیراندازی شده یا در فلان جا آدم کشی شده، کجا را آتش زدند یا حمله بردند. اگر این حوادث را به دنیا نشان می‌دادند، به عمق مشکل آن‌ها پی می‌بردیم.

* مشکل امنیت

نا امنی مسأله‌ای دیگر است که الآن در رسانه‌های ماکمی از آن اظهار نارضایتی می‌شود که این هم سوغات غربی‌ها است. در امریکا به گونه‌ای است که در اکثر شهرهای بزرگ از اول شب، انسان‌هایی که کمی برای خودشان شخصیت قائلند توی خیابان نمی‌آیند. در حالی که از دور خیال می‌شود آن‌جا «جزیره امن» است. واقعاً این‌گونه نیست. من خودم پیش از انقلاب در نیویورک در هتلی نزدیک سازمان ملل اقامت داشتم، آن‌جا تابلو زده بودند که از فلان ساعت در صورت امکان سعی کنید در اتاقتان باشید و اگر بیرون رفتید، باید خیلی مواظب باشید؛ و حال آن‌که هنوز اول شب بود. این چه جور جامعه‌ایده آلی است؟.

* تبعیض

از لحاظ اجتماعی، در امریکا تبعیض بسیار زیاد است. اگر کسی کنار سیاه‌پوستان، سرخ‌پوستان و مسلمانانی که از کشورهای مختلف به امریکا رفته‌اند، بنشینند و درد دل آن‌ها را بشنود، متوجه خواهد شد که چه بلایی این کشور را گرفته است و چقدر آلوده است. تفاوت زندگی یک سرخ‌پوست یا سیاه‌پوست با پولداران امریکایی یا سفیدپوستانی که از انگلیس و جاهای دیگر آمده‌اند، خیلی زیاد است. این تبعیض که الآن بین نژادها در امریکا دیده می‌شود، در کم‌تر جای دنیا وجود دارد. واقعاً غیر قابل تحمل است که انسان ببیند در یک جامعه بشری این‌گونه رفتار می‌شود.

سیاه پوستان و سرخ پوستان حق رأی، حق آمدن به مدارس سفید پوستان، حق ورود به اداره خاص و رستوران‌های سفیدپوستان را نداشتند. این مسائل گرچه تا حدودی اصلاح شده، اما اکنون به شکل‌های دیگری گرفتارند.

بی سبب نیست که هر کس دعوت به اجتماعی می‌کند یک یا چند میلیون سیاه‌پوست جمع می‌شوند و علیه امریکایی‌ها حرف می‌زنند. این جور نیست که فکر کنیم واقعاً مردم در امریکا راحت زندگی می‌کنند. این مهاجرینی که به آن جا رفته‌اند (از ایران، ویتنام، چین و ...) این‌ها فقط راضی‌اند که به یک نحوی زندگی می‌کنند. ۱۰ درصد حقوق انسانی و شهروندی به این‌ها نمی‌دهند. زندگی آن‌ها زندگی شهروندی نیست، حتی آن‌هایی که اقامت گرفته‌اند با مشکل مواجهند.

* فقر

از لحاظ سطح برخورداری از نعمت‌ها و سطح استاندارد، در جامعه امریکا - چنان‌که خودشان می‌گویند - ۱۳ یا ۱۴ درصد مردم زیر خط فقرند؛ و این در یک جامعه ۲۵۰ میلیونی یعنی در حدود ۳۰ یا ۴۰ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند. چطور این جامعه می‌تواند ایده آل باشد.

* بی‌بند و باری جنسی

به دنبال تزلزل در خانواده و حالت پوچی و ناامیدی که در اکثریت جامعه امریکا دیده می‌شود، بی‌بند و باری جنسی که محصول آن بچه‌های نامشروع هستند، زیاد است و آفتی فوق‌العاده کشنده برای امریکایی‌ها شده است. این را

از ارزش‌هایشان بیرون برده‌اند؛ مثل کسی که مایوس شده و غرق شده و کاری نمی‌تواند بکند، تسلیم شده‌اند؛ رشته‌امور از دست مسئولان خارج شده است. وضع دختران و پسران جوان در مدارس، خانواده‌های متزلزلی که هر روز از هم جدا می‌شوند و ... همه این‌ها معلول بی بند و باری جنسی و گرفتاری آن‌ها به این مسأله است.

* ابتذال رسانه‌ای

مشکل بسیار جدی دیگر امریکا، «رسانه‌های» آن‌ها است، که متأسفانه کشورهای دیگر از آن تقلید می‌کنند و فکر می‌کنند ارزش‌های غربی مرهون این است. الآن رسانه‌های امریکایی بی بند و بار هستند، اینترنت، ماهواره، روزنامه و رادیو و تلویزیون‌های خصوصی و رسانه‌های اطلاع‌رسانی به گونه‌ای عمل می‌کنند که هیچ امنیتی برای کسی احساس نمی‌شود.

حتی این امنیت برای قدرتمندان هم کم شده؛ اما آن‌ها برای خود حفاظ درست می‌کنند و با درست کردن روزنامه، مجله و مجموعه رادیو و تلویزیونی از خود دفاع می‌کنند. وضعیت به گونه‌ای است که همه احساس ناامنی می‌کنند و می‌ترسند که مسائل خصوصی و شخصی شان به صورت شایعه، دروغ، جنگ‌های روانی افشاگردد و حریم شخصی آن‌ها را پاره کند.

در حالی که بیرون از امریکا این‌ها به‌عنوان ابزار پیشرفت و دمکراسی روز شناخته می‌شوند؛ ولی وقتی وارد می‌شوند و بررسی می‌کنند خلاف این ثابت می‌شود.

جدی‌ترین تحلیل، ریشه‌گرفتاری‌های اخیر امریکا در مسأله انتخابات را به رسانه‌ها می‌رساند؛ اگر چه رسانه‌ها نمی‌گذارند مشکل به گردن آن‌ها بیفتد.

در درون آن‌ها اشکالات واقعی وجود داشته و همیشه بوده، اما آن را می‌پوشانند؛ ولی حالا گوشه‌ای از آن فاش شد. در این مسأله شاید یک نقطه مثبتی می‌دیدند که اسرار پنهان احزاب را فاش کردند، ولی چیزی نمانده بود که بحران پدید آید و مهار از دستشان بیرون رود.

* بی‌اعتمادی

بحث دیگر بی‌اعتمادی در جامعه آمریکا است که نمونه آن در انتخابات اخیر ریاست جمهوری به وجود آمد. آمریکا در هر جای دنیا که انتخابات می‌شود می‌خواهد ناظر بفرستد و نظارت کند و طلبکار است و می‌گوید مثل ما عمل کنید.

الآن خود آن‌ها به این جا رسیده و به مشکل برخوردند و گوشه‌ای از آنچه را که واقعیت است، می‌گویند. شاید هم کشف شود که مسائل بیش از این‌ها است. سیستم انتخاباتی آن‌ها به گونه‌ای است که معمولاً نصفی از مردم در انتخابات شرکت نمی‌کنند. به خاطر این که بی‌اعتمادند.

اگر در یک کشوری مثل ایران رأی دهنده‌ها ۵۰ تا ۶۰ درصد باشد، در دنیا ما را هو می‌کنند و می‌گویند مردم این‌ها رشد سیاسی ندارند یا استبداد است؛ اما در آمریکا اگر ۴۰ درصد مردم هم شرکت بکنند، این عیوب را می‌پوشانند.

اصلاً وضع به گونه‌ای است که مردم افتاده‌اند در یک راه بی‌برگشت. انتخاباتشان را به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که مردم باید یا به این حزب رأی دهند یا به آن حزب. چیز دیگری هیچ وقت از صندوق در نمی‌آید. شرایط به گونه‌ای است که هر انسان خوب، محبوب و مطلوبی بخواهد خارج از حزب جمهوری خواه و دمکرات نامزد شود، در نهایت بیش از ۱۵ درصد نمی‌تواند

رأی بیاورد؛ آن هم از طبقات مظلوم و محروم که از همه جا مأیوس‌اند، مانند سیاهان و سرخ‌پوستان. شبکه به‌گونه‌ای خاص طراحی شده و اسم آن را دموکراسی، آزادی، مردم‌سالاری گذاشته‌اند. رئیس‌جمهور حتماً بایستی یکی از اعضای حزب جمهوری خواه یا دمکرات باشد. بعد هم این‌ها مدعی‌اند - در کشورهای امثال کشور ما که ۹۹ درصد مردم آن در اوج نشاط انقلابی در انتخابات شرکت می‌کنند و رأی می‌دهند - و می‌گویند شما دموکرات، آزادیخواه و مردم‌سالار نیستید، بیایید از ما یاد بگیرید.

* سیستم آموزشی ناکارآمد

سیستم آموزش آن‌ها که می‌خواهند آن را به همه جا صادر بکنند، سیستم ناکارآمدی است. امروز مغز متفکر در امریکا تربیت نمی‌شود. بسیاری از کارهای مهم این‌ها را مهاجرین با مزد کم انجام می‌دهند؛ مانند ایرانی‌ها، ویتنامی‌ها، چینی‌ها، روس‌ها، آفریقایی‌ها. این‌ها را جذب می‌کنند و از آن‌ها مانند ماشین کار می‌خواهند. در مجموع سیستم آموزشی امریکا، به خصوص در ابتدایی و متوسطه، سیستم ناکارایی در دنیا شناخته شده است.

* اقتصاد بیمار

از لحاظ اقتصادی فکر می‌شود آن جا بهشت دنیا است. امریکا مقروض‌ترین کشور دنیا است. بدهی‌های خارجی و داخلی فراوان دارند که ارقام آن سرسام‌آور است؛ اما سیستم آن‌ها به‌گونه‌ای است که عمل می‌کند و این بدهکاری را می‌پوشاند.

با همین قدرت استکباری که دارند، دلارشان را در سراسر دنیا به گونه‌ای حاکم کرده‌اند که در هر گوشه‌ای و در هر خانه فقیری چند ورق دلار پیدا می‌شود و امریکا به نحوی از وجود این دلار در جیب یک کارگر، کارمند یا معلم بهره می‌گیرد. سیستم پولی و بانکی دنیا را به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که همه این عملیات‌های بانکی در دنیا و مسائل بین‌المللی مبادلات به یک نحوی سر نخ آن از نیویورک و واشنگتن می‌گذرد.

این‌ها با وجود این‌که این‌گونه دنیا را استثمار می‌کنند، این قدر مقروض داخل و خارج هستند.

* وابستگی به منابع

از لحاظ وابستگی، فکر می‌شود امریکا مستقل‌ترین کشور دنیا است؛ اما الان امریکا روزانه ۸ تا ۹ میلیون بشکه نفت وارد می‌کند. اگر نفت به قیمت بشکه‌ای ۳۰ دلار باشد، امریکا در سال باید بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار برای نفت بپردازد تا سوخت وارد و استفاده کند و حتی اگر یک میلیون بشکه آن وارد نشود، بحران پدید می‌آید.

چطور این کشور می‌تواند مستقل باشد. با این شرایط فعلی و با نظمی که به میل خودشان به دنیا داده‌اند، می‌تواند مستقل باشد.

اما اگر یک دولت جدی مثل ایران پیدا شود و بخواهد کار کند و خلیج فارس را برای امریکا نا امن سازد، برای امریکا بدترین روز خواهد بود. اگر روزانه ۲ یا ۳ میلیون بشکه نفت به امریکا نرود و ذخایر چند روزه آن‌ها مصرف شود، چه اتفاقی برای آن‌ها خواهد افتاد. این بدترین نوع وابستگی است.

* وابستگی به بازارهای دنیا

از جهت دیگر، محصولات و صنعت امریکا به گونه‌ای است که اگر بازار دنیا برایش ناامن شود، صنایع آن خفه می‌شوند؛ و میلیون‌ها بیکار به خیابان‌ها می‌ریزند و بانک‌ها ورشکسته خواهند شد. وقتی بازار و منبع کشوری این‌گونه وابسته باشد، این یک جامعه ایده‌آلی می‌تواند باشد؟! چنین جامعه‌ای بسیار متزلزل، بی اعتبار و سست است.

این سستی یک روزی ظهور خواهد کرد؛ امروز در دنیا کسی نیست. این‌که شما می‌بینید - شاید مایه تعجب باشد و جوان‌های ما هم متوجه این نیستند - امریکا این قدر با ما بد و کج است و واقعاً مانند پدر کشتگی با انقلاب ایران رفتار می‌کند، بدان جهت است که می‌بیند ایران یک کشور مستقل آزاد و روی پای خود و استکبار ستیز و استثمار ستیز است و اتفاقاً در جایی هم واقع شده که شمال و جنوب آن منافع حیاتی امریکا است. لذا تلاش می‌کند مبادا ایران رشد کند، محکم و صنعتی شود، تولید پیدا کند، زیر بناهایش را بسازد، مستقل واقعی بشود، سازندگی داشته باشد، امریکا می‌خواهد ایران یک کشوری باشد با شعار، سر و صدا و هیاهو.

آن‌ها امسال^۱ را هم سال بلوا در ایران پیش‌بینی کرده بودند که این خود جنگ روانی است. می‌خواهند به جریان‌های موذی داخل کشور بگویند وقت شلوغ کردن فراهم شده است و اراذل و اوباش سیاسی را تهیج و وارد میدان کنند.

خیلی برای این‌ها سنگین است که جایی مثل ایران مخالف آنان بوده،

علی‌رغم میل آن‌ها رشد کند؛ زیرا این زاینده و مسری است و می‌تواند الگو باشد. برای این‌که بازار و منبع انرژی آن‌ها مخدوش شده، سلسله اعصاب سیاست آن‌ها به هم می‌ریزد. اگر یک کشوری مثل ایران در منطقه‌ای مثل خاور میانه باشد برای این‌ها قابل تحمل نیست. چرا امریکا این همه با رسوایی خرج اسرائیل می‌کند، بمب‌های اتمی که اصل آن هم نباید باشد و به اعتقاد خودشان تنها باید در اختیار چند قدرتی باشد که بر اعصابشان کنترل دارند، اجازه می‌دهند اسرائیلی‌ها همهٔ اسلحه‌های خطرناک را داشته باشند؟

این چه رمزی است که ۳ یا ۴ میلیون یهودی را از سراسر دنیا دست‌چین می‌کنند و به این‌جا می‌آورند و این همه بلا و بلوا در منطقه درست می‌کنند.

من چند روز پیش^۱ که با بعضی از سران یهودی ملاقات داشتم، می‌گفتند: یهودی‌های منصف دنیا می‌فهمند کلاه سرشان رفته، این‌ها در کشورهای مختلف بودند زندگی و تجارت می‌کردند، معمولاً ثروتمند بودند و آرامش داشتند. آن‌ها یک کاری کردند و کشوری برای ما خلق کردند. آن‌ها می‌گفتند وقتی که جسد آن نوجوان فلسطینی را در بغل پدرش دیدیم، فهمیدیم چندین میلیون خصم خونین توی دنیا برای ما به وجود می‌آورند. پس زندگی دیگر تلخ می‌شود، چرا این یهودی‌ها را دستگیر کردند، بردند و حکومت درست کردند و این همه هم سلاح دادند و این همه هم امریکا حیثیت خرج می‌کند.

این چیز کمی نیست که همهٔ کشورها در سازمان ملل و در شورای امنیت، همه اسرائیل را محکوم می‌کنند، فقط امریکا مخالفت می‌کند. همه می‌گویند مگر می‌شود این کشتاری که اسرائیلی‌ها از مردم بی‌دفاع و بی‌سلاح فلسطین در خیابان‌ها دارند و هزاران مجروح در بیمارستان‌ها به خاطر ظلم‌های

اسرائیلی‌ها خوابیده‌اند، محکوم نکرد.

ما زبانمان هم نگوید، قلبمان که این خبر را بفهمد محکوم می‌کند؛ اما امریکا با رسوایی و گستاخی می‌گوید ما محکوم نمی‌کنیم. تقصیر فلسطینی‌ها است. حتماً باید دلیل مهمی داشته باشد. باید یک چیزی باشد که این همه سرمایه‌گذاری کند، این هزینه را به عهده بگیرد.

دلیل این همه حمایت این است که امریکا با وجود اسرائیل در منطقه، در کنار کانال سوئز و مخازن نفت و انرژی دنیا و نقاط حساس مذهبی و انسان‌ساز و منطقه پیغمبرخیز که همیشه منشأ هدایت دنیا بوده، احساس امنیت می‌کند. می‌خواهند کسانی را این‌جا بگذارند که ژاندارم منافع آن‌ها و مواظب حرکت مردم منطقه باشند.

ترکیه یک کشوری است که تسلیم امریکا است. به همین خاطر، بر همه انحرافات حقوق بشری‌اش صحنه می‌گذارند و چشم‌پوشی می‌کنند. این خیلی افتضاح است دولت ترکیه اعلام می‌کند هر کس ریش دارد یا روسری داشته باشد او را به دانشگاه‌هایمان راه نمی‌دهیم. این حرف چقدر امروز در دنیا زشت است و ننگ است برای یک ملت؛ حتی اگر اسلامی هم نگوییم، یک ملتی که خودش را لائیک می‌داند؛ ولی امریکا چشم می‌پوشد.

ترکیه برای امریکا مثل فرزند خوانده است؛ چون آن‌جا پایگاه نظامی و منافع دارند. چون آن‌جا باید روسیه، ایران، عراق و خیلی جاهای دیگر را کنترل کند. وقتی که ایران به خصوص از دستش رفت نظم و ارزش ترکیه برای امریکا بسیار بالا رفت.

پارسال^۱ در ترکیه شانزده هزار دانشجوی دختر به خاطر این حکم از دانشگاه

محروم شدند، ولی در کشوری مثل چین و ایران اگر پنج نفر دانشجو را محروم کنند، همه حلقوم‌های حقوق بشری پاره می‌شود و فریاد می‌زنند و داد و بیداد می‌کنند، اما این جا خفه شده‌اند.

در ترکیه یک حزبی (حزب رفاه) که در مجلس، دولت و همه کشور اکثریت داشت، آن را رسماً و با زور منحل کردند. رهبر آن را محکوم به زندان کردند. امریکا چه حرکتی و عکس‌العملی نشان داد؟ اگر بخواهند جلوی حرکت ترکیه را بگیرند، به راحتی می‌گیرند. احتیاجی به داد و بیداد هم ندارند فقط خصوصی به ترکیه بگویند این کار را نکن، نمی‌کند؛ چون ترکیه به امریکا وابسته است. اما هر کار خلاف حقوق بشر می‌کنند.

همه امکانات ترکیه الآن در اختیار اسرائیلی‌ها است. اسرائیل چطور در ترکیه این‌گونه جولان می‌دهد؟ کشوری که قرن‌ها مرکز خلافت اسلامی بوده و نزدیک نود و نه درصد مردم مسلمانند. واقعاً بسیاری از مردم مسلمانند. این طور نیست که ما خیال کنیم لائیک‌ها همه جا را گرفته‌اند. دلیل این مطلب پیروزی حزب اسلامی رفاه و بعد هم حزب اسلامی فضیلت بود.

چطور اسرائیل دوست نظامی، سیاسی و اقتصادی ترکیه می‌شود و به آن‌ها فرمان می‌دهد هواپیمای جمهوری اسلامی را که کمک دارویی و تجهیزات برای مجروحان فلسطین می‌برد از هوا پایین می‌کشند و بازرسی می‌کنند. این چه افتضاح بزرگی است که اتفاق می‌افتد. امریکا احتیاج دارد به این جا و می‌خواهد آن را نگه دارد. امثال این افتضاحات خیلی فراوان است. علت آن هم نیازمند بودن امریکا است.

امریکا دروغ می‌گوید مستقل است و وابسته نیست. یکی از وابستگی‌های امریکا وابسته بودن به انرژی است که بدترین نوع وابستگی است. ذخیره‌های

استراتژیک هم نتوانست مسأله را حل کند.

این‌ها وقتی که نفت ارزان بود، انبارهایشان را پر از نفت کردند بعد دیدند نگهداری انبارها و نفتها بسیار پر هزینه‌تر از گران شدن نفت است. بعد قضیه را سست کردند. این همه سرمایه می‌گذارد روی اعضای اوپک که این‌ها را مجبور بکند تصمیم دیگری علیه منافع آن‌ها نگیرند، به خاطر ضعف این‌ها است.

فکر نکنیم که امریکا وابسته نیست واقعاً وابسته است و نمونه‌هایش را هم ذکر کردم. نمونه دیگر این‌که، رقابت صنعتی برای این‌ها کشنده است، لذا غربی‌ها روی بازار به جان هم می‌افتند. یک چنین جایی نمی‌تواند فرهنگش حاکم بر دنیا باشد.

الان به شدت بین قطب‌های صنعتی رقابت است. یک حادثه کوچکی که اتفاق می‌افتد، وضعیت این‌ها به هم می‌ریزد.

در خبرها آمده بود که بورس‌های امریکا پنج درصد سقوط کرده است. پنج درصد سقوط در بورس امریکا یعنی یک فاجعه. به خاطر همین مسائلی که در دنیا اتفاق می‌افتد، به خاطر این تصمیماتی که بنا شد کشورهای اسلامی در قطر بگیرند.

وزرای خارجه پیشنهاد کردند که کشورهای اسلامی باید با اسرائیل قطع رابطه بکنند، حالا معلوم نیست این تحقق پیدا کند. اگر این کار را کردند، یک گام بزرگ و تحول عظیمی است. فشاری که عربستان و ایران روی قطر آوردند و بالاخره پذیرفت که قطع رابطه کند با این‌که چند روز مقاومت می‌کرد. همین مسائل سبب می‌شود بورس سقوط کند.

بورس امریکا که سقوط می‌کند، تسلسل دارد به جاهای دیگر هم سرایت می‌کند. این‌ها به هم وابسته‌اند.

این سیستم، با این بی‌انصافی که در برخورد با مردم دارد، سیستمی نیست که بتواند حاکمیت جهانی داشته باشد.

* نارضایتی مردم دنیا

فکر می‌کنید جهان سوم از امریکا راضی است؟ بیش از چهار، پنج میلیارد مردم دنیا از امریکا و سیاست‌های بین‌المللی آن ناراضی‌اند. این نظام چطور می‌تواند حاکم بر همه دنیا باشد، در حالی که اکثریت مردم دنیا آن را نمی‌پسندند و همه خودشان را طلبکار می‌دانند، همه خودشان را مظلوم می‌دانند، همه امریکا را استعمارگر می‌دانند. فرض حکومت جهانی که این نیست.

حکومت جهانی حکومت بر دل‌ها است و پیشرفت‌های معنوی لازم دارد که آن هم در امریکا و غرب اتفاق نیفتاده است.

به هر حال با همه نواقصی که برای امریکا بر شمردیم، این سیستمی است که الان می‌خواهد ارباب دنیا و محور تک قطبی دنیا باشد و حکومت واحد جهانی برقرار نماید و افرادی مثل فوکویوما برای آن‌ها تر آخرا الزمان می‌نویسند.

البته اسلام هم با وضع موجودی که دارد نمی‌تواند داعیه‌دار حکومت واحد جهانی باشد؛ حتی در خود ایران که الان قطب اسلام ناب است، فکر نمی‌کنیم آنچه هست کافی است و همه چیز بر اساس حکومت اسلامی است.

ما الان از محتوا و گفته‌ها و از آنچه که در دین و بشارات ما آمده سخن می‌گوییم. در فرهنگ و متون اسلامی از حکومت امام زمان (عج)، واقعا حرف‌های محکمی از بدو آفرینش تا امروز وجود دارد.

حوزه‌های علمیه بایستی روی جهان بینی‌ای که قرآن مطرح می‌کند

از لحظه خلقت حضرت آدم علیه السلام تا حضرت مهدی (عج) و آیاتی که در این زمینه است - توجه بکنند و آن این است که عاقبت دنیا به خیر است و دنیا روز خوشی دارد و بشر و دنیا برای آن روز خلق شده‌اند؛ و آلا آنچه که تا به حال ما از دنیا دیده‌ایم چه در دوره گذشته و چه امروز، فلسفه خلقت بشر را نشان نمی‌دهد. آن زیبایی که برای بشر ترسیم می‌شود و آن عالم اصغر هم وزن عالم اکبر نیست. این جسم صغیر و آن روح کبیر با این عملکرد واقعا سازگاری ندارد.

باید دنیا یک روزی برسد به جایی که بشر ایده‌های الهی و آسمانی و آن وعده که خداوند به ملائکه داد که معترض بودند به خلقت حضرت آدم علیه السلام و خلافت حضرت آدم علیه السلام در روی زمین و خداوند فرمود شما نمی‌دانید یک چیزهای دیگری هم هست. این چیزهایی که نمی‌دانستند یک روزی باید کشف و عمل بشود و به میدان بیاید.

بررسی چند آیه

من در مورد آیات شریفه ﴿... فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ. قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ. إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^۱ یک نظر خاصی داشتم. وقتی تفسیر المیزان را مطالعه می‌کردم و دیدم نظریه علامه طباطبایی هم همین است. خیلی خوشحال شدم. سابقه‌اش را هم در روایات ملاحظه کردم که مجموعه این‌ها یک نظریه به انسان می‌دهد.

وقتی در داستان حضرت آدم علیه السلام خداوند این وعده را داد. و شیطان به خاطر تکبرش مغضوب می‌شود و مهلت می‌خواهد، می‌گوید: ﴿... فَأَنْظِرْنِي إِلَى

۱. حجر (۱۵): ۳۶-۳۸. پروردگارا مرا تا روز رستاخیز مهلت بده و زنده نگه دار. فرمود: [تو از مهلت یافته گانی. (اما نه تا روز رستاخیز بلکه) تا روز و وقت معینی.]

يَوْمٍ يُبْعَثُونَ... ﴿١﴾ خداوند می‌فرماید که ﴿... فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ﴾^۲
 بعد یک قیدی می‌زند و می‌فرماید: ﴿... إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^۳

اقوال در آیات

در این آیه اختلاف نظر است. سه قول و نظریه در تفسیر این آیات وجود دارد. یک قول این است که خداوند همه خواسته‌های شیطان را داده و گفته تا قیامت مهلت داری. وقت معلوم، همان قیامت است. قول دوم این است که این مهلت خداوند تا نفخه اولی است.

در نفخه اولی است که شیطان دیگر مهلتش تمام می‌شود و فاصله بین نفخه اولی و نفخه بعدی وقتی است که دیگر شیطان کاری نمی‌تواند بکند، بین آن دو نفخه چقدر باشد و چه جور باشد چیزی معلوم نیست و نکته قابل استفاده‌ای ندارد. قول سوم این است که این مهلت مربوط به یک زمانی از عمر دنیا است که بشریت تکامل کرده و اشکالات انسان‌ها با آزمایش‌ها، علوم، تعلیمات، تجربه‌ها و تکاملش به جایی رسیده که دیگر شیطان‌ها کشته می‌شوند.

علامه طباطبایی می‌گویند من این نظریه را قبول دارم که زمانی می‌آید که زمان خوش دنیا است و آن روز شیطان دیگر بر انسان حاکمیت ندارد و مدینه فاضله است. آن موقع است که همه وعده‌های مربوط به دوران امام زمان (عج) تحقق پیدا می‌کند.

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب بحار الانوار از کتاب سعد السعود

۱. پروردگارا مرا تا روز رستاخیز مهلت ده و زنده نگه‌دار.

۲. فرمود: تو از مهلت یافته گانی.

۳. امانه تا روز رستاخیز بلکه تا روز و وقت معین.

سید بن طاووس رحمه الله و او از صحف ادریس یک چیزی نقل می‌کند که آن هم خیلی می‌تواند جالب باشد. سید بن طاووس در سعد السعود می‌گوید: در صحف ادریس نبی صلی الله علیه و آله دیدم - معلوم می‌شود ایشان صحف را داشته که می‌گوید دیدم - که ابلیس مهلت تا قیامت خواست ولی خداوند تا زمان معینی مهلت داد و فرمود: «...إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»^۱ تا قبل از روز قیامت روزی می‌آید که «...فَإِنَّهُ يَوْمٌ قَضِيْتُ وَ حَتَمْتُ أَنْ أُطَهَّرَ الْأَرْضَ ذَلِكَ الْيَوْمَ مِنَ الْكُفْرِ وَالشُّرْكَ...»^۲ آن مبنای اصلی، همین است؛ یعنی ما پایه همه چیز را توحید بدانیم که این اول باید محقق بشود. آن هم توحید به تمام معنا، نه توحید فقط در عبادت، یعنی واقعا خدا حاکم باشد بر همه زندگی ما؛ «...و الْمَعَاصِي وَ أُنْتَخَبْتُ لِذَلِكَ الْوَقْتِ عِبَاداً...»^۳ انسان‌هایی برای آن زمان انتخاب شدند. انسان‌ها یعنی همه کسانی که آن موقع هستند. آن‌ها «...أَمْتَحَنْتُ قُلُوبَهُمْ لِلْإِيمَانِ وَ حَشَوْتُهَا بِالْوَرَعِ وَ الْإِخْلَاصِ وَ الْيَقِينِ وَ التَّقْوَى وَ الْخُشُوعِ وَ الصِّدْقِ وَ الْحِلْمِ وَ الصَّبْرِ وَ الْوَقَارِ وَ التَّقْيِ وَ الزُّهْدِ...»^۴ و بقیه اصول اخلاقی؛ یعنی انسان‌هایی که آن روز متحلی هستند به این حلیه‌ها (صفات) «...وَ أُسْتَخْلِفُهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ أُمْكِّنُ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي أَرْتَضِيَهُ لَهُمْ...»^۵ که حاکمیت دین هم

۱. بلکه تا روز و وقت معین.

۲. علامه مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۴ و ۳۸۵؛ سید بن طاووس: سعد السعود، ص ۳۴. (و منظور از آن [وقت معلوم] روزی است که قضای حتمی‌ام بر آن تعلق گرفته تا زمین را در آن روز از کفر و شرک پاک سازم)

۳. همان. (... و از گناهان پاک سازم، و برای این زمان بندگانی را اختیار کرده‌ام ...)

۴. همان. (... که دل‌هاشان را به ایمان آزمودم و از ورع و اخلاص و یقین و پارسایی و خشوع و راستی و صبر و شکیب و وقار و پرهیز و زهد، مشحون ساختم ...)

۵. همان. (... آنان را جانشین خود در زمین قرار می‌دهم و دینی را که برای آنان پسندیده‌ام [اسلام را] توانا می‌گردانم ...)

دین مرضی خدا است؛ و این جا می‌گویند که در آن زمان - امانت این جا به معنای امنیت است به خاطر ذیل آن - چنان امانت را در زمین حاکم خواهیم کرد که «... فَلَإِيْضُ شَيْءٍ شَيْئاً...»^۱ چیزی به چیز دیگری ضرر نمی‌رساند. «... وَأَنْزَلُ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَتُزْهِرُ الْأَرْضُ بِحُسْنِ نَبَاتِهَا وَتُخْرِجُ كُلَّ ثَمَارِهَا وَأَنْوَاعَ طَيِّبَاتٍ وَأَلْقَى الرَّأْفَةَ وَالرَّحْمَةَ بَيْنَهُمْ فَيَتَوَاسَوْنَ وَيَقْتَسِمُونَ بِالسَّوِيَّةِ... وَيَدِينُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ وَيَحْكُمُونَ...»^۲ در آخر خداوند به شیطان می‌گوید: «... أَيْدِكَ يَوْمَئِذٍ خَيْلِكَ وَرِجْلُكَ وَجَنُودُكَ أَجْمَعِينَ فَاذْهَبْ قَالَ: (فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ...»^۳

پس می‌بینیم این وقت معلوم در صحف حضرت ادریس هم است. اگر این روایت معتبر باشد، مضمونش با روایات دیگر ما کاملاً می‌خواند. حالا وضع سندش یک جای دیگر باید بررسی شود.

اگر بنا باشد حاکمیت شیطان بر انسان آن روز تمام شده باشد، این یک بحث تازه است که باید با بقیه آیات و روایات و با روایات مزاحم و معارض و مطالب دیگری که وجود دارد، بررسی شود. من هم الان به صورت قاطع نمی‌گوییم؛ بلکه یک نظریه در رابطه با وقت معلوم پیدا کرده‌ام.

با این شواهدی که عرض کردم، یک چنین چیزی در دوران امام زمان (عج) باید منتظرش باشیم، روایات خیلی فراوان است که می‌گوید: «... وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ

۱. همان. (... در نتیجه چیزی به چیزی زیان نرساند ...)

۲. همان. (... برکاتی را از آسمان و زمین [بر آنان] نازل کنم. و زمین نیک‌ترین گیاهانش را برویاند و تمام میوه‌ها و انواع بوی خوش خود را ظاهر سازد و مهربانی و رحمت را برآنان نازل کند، پس با هم موااسات کرده و [مال‌ها و ثروت‌ها] را به‌طور مساوی تقسیم کنند ... و تسلیم حق شوند و به حق باز گردند و بدان حکم کنند ...)

۳. حجر (۱۵): ۳۷-۳۸. (... در آن روز تو [شیطان] و سواره‌ها و پیاده‌ها و تمام سپاهت را نابود سازم. پس برو که تا زمان معلوم و معینی از مهلت یافتگانی ...)

عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ اخْلَاقَهُمْ...»^۱ بشر از لحاظ علمی آن چنان پیشرفت می‌کند که تعبیر روایات این است که خانم‌ها توی خانه‌هایشان می‌نشینند و احکام و وظایفشان را از کتاب و سنت استخراج می‌کنند. مردم این طوری به احکام آشنا می‌شوند.

از لحاظ فنی خیلی در روایات چیزهای عجیبی داریم. البته یک وقت خیلی عجیب بود، اما حالا خیلی عجیب نیست؛ مثلاً این که مأموران و فرماندهان و مسؤولانی که به بلاد اعزام می‌شوند، به آن‌ها گفته می‌شود بروید عمل کنید به فرامینی که دارید. اگر تردید کردید، به کف دست خودتان نگاه کنید و به آنچه که می‌خوانید عمل بکنید.^۲ الان ما می‌توانیم این را قبول کنیم. حداقلش این است با اینترنت و ماهواره می‌تواند ارتباط داشته باشد و فرمانش را بخواند. البته این مال امروز است فردا نمی‌دانیم ممکن است کف دست را بشود بخوانیم؛ یا آن روایت دیگری که می‌گوید امام زمان (عج) که می‌آید خداوند مرتفعات زمین را و منخفضات زمین را در مقابلش هموار می‌کند که همه زمین را می‌تواند ببیند و از همه جا مطلع باشد.^۳ الان با این پیشرفت علم تا حدودی هموار است؛ اما آن روز چه می‌شود باز معلوم نیست. «... يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ...»^۴ آن موقع هم کشتی بوده، در زمان حضرت نوح هم کشتی بوده، این نیست، روی آب راه می‌روند؛ تکنولوژی خاصی خواهد بود که بشریت این قدر پیش می‌رود که دستش به همه جا باز می‌شود.

۱. کلینی: اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه (آخوندی)، ج ۵، ص ۲۵. (... خداوند دست [الطف

و رحمت] بر سر بندگان نهد که خرد هاشان جمع گردد و به بلوغ فکری و عقلی رسند ...)

۲. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

۳. همان، ج ۵۶، ص ۳۵.

۴. نعمانی: الغیبة. (... روی آب راه می‌روند ...)

مؤمنین در شرق و غرب در همه عالم همدیگر را می‌بینند و با هم صحبت می‌کنند. این‌ها امروزه میسر شده و الان وجود دارد. از لحاظ رفاه زمین همه ظرفیت خودش را بروز می‌دهد.

تکامل علم و فن به‌طور طبیعی دارد این کار را پیش می‌برد. معادن مکشوف می‌شود، ژنتیک آن قدر اوج می‌گیرد که هر گونه ثمری را می‌شود از زمین گرفت و همه جا را می‌شود سبز کرد. همین چیزهایی که در روایت وجود دارد. از لحاظ رفاهی و اجتماعی این عدالتی که گفتم سوسیالیست دنبالش است، در تعبیر خیلی زیبای روایات ما وجود دارد که می‌گوید «... إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتْ الْمُزَامَلَةُ...»^۱ مزامله از زمیل صمیمی‌ترین دوست انسان است و یعنی صمیمیت بین مردم حاکم می‌شود این تفرقه‌ها و بدبختی‌ها کم می‌شود و کینه‌ها و گرگ‌صفتی‌ها از بین می‌رود. «وَيَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ»^۲ انسان به خودش حق می‌دهد که از جیب برادر مسلمانش بردارد و او هم راضی است. برگردید به صدر اسلام؛ روایتی است که می‌گوید رسم بود بعد از مؤاخاتی که انجام گرفت، در مسجد پیغمبر ﷺ یک ظرف گشادی را عبور می‌دادند، مردم دستشان را در آن ظرف می‌کردند. بعضی‌ها پول می‌ریختند، بعضی‌ها بر می‌داشتند؛ هر کسی زیادی داشت در ظرف می‌ریخت، هر کس کم داشت بر می‌داشت. یک چنین صفایی بین مردم حاکم می‌شود. این احتیاج به زمینه‌های روحی، تکامل انسانی و فرهنگ دارد. آن فرهنگ اسلامی باید حاکم بشود که این اتفاق بیفتد نه فرهنگ غربی که نتیجه‌اش امریکا است و

۱. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲. (... آنگاه که حضرت (عج) قیام کند، دوستی‌ها و رفاقت‌ها باز گردد ...)

۲. همان. ([چنان که] مردی از کیف [جیب] برادر [دینی] اش هر مقدار که نیاز داشته باشد بی هیچ منعی برگیرد.)

آن تبعیض کشنده و آن استثمار و استکبار.

آن کاری که این‌ها دارند می‌کنند که به قیمت پنج میلیارد انسان فقیر و بدبخت برای چند صد هزار رفاه درست بکنند. این‌که مزامله، صفا، اخوت و عدالت نیست. این‌که نمی‌تواند قلب‌های دنیا را به هم نزدیک بکند. ممکن است مرزها را بشکند اما قلب‌ها هر کدام یک مرزی دور خودش می‌کشد.

به هر حال، آن بهشتی که روی زمین می‌شود تصور کرد با آن شرایطی است که بدون پیرایه‌ها در بشارات ما و عهدین و جاهای دیگر آمده و آن دوره امام زمان (عج) است. جمهوری اسلامی و حوزه علمیه یکی از کارهای مهمی که باید بکنند این است که پایه‌ها، راهکارها، فرهنگ مناسب و ابزار مناسب برای یک چنین اجتماعی را که جزء شرایط ظهور حضرت حجت (عج) است و بدون آن شرایط این وعده‌ها قابل تحقق نیست، فراهم بکنند و زمینه سازی نمایند.

یکی از ادله طولانی شدن دوران ظهور که ما هم نمی‌دانیم چقدر خواهد بود، همین است که بشریت این قدر (به تعبیر خود روایت)^۱ عقولشان و اخلاقشان تکامل پیدا کند که تحمل چنین عدالت، چنین صمیمیت و صفا و خودمانی زندگی کردن را داشته باشند.

بسیاری از روایات دارد که مثلاً حضرت علی علیه السلام در رجعت چندم و در گزوه چندمش شیطان را می‌کشد و جنودش را تباه می‌کند. معلوم می‌شود وقتی که حضرت حجت (عج) بیایند باز یک دوره‌ای طول خواهد کشید.

ما یک زمانی را داریم که این فرهنگ و ابزار خلق بشود و شرایط به وجود بیاید. معنایش هم این نیست که حضرت حجت (عج) همه‌اش را با اعجاز

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۲۵.

می‌خواهند انجام بدهند. البته مشکلی ندارد که بپذیریم خیلی از کارها با اعجاز انجام بشود؛ همان طوری که حضرت موسی علیه السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله کردند. به هر حال، تبیین این مسائل لازم است. خوشبختانه در این یکی دو سال اخیر کتاب‌های خوبی تألیف شده است و سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات اسلامی و آقایان در این زمینه زحماتی کشیده‌اند. این حرکت را ما باید ادامه بدهیم و حالا که بحث جهانی شدن همه چیز مطرح است، ما هم از دیدگاه خود با ذهن باز و سعه صدر و بررسی جامع چیز قابل طرح شدن را در دنیا به وجود بیاوریم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

لہام مہدی (عج) در احادیث اہل سنت

سخنران: علامہ مرتضیٰ عسکری^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على خاتم الأنبياء و افضل المرسلين محمد و آله الطاهرين.»

مدخل بحث

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الم. ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى
لِّلْمُتَّقِينَ. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...﴾^۲
﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ
فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ
الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي

۱. نویسنده، محقق و استاد حوزه و دانشگاه.

۲. بقره (۲): ۱-۳. (به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. الم. آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران. (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می آورند)

لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً...^۱

ولادت با سعادت منجی عالم بشریت را به همه آقایان و خودم تهنیت و تبریک می‌گویم. آنچه بنا است به خاطر آن دقایقی وقت شما را بگیرم، احادیثی از کتب مکتب خلفا در بشارت به دوره حضرت حجت (عج) است؛

مقدمه

در ابتدا مقدمه‌ای را بیان می‌کنم. مردم و انسان‌ها دو قسم هستند: یک قسمی مانند حیواناتند که نمی‌دانند اصل خلقت چه بوده، از کجا آمده‌اند و نهایت عالم خلقت چیست؛ و دسته‌ای دیگر آن‌ها ایند که پیرو کتاب آسمانی‌اند. کتاب‌های آسمانی که امروزه در دست ما است همان تورات، انجیل و زبور است؛ ولی همه آن‌ها تحریف شده‌اند جز قرآن کریم که هیچ تغییری نکرده است. حتی یک کلمه از آن کم و زیاد نشده است؛ کما این‌که در ۳ جلد کتاب «قرآن الکریم و روایات المدرستین» من ثابت کرده‌ام که ممکن نیست که یک کلمه از قرآن کریم جابه‌جا یا کم و زیاد شده باشد و همچنان است که خدا وعده کرده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ﴾^۲

اهل کتاب همه متفق القول هستند و اجماع دارند که ابتدای خلقت، از خالق متعال است و این جهان خلقت را روز آخری است که در آن روز، عدالت در

۱. نور (۲۴): ۵۵. (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پا برجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، (آن‌چنان) که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت ...)

۲. حجر (۱۵): ۹. (ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما به‌طور قطع نگهدار آنیم)

جوامع بشری بر پا خواهد شد. بعضی در انتظار حضرت عیسی بن مریم علیه السلام هستند و معتقدند او منجی آخرالزمان است؛ ولی مطالب و منابع آنان مانند ما مسلمانان روشن نیست. منابع آنان تحریف و کم و زیاد شده است. اما ما مسلمانان با روایاتی که از مکتب اهل بیت علیهم السلام و مکتب خلفا داریم، روشن تر هستیم. آن منجی عالم بشریت لقبش «مهدی (عج)» است. این در تمام روایاتی که از آخرالزمان خبر می دهد در منابع دو مکتب موجود است.

فرق مکتب اهل بیت علیهم السلام و مکتب خلفاء

اما چیزی که هست ما پیروان مکتب اهل البیت، شیعیان اهل بیت علیهم السلام از مکتب خلفا هم روشن تر هستیم. چرا؟

یک دلیل مهمش آن است که در مکتب خلفا از نشر حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و نوشتن آن جلوگیری کردند. من در کتاب معالم المدرستین و جاهای دیگر این را بیان کرده ام. روایتی را از مسند احمد بن حنبل و سنن ابن ماجه که از صحاح بیته است، نقل می کنم: عبدالله بن عمرو بن عاص می گوید: «كنتُ أسمع كلما سمعهُ من رسول الله و نهتني قُریش.»

قالوا تكتب كلما سمعهُ من رسول الله و رسول الله بشر يتكلم في الغضب و الرضا.^۱

مثلاً از عمار خوشش آمده، گفته: «عمارٌ مع الحق.»^۲ از ابوذر خوشش آمده، فرموده است: «ما أظلت الخضراء ولا أقلت الغبراء على لهجة أصدق

۱. احمد بن حنبل: مسند. (گفتند می نویسی هر چه از رسول خدا می شنوی؛ در حالی که رسول خدا بشری است که در حال خشم و رضا سخن می گوید)
 ۲. عاملی، شیخ حر: وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۲۵. (عمار [یاسر] با حق است)

منْ أَبِي ذَرٍّ»^۱ از حکم بن عاص پدر مروان بدش آمده است لعنتش کرده، آیا تو این‌ها را می‌نویسی؟!

بالا تر از این، در صحیح مسلم بابی است - می‌دانید که صحیح مسلم سومین کتاب از لحاظ اهمیت نزد برادران اهل سنت است، قرآن، صحیح بخاری و صحیح مسلم - به نام «بَابُ مَنْ لَعَنَهُ النَّبِيُّ ﷺ أَوْ سَبَّهُ أَوْ دَعَا عَلَيْهِ وَ لَيْسَ هُوَ أَهْلًا لِذَلِكَ كَانَ لَهُ زَكَاةٌ وَ أَجْرًا وَ رَحْمَةٌ»^۲ حال این روایت‌ها را نمی‌خواهم بخوانم. مکتب خلفا منع کرده‌اند نوشتن روایت و حدیث پیامبر ﷺ را.

آنچه همه می‌دانند روایتی است که پیامبر ﷺ در مرض وفات فرمود و در صحیح بخاری و صحیح مسلم وجود دارد: «آتُونِي بِدَوَاةٍ وَقِرْطَاسٍ أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا»^۳ عمر گفت: «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»^۴ بعضی خواستند کاغذ و قلم بیاورند. نگفته‌اند چه کسی گفت. اما نمی‌شود غیر از خلیفه دوم عمر بن خطاب کسی دیگر باشد. او گفت: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ»^۵؛ این مرد در هذیان است. خواستند مجدداً کاغذ و قلم بیاورند. پیامبر ﷺ فرمود:

۱. همان. (آسمان سایه نینداخته و زمین حمل نکرده کسی را که راستگوتر از ابوذر باشد)

۲. نیشابوری، مسلم بن الحجاج: صحیح مسلم، ص ۲۴، ج ۸. (باب کسی که پیامبر اکرم ﷺ او را لعنت، سب یا نفرین کند و او سزاوار این‌ها نباشد، برای وی زکاة (خیرات) و پاداش و رحمت خواهد بود.)

۳. شیخ صدوق: امالی، ص ۳۷۷. ([رسول اکرم ﷺ فرمود:] برایم قلم و کاغذی بیاورید تا برایشان چیزی بنویسم که پس از من هرگز گمراه نشوید)

۴. همان. «کتاب خدا (قرآن) ما را بس است»

۵. شیخ صدوق: امالی، ص ۳۷۷.

در کتب عامه عبارت (غلب علیه الوجع) به جای «لیهجر» آمده است. (صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، ج ۱، ص ۳۷؛ صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج نیشابوری، ج ۵، ص ۷۶.)

این مرد (رسول اکرم ﷺ [نعوذ بالله]) هذیان می‌گوید.

«أوبعد ماذا،^۱ دیگر بعد از چه!!!

بعد از وفات پیامبر ﷺ، ابوبکر که خلیفه شد در «تذکره الحفاظ» ذهبی که از بزرگان علمای مکتب خلفا است، در ترجمه ابوبکر دارد که او گفت: حدیث از پیامبر ﷺ روایت نکنند، هر کس از شما سؤال کرد بگویید «بَیننا و بَینکم کتاب الله، فأحلّ ما أحلّ...»^۲

بعد از ابوبکر، عمر بن خطاب منع از روایت حدیث پیامبر ﷺ را تشدید کرد. چنان که منقول است چند نفر رفته بودند به خارج از مدینه و از پیامبر ﷺ روایت کرده بودند. این‌ها را آورد و در مدینه حبس کرد.

در ترجمه عمر بن خطاب، در تاریخ طبری که از امام و مورخین مکتب خلفا است از ابوموسی اشعری نقل کرده که عمر بن خطاب هر که را به عنوان والی به جایی می فرستاد، با او تا بیرون مدینه می رفت و به او می گفت: از پیامبر ﷺ چیزی روایت نکن. سبب این سفارش عمر آن بود که روایت‌های مخالف با سیاست خلفا منتشر نشود.

از زمان ابوبکر شروع کردند قرآن بی تفسیر نوشتن. آنچه بر پیامبر ﷺ نازل می شد به دو صورت بود؛ یعنی دو وحی بر پیامبر ﷺ می شد: یکی وحی قرآنی و دیگر وحی بیانی؛ به عنوان مثال ما عدد رکعات نماز را در قرآن نداریم. توضیح آن در وحی بیانی است.

پیامبر ﷺ وحی بیانی را در خانه خودش نوشته بود و هر جا که قرآن می خواند وحی بیانی آن را نیز می گفت؛ چنان که در مسند احمد دارد که

۱. همان.

۲. ذهبی: تذکره الحفاظ. (میان ما و شما کتاب خدا است، پس هر چه را حلال کرد حلال است و ...)

پیامبر ﷺ در مسجد خودش ده آیه، ده آیه درس می داد: «ابی عبد الرحمن السلمی قال حدثنا من كان يقرئنا من الصحابه انهم كانوا يأخذون من رسول الله ﷺ عشر آيات فلا يأخذون في العشر الاخرى حتى يعلموا ما في هذه من العلم و العمل.»^۱ این تفسیر بیانی هم مخالف سیاست حکومت بود. ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ...﴾^۲ وحی شده بود و نازل شده بوده وحی بیانی آن «فی علی» بود لذا شروع کردند و یک قرآن بی تفسیر را نوشتند. زمان «ابوبکر» شروع به نوشتن کردند، زمان «عمر» تمام شد و آن را نزد حفصه گذاشتند. بعد این قرآن را زمان عثمان در هفت نسخه استنساخ کردند و به بلاد فرستادند و آن همین قرآن است که در دست ما است. همان قرآنی است که بر پیامبر ﷺ نازل شد. هیچ کم و زیاد ندارد؛ ولی وحی بیانی آن از بین رفته است. خلفا منع کردند از نوشتن حدیث پیامبر ﷺ تا زمان ابوجعفر منصور؛ مگر دو سال حکومت عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۰) که اجازه داد حدیث بنویسند. در کتاب «تاریخ الخلفاء» سیوطی و در کتاب «تاریخ الاسلام» ذهبی در سنه ۱۴۶ در ترجمه ابوجعفر منصور دارد که او دستور داد حدیث پیامبر ﷺ را بنویسند.

این مقدمه را گفتم تا بگویم احادیثی که از پیامبر ﷺ درباره حضرت حجت (عج) آمده است، نزد ما بیش تر است.

۱. احمد بن حنبل: مسند احمد، ج ۵، ص ۴۱۰.

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۰۶. (از ابی عبدالرحمن السلمی: خبر داد به ما کسی از صحابه که آنان ده آیه قرآن را از رسول خدا ﷺ فرا می گرفتند و ده آیه بعدی را هیچ گاه شروع نمی کردند مگر آن که در ده آیه اول هر چه را مربوط به علم و عمل بود فرا گرفته باشند)

۲. مانده (۵): ۶۷. (ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً [به مردم] برسان؛ و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای ...)

احادیث مکتب خلفا

چون بنا بود من احادیثی که از پیامبر ﷺ درباره حضرت حجت (عج) از مکتب خلفا رسیده، نقل کنم. اما روایات آن‌ها نسبت به روایات ما کم‌تر است، مع ذلک مکتب خلفا در این باره کتاب‌هایی نوشته‌اند. سیوطی شافعی کتابی دارد به نام «العرف الوردی فی الاخبار المهدی (عج)». سبط ابن جوزی هم کتابی دارد. حالا من چند روایت از مکتب خلفا برای شما می‌خوانم:

حدیث اول

روی الشيخ ابراهیم الحموینی الشافعی [استاد ذهبی که وفاتش سنه ۷۲۲ است] فی "فرائد السمطین" [طبع استانبول] بسنده عن ابن العباس قال، قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَيَّ الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَحْيَى وَأَخْرَهُمْ وَوَلَدِي، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَمَنْ أَخْوَك؟ قَالَ ﷺ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ؓ قِيلَ: فَمَنْ وَوَلَدُكَ؟ قَالَ ﷺ: الْمَهْدِيُّ (عج) يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَوَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ!»^۱

۱. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۷۱.

(شیخ ابراهیم حموینی شافعی در کتاب «فرائد السمطین» به سندش از ابن عباس که (رسول اکرم ﷺ) فرمود: خلفا و جانشینان من و حجت‌های خدا بر خلق پس از من دوازده نفرند، اول آنان برادرم و آخرشان فرزندم. گفته شد: ای رسول خدا، برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب ؓ سؤال شد: فرزندت کیست؟ فرمود: مهدی که زمین را از قسط و عدل

[این اجماعی است. این در روایات ما بسیار است. در روایات مکتب خلفا هم دارد که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر حضرت حجت (عج) نماز می خواند] «و تشرق الارض بنور ربّه و یبلغ سلطانہ المغرب و المشرق.»^۱

دنیا را حکومت عدل امام زمان (عج) فرا می گیرد. جایی نمی ماند که خارج از حکومت حجت بن الحسن (عج) باشد.

حدیث دوم

فی تاریخ المقتل الحسین علیه السلام لأخطب خطباء الخوارزم، موفق بن احمد الحنفی المتوفی سنة الخمس مائة و ثمان و ستین هجرية [اوسند را کامل آورده است. من فقط آن آخری را می گویم] بسنده عن أبي سلمی راعی إبل رسول الله صلی الله علیه و آله أنه قال: لیلّة أُسْرِي بي إلی السّماءِ أراني اللهُ ذُرِّيَّتِي والمهدی (عج) في وَسْطِهِمْ كَانَهُ كَوَكْبٌ ذُرِّيٌّ.^۲

[حضرت حجت (عج) نسبت به ائمه علیهم السلام مثل پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است نسبت به تمام پیامبران. در روایت دیده ام که امام جعفر صادق علیه السلام بعد از نماز سر سجاده نشسته بود می گفت: سیدی (خطاب به حضرت حجت (عج)) انتظار تو و غیبت تو چنین و چنان می کند،

→ پر سازد، همان سان که از ظلم و جور پر شده. قسم به آن که مرا به حق به عنوان بشارت دهنده و ترساننده بر انگینخت اگر از عمر دنیا یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن را چنان طولانی سازد تا فرزندم مهدی خروج کند. [پس از خروج او] عیسی پسر مریم پشت سرش به نماز ایستد
 ۱. همان. (و زمین از نور پروردگار روشن شود و سلطه حاکمیت او به شرق و غرب سایه افکند)
 ۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شبی که به آسمان برده شدم، خدا به من ذریه ای را نمایاند و مهدی (عج) در میان آنان چون ستاره درخشان بود.

یعنی حضرت حجت (عج) نسبتش به سایر ائمه علیهم السلام مثل نسبت پیامبر صلی الله علیه و آله است به سایر انبیا. لذا این جا می فرماید: [والمهدی (عج) فی وسطهم كأنه کوکب دری] و قَالَ اللَّهُ هُوَ لَاءِ الْحُجَجِ وَهُوَ سَائِرٌ مِنْ عِثْرَتِكَ وَالْمُنْتَقِمِ مِنْ أَعْدَائِي.^۱

حدیث سوم

این روایت در «سنن ابی داوود» (جزء دوم صفحه ۴۲۰) و «تذکره خواص الامه» (صفحه ۳۷۷ چاپ استامبول ۱۳۹۹) است. سنن ابو داوود یکی از صحاحِ سِتِّ شمرده می شود. ابوداوود و ابن الجوزی سلسله سند دارند، من ساقط کردم.

بسنده عن ابن عمر [ابن عمر که می گویند عبدالله بن عمر است. معروف است که بزرگترین فرزند خلیفه دوم بود] قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله «يَخْرُجُ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي أَسْمُهُ كَاشِمِي وَكُنْيَتُهُ كَكُنْيَتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا، فَذَلِكَ الْمَهْدِيُّ (عج).»^۲

حدیث چهارم

این روایت در «سنن ابو داوود» (جزء دوم صفحه ۲۰۸) و مصابیح السنة (جزء دوم صفحه ۱۳۴) - مصابیح السنة یعنی چراغ حدیثهای پیامبر صلی الله علیه و آله،

۱. الحنفی، موفق بن احمد: تاریخ مقتل الحسین علیه السلام. (خدای تعالی فرمود: آنان حجت هابند و او ستاننده خونها از خاندان تو است و انتقام کشنده از دشمنانم)

۲. تذکره خواص الامه، ص ۳۷۷. (رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در آخر الزمان مردی از فرزندان من قیام کند که اسم او همانند اسم من و کنیه اش مثل کنیه من است، زمین را از عدل پر سازد چنان که از ظلم پر شده است و او مهدی (عج) است)

چراغ سنت پیامبر ﷺ - للبقوی، و الجامع الصغیر لجلال الدین سیوطی الشافعی. (حدیث ۶۲۴۴) وجود دارد. سیوطی گفته این حدیث صحیح است. حدیثی که نزد سنی‌ها صحیح است، معنایش این است که به شرط تأیید بخاری است؛ یعنی راویان این روایت همان روایاتی است که بخاری روایتشان را صحیح دانسته؛ یعنی مستدرک می‌شود بر روایات صحیح بخاری. «قال، قال النبی ﷺ: المهدی منی و هو أجلی الجبهه»، «أقنی الأنف» «یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً، یملک سبع سنین.»^۱

مدت حکومت حضرت را نیز این روایت معین کرده است. اجلی الجبهه، یعنی (بنابر این روایت) جلوی سر حضرت حجت (عج) مو نداشته است. اقنی الأنف، یعنی بینی مبارکش کشیده و باریک است.

حدیث پنجم

این حدیث در «الجمع بین الصحاح الستة» آمده است. حمیدی کتابی دارد، جمع بین صحاح است؛ یعنی آنچه روایت در صحیح بخاری، صحیح مسلم، صحیح ترمذی، صحیح ابن ماجه و (صحیح) سنن ابی داوود (صحیح) و مسند احمد وجود دارد جمع کرده. این کتاب در دانشکده اصول الدین هست. در باب اشراط الساعة - در آن باب شرط پایان عمر دنیا را بیان می‌کند. این روایت را آورده است. این روایت در صحیح ابوداوود و صحیح ترمذی هم وجود دارد؛ یعنی او از این دو صحیح روایت کرده. این به اسنادشان عن عبدالله بن مسعود و

۱. ابن بطریق، یحیی بن حسن حلی: العمده، ص ۴۳۳. (مهدی ﷺ از ما (از من) است. چهره‌ای نورانی دارد و بینی‌ای خمیده. زمین را از قسط و عدل پر سازد؛ چنان‌که از ظلم و جور پر شده است)

ابی هریره؛ این روایت را روایت کردند. در روایت کمی لفظ این دو صحابی فرق می‌کند:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُبْعَثَ
رَجُلٌ مِنِّي وَمِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِيُ أَشْمُهُ أَشْمِي...^۱

در روایت ابوهریره «حتی یملک رجل» آمده است؛ یعنی یک مردی حاکم بشود. حمیدی می‌گوید به نظرم لفظ «یبعث» صحیح‌تر است؛ حتی یبعث رجلاً یعنی خدا کسی را برانگیزد. این مرد از من است. از خاندان من است و «... یواطیء اسمہ اسمی...»^۲ همه ما اسم حضرت حجت (عج) را می‌دانیم که همان اسم پیامبر ﷺ است. منتها ما منع شده‌ایم. ما را منع کرده‌اند از بردن نام حضرت. گفته‌اند اسم حضرت را؛ نگوئید. اما من حالا می‌گویم اسم حضرت حجت (عج) «محمد» است. روایات جهت منع را چنین ذکر کرده‌اند: اهل کتاب می‌گویند آن کسی که پیامبر خاتم ﷺ است و در تورات و انجیل بشارتش آمده، همان است که شما منتظر اوید. لذا به ما دستور داده‌اند اسم حضرت حجت (عج) را نیاورید. بدین سبب، ما «مهدی (عج)» لقب آن حضرت را می‌آوریم. کنیه‌ی حضرت هم «ابوصالح» است.

حدیث ششم

این روایت در کنز العمال (جزء هفتم صفحه ۲۶۳) است. متقی هندی روایت‌های صحاح بیست با مسند احمد را جمع کرده و کنز العمال نامیده است.

۱. ابن بطریق، یحیی بن حسن الحلّی: العمده، ص ۴۳۴. (اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خدای تعالی آن روز را چنان طولانی کند تا در آن روز مردی از من یا از اهل بیتم قیام کند که اسم او اسم من است ...)

۲. همان. (... اسم او اسم من است ...)

إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ النَّبِيَّ ﷺ: أَمِنَّا آلَ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ (عج) أَمْ مِنْ غَيْرِنَا؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بَلْ مِنَّا يَخْتِمُ اللَّهُ بِهِ كَمَا فَتَحَ بِنَا وَبِنَا يُنْقَدُونَ مِنَ الْفِتْنَةِ كَمَا أُنْقَدُوا مِنَ الشُّرْكِ وَبِنَا يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الشُّرْكِ.^۱

آیا مهدی آخرالزمان (عج) از ما است یا از غیر ما؟ پیامبر ﷺ می فرماید: بله مهدی (عج) از ما است و شریعت اسلام به او ختم می شود، همچنان که به پیامبر ﷺ ابتدا شده است. «بنا ینقذون من الفتنه کما انقذوا من الشکر»^۲؛ همچنان که امت توسط خاتم الانبیا از شرکی که در جهان بود رها شدند، از فتنه هایی که الان در دنیا است به وسیله ما خلاص می شوند. «بنا یؤلف الله بین قلوبکم بعد عداوة الشکر»^۳؛ و به وسیله ما قلوب مؤمنان الفت می گیرد، بعد از عداوتی که مشرکان بینشان انداختند.

حدیث هفتم

این حدیث از اُمِّ سَلَمَةَ است. این روایت در سنن ابوداؤد (باب المهدی (عج) حدیث ۴۳۸۴) و در سنن ابن ماجه در باب الفتن (حدیث ۴۰۸۶) و در مستدرک حاکم نیز آمده است. «مستدرک حاکم» استدراک کرده بر صحیح بخاری و بر صحیح مسلم. احادیثی که صحیح می دانسته، آورده است. از جمله این حدیث این است:

۱. همان، ص ۹۳. (آیا مهدی (عج) از ما آل محمد است یا از غیر ما است؟ حضرت ﷺ فرمود: بلکه از ما است. خداوند به سبب او ختم کند [کمال بخشد] چنان که به ما آغاز کرد. به ما از فتنه نجات یابند چنان که از شرک نجات یافتند. خداوند به سبب ما، دل هایتان را پس از کینه و دشمنی، به یکدیگر پیوند داد)

۲. همان. (به ما از فتنه نجات یابند چنان که از شرک نجات یافتند)

۳. همان. (خداوند به سبب ما دل های پر از کینه و دشمنی تان را به یکدیگر پیوند داد)

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:
 الْمَهْدِيُّ (عج) مِنْ عِثْرَتِي مَنْ وُلِدَ فَاطِمَةَ (سلام الله عليها)»^۱.

این روایات همه روایات در این باب نیست، بلکه انتخابی و از باب تبرک اینها را از کتاب دایی ام مرحوم آقا میرزا نجم‌الدین به نام «المهدی الموعود (عج) فی اخبار الطرفين» نقل کردم.

دو مطلب مهم

حالا از دو چیز می‌خواهم صحبت بکنم: یکی سرداب غیبت چیست و دیگری هم از کیفیت حکومت حضرت. آنچه ما در روایات داریم آن است که حضرت به علمش عمل می‌کند؛ یعنی پیامبر خاتم ﷺ اگر چنانچه کسی دزدی می‌کرد، اگر دو شاهد بر دزدی کردنش بود، حد برای او جاری می‌کرد و دستش را قطع می‌کرد.

پیامبر ﷺ، حضرت امیر ﷺ و امام حسن ﷺ اینها در زمان حکومت حد زنارا وقتی جاری می‌کردند که چهار نفر شاهد داشته باشد. اما حضرت حجت (عج) به علمش عمل می‌کند؛ یعنی چنانچه در یک جایی یک نفر دزدی کرد، حضرت دستور می‌دهد دستش را ببرند. مال را هم از او بگیرند و برگردانند. لذا امکان غیر عدالت نیست.

در حکومت حضرت حجت بن الحسن العسکری (عج) اصلاً خلاف عدالت امکان ندارد.

تا این جای داستان حضرت مهدی (عج) ما با برادران اهل سنت در این

۱. همان، ج ۳۶، ص ۳۶۸. (رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی ﷺ از خاندان من [و] از فرزندان فاطمه ﷺ است.)

عقیده شریک هستیم. منتها ما روشن تریم. برای این که ما از نشر روایت منع نشده ایم. همچنین کتاب جامعه حضرت امیر علیه السلام نزد ائمه علیهم السلام بوده به اضافه آن تفسیری که در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله کتاب جامعه را به حضرت امیر علیه السلام املا می کردند. بدین گونه که هر شب، آخر شب، ساعتی بود؛ حضرت امیر علیه السلام می رفته خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله. حضرت می فرماید: اگر خانه خودمان بود، حسن و حسین علیهم السلام هم نشسته بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله به من می فرمود: «اكتب». آنچه بر پیامبر صلی الله علیه و آله از لقای اول تا لقای دوم شده بود، بر حضرت امیر علیه السلام می خواند و حضرت آن را می نوشتند.

من خودم حرز جواد داشتم. روی پوست آهو بود در یکی از سفرهای حج آن را از من گرفتند. آن کتاب اسمش جامعه بوده است؛ یعنی تمام آنچه بر پیامبر صلی الله علیه و آله وحی شده، حضرت امیر علیه السلام نوشته بود. در روایت داریم آن جامعه هفتاد زراع بوده است.

پس ما از پیامبر صلی الله علیه و آله بریده و قطع نشدیم. ائمه علیهم السلام به وسیله این کتاب جامعه ما را به آن حضرت پیوند می زنند. ائمه علیهم السلام بر اصحابشان از آن جامعه می خواندند.

در جایی دیده ام که نقل کرده بود ائمه علیهم السلام تا حضرت رضا علیه السلام آن جامعه را به اصحابشان نشان داده اند.

شخصی از حضرت صادق علیه السلام سؤالی کرد. عرض کرد: «فما رأیک»^۱؟ خیال کرد مثل ابوحنیفه است. فرمود: ویهک «لو کنا نفی الناس برأینا و هو انا لکنا من الهالکین»^۲ من از چیزی نقل می کنم که به نوشته علی علیه السلام از

۱. نظر شما چیست؟

۲. قمی، حسن الصفار: بصائر الدرجات، ص ۲۹۹ و ۳۰۰. (اگر به نظر خود، احکام شرعی را به مردم ابلاغ کنم، بی گمان از هلاک شوندگان خواهم بود)

پیامبر ﷺ از جبرئیل و از خدا است.

اصحاب، احادیثی که ائمه علیهم السلام از آن جامعه برایشان می خواندند، در رساله های کوچک می نوشتند، اسم آن رساله ها در علم الحدیث، اصل است. وقتی تعداد این اصول چهارصد اصل شد به آن «اصول اربعه» می گفتند. دو تا از آن اصول را من در دانشگاه تهران به نام «اصل اسفری» دیدم که از آن روایت می کنند.

در کتاب معالم المدرستین بیان کرده ایم که ما از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام قطع نشده ایم.

این «اصول اربعه» را مرحوم کلینی رحمته الله خواسته است خود جمع بکند، اما نتوانست؛ ولی شیخ صدوق رحمته الله جمع کرد. پس روایات ما تسلسل دارد. ما در روایات خود کیفیت ظهور و حکومت امام علیهم السلام را داریم؛ زیرا بر خلاف آنها که منع کردند، ما این گونه احادیث را نگه داشتیم. لذا ما درباره حضرت مهدی (عج)، کیفیت حکومت آن حضرت و مسأله رجعت و ... نسبت به اهل سنت روشن تریم نه این که اختلاف داشته باشیم.

سرداب غیبت

مطلب دیگر درباره سرداب غیبت است. خدا رحمت کند شیخ محمود ابوریه را. او عالمی مصری بود که کتاب عبدالله بن سبا را خوانده بود و شیعه شده بود. شیخ محمود رحمته الله برای من نوشت: می گویند شما شیعیان عصر جمعه سوار اسب می شوید، شمشیر به دست می گیرید، در مقابل سرداب غیبت می ایستید و می گوید یا حجة بن الحسن علیه السلام ظاهر بشو. برایش نوشتم من خودم در این جا (بغداد) به دنیا آمده ام مدتی هم ساکن بوده ام تا به حال چنین چیزی ندیده ام.

در باب سرداب غیبت مطلب چنین است.

ائمہ علیہم السلام در خانه خودشان یک عبادتگاه داشتند نه مسجد. یک اتاقی، یک جایی که جای عبادت بود.

مسعودی در مروج الذهب نوشته: ^۱ به متوکل خبر دادند امام علی النقی علیه السلام سلاح جمع می‌کند. افرادی را فرستاد به خانه حضرت ریختند، او را در جای عبادتش دیدند. حضرت را با همان حال نزد متوکل بردند. این جا که به سرداب معروف است، جایگاه عبادت امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام و بعد هم جای عبادت حضرت حجت (عج) بود، ولی اکنون زمین بالا آمده - مثل شهرری که اکنون زمین بالا آمده است - لذا این جا سرداب مانند شده در اصل سرداب نبوده. این همان جایی است که مسعودی و غیر مسعودی هم نوشته‌اند که جای عبادت حضرت امام علی النقی علیه السلام بود. بعدها امام حسن عسکری علیه السلام بعد هم حضرت حجت (عج) عبادت می‌کرده‌اند نه این که ما معتقد باشیم حضرت در این جا غایب شده است یا از این جا ظاهر می‌شود.

ما روایت‌هایی داریم که حضرت در مکه نزد خانه خدا در صبح صدایش بلند می‌شود و عالم را خبر می‌کند که ظاهر شده است.

بعد ۳۱۳ نفری که گفته شده است از یاران حضرتند، همان روز یا همان شب از اطراف دنیا به حضرت می‌رسند. این‌ها لشگر حضرت نیستند. این‌ها یاران و فرمانداران حضرت هستند که در روایات هم داریم ۵۵ نفر آن‌ها زن هستند و باقی آن‌ها مرد.

حتی در روایت داریم آن قرآنی که پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه‌اش بود و بعد هم در دست ائمه علیهم السلام بوده، الآن در دست حضرت حجت (عج) است.

۱. مسعودی، علی بن حسین: مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۰۲.

شیعیان او در مسجد کوفه آن قرآنی را که در خانه پیامبر ﷺ نوشته شد، درس می‌دهند و تعلیم می‌گیرند. من در «بحار الانوار» دیدم تعدادی از این یاران حضرت ایرانی‌اند. روایت در «بحار الانوار» موجود است. نه این‌که ایرانی هستم این روایت را می‌گویم، بلکه برای این‌که این حدیث را دیده‌ام.

این ۳۱۳ نفر یا علما هستند یا فقها و یا فرمانداران جهان. هر دو می‌شود باشد. اما لشگری که حضرت حجت (عج) با آن‌ها از مکه خارج می‌شوند ۱۰ هزار نفرند به اندازه لشگری که پیامبر اکرم ﷺ مکه را با آن فتح کرد.

در نخستین جنگی که بین حضرت و دشمنان در می‌گیرد تمام این وسائل جنگی از کار می‌افتد. اتم از کار می‌افتد. تمام این‌ها از کار می‌افتند. جنگ دوباره به جنگ اسب و شمشیر و نیزه و سپر بر می‌گردد. نخستین جنگ حضرت با «عثمان بن عنبسه» از نسل بنی امیه است؛ لذا به او سفیانی می‌گویند، یعنی از نسل بنی امیه و ابوسفیان در ارض یابسه بین مکه و شام. این نخستین جنگی است که حضرت می‌کنند. اسم دیگر آن دجال است.

اصولاً دجال یعنی کذاب. دجال آن‌هایی هستند که ادعای مهدویت می‌کنند؛ مثل علی محمد باب. در تاریخ دجال خیلی داریم.

این بود آنچه می‌خواستم در موضوع حضرت حجت (عج) بیان کنم. من معمولاً در این‌گونه جلسات می‌گویم اگر سؤالی دارید، مرحمت کنید بپرسید تا جواب بدهم؛ ولی به دلیل گذشت وقت، صحبت را با پنج صلوات ختم می‌کنیم. (اللهم صل علی محمد و آل محمد)

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

لهام مهدی (عج) در قرآن، سنت و تاریخ

سخنران: آیت الله محمد واعظزاده خراسانی^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على اشرف الأنبياء المرسلين
سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين
المعصومين و من اهتدى بهداه الى يوم الدين.

مطالبی را که تهیه کرده‌ام به صورت فشرده، خیلی مختصر و فهرست‌وار
عرض می‌کنم. اگر فایده‌ای در این مطالب باشد، همان مختصر و فهرست
کافی است.

مطلع بحث

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغاً لِقَوْمٍ عَابِدِينَ. وَمَا أَرْسَلْنَاكَ

۱. دبیر کل سابق مجمع جهانی تقریب بین مذاهب، اندیشمند و استاد حوزه علمیه.

إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿١﴾

سوره انبیا مکی است؛ خداوند و پیامبر ﷺ آینده اسلام را تبیین کرده‌اند و حال آن که هنوز اسلام نو پا بود.

سخن ما به صورت فشرده درباره حضرت مهدی (عج) حول سه محور است: قرآن، سنت و تاریخ.

محور اول: امام مهدی (عج) در قرآن کریم

این مسأله در قرآن تحت سه عنوان مطرح است:

عنوان اول

یکی مسأله «وراثت ارض» است که در آیه مذکور با دقایق و لطایفی مطرح شده است؛ مانند مسأله کتابت و وراثت آن هم وراثت ارض. خداوند می‌فرماید: ﴿... وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ﴾^۲ در حقیقت عاقبت جهان به دست افراد صالح می‌افتد. در واقع این اشاره به همان عقیده‌ای است که در بین مسلمان‌ها رواج دارد مبنی بر این که در آخرالزمان و در پایان جهان و قبل از قیامت، حضرت ظهور می‌کند. از این کلام که «عباد صالح وارث هستند»، در می‌یابیم عابدین باید خودشان را آماده، و این برنامه را تهیه کنند. این برنامه همان برنامه پیغمبر ﷺ است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۳ همان برنامه جهانی است.

۱. انبیاء (۲۱): ۱۰۵-۱۰۷. (در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم «بندگان شایسته‌ام وارث

[حکومت] زمین خواهند شد». در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان.

ما تورا جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم)

۲. قصص (۲۸): ۵۸. (... و ما وارث آنان بودیم)

۳. انبیاء (۲۱): ۱۰۷. (ما تورا جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم)

پیغمبر ﷺ برای جهان رحمت بود؛ ولی این مأموریت به دست مهدی (عج) و اصحاب صالحش انجام می‌گیرد. در این زمینه مرحوم طبرسی روایتی نقل کرده است. عن ابوجعفر علیه السلام: «... هُم اصحابُ المهدی (عج).»^۱

عنوان دوم

عنوان دوم، غلبه دین است بر همه ادیان که تاکنون محقق نشده است. درست است از لحاظ علمی حجت و برهان اسلام قوی تر است؛ اما بالاخره نه آن رحمة للعالمین محقق شده نه تسلط و غلبه آشکار و ملموس دین بر همه ادیان. در این جا، سه آیه به یک مضمون آمده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۲

عنوان سوم

عنوان سوم، «استخلاف» است. خدا وعده کرده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ...﴾^۳

۱. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۹، ص ۱۰۳ و ۱۲۶. (آنان یاران مهدی (عج) هستند)
 ۲. صف (۶۱): ۹؛ توبه (۹): ۳۳؛ فتح (۴۸): ۲۸. (او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند)
 ۳. نور (۲۴): ۵۵. (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پا بر جا و ریشه دار خواهد ساخت...)

این آیه اشاره به یک حقیقتی است که تا حالا محقق نشده است. اگر فرض می‌کردیم هیچ روایتی نداشتیم و ما بودیم و این آیات، جای این سخن بود که استخلاف تا حالا محقق نشده است و چون وعده خدا است، بی‌تردید تحقق می‌یابد. وقتی خدا وعده کرده است این دین را به دست عباد صالح خودش در سراسر جهان نشر بدهد، عاقبت انجام خواهد شد. کلمات استخلاف وارثین اشاره به مسأله حکومت هم دارد. استخلاف یعنی همین عباد صالح خدا خلیفه بشوند برای خدا در روی زمین. هر دو آیه ارض دارد؛ یعنی کل زمین. البته کلمه «مهدی (عج)» با این لفظ در قرآن نیامده، اما در روایات آمده است و بیش‌تر به امامت و رهبری آن حضرت اشاره دارد. ما نمی‌دانیم نحوه حکومت آن حضرت چگونه است. شاید این‌گونه باشد که آن حضرت رهبر جهان به شمار آید و کشورها و حکومت‌های صالح دیگر هم وجود داشته باشند. این‌ها با هم منافات ندارد؛ همه حکومت‌های دیگر صالح هستند و از آن حضرت دستور می‌گیرند.

محور دوم: بررسی مسأله در سنت و حدیث

مرحوم طبرسی، در ذیل آیه ﴿... کتبنا فی الزبور...﴾^۱، می‌گوید: «و یدل علی ذلک ما رواه الخاص و العام عن النبی ﷺ»^۲ پیامبر ﷺ فرمود:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ

۱. انبیاء (۲۱): ۱۰۵.

۲. طبرسی: مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۱۷۱. (مؤید آن روایتی است که شیعه و سنی از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند)

جَوْرًا وَظُلْمًا^۱

بعد می‌گوید روایات وارده از طریق فریقین در این زمینه فراوان است و این روایت را از سنن بیهقی نقل می‌کنند. خاطر می‌آید در حدود چهل و پنج سال قبل، شاید هم بیش‌تر، در خدمت مقام آیت‌الله صدر (رض) بودم و صحبت از کتاب المهدی (عج) به میان آمد. ایشان گفتند در مجلسی بحث شد که آیا روایات راجع به حضرت از طریق اهل سنت هم آمده است یا نه، من گفتم: بله، هست؛ و در این باره کتاب «المهدی (عج)» را نوشتم. یک نسخه را هم به من هدیه دادند که در آن نوشته‌ام این را مؤلف به من اهدا کرده است. ایشان روایات مرتبط با حضرت مهدی (عج) را از طُرُق اهل سنت جمع‌آوری کرده است. در این زمینه خیلی هم کار انجام شده است. یکی از کارهایی که انصافاً باید از آن تقدیر کرد، کتابی است به نام «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر» که حضرت آیت‌الله صافی نوشته‌اند. بعد از آن هم دائرة المعارف راجع به حضرت مهدی (عج) نوشته شده است.

ما در روایات، تواتر معنوی داریم. منتها در روایات شیعه و نیز روایاتی که آیت‌الله صدر نقل کرده‌اند، حتی مواردی مانند این که مهدی (عج) از فرزندان حسین علیه السلام و از فرزندان سجاد علیه السلام است، نیز وجود دارد. این‌ها را هم یک مقداری از «ینایع الموده» و جاهای دیگر نقل کرده‌اند.

البته آیت‌الله العظمی آقای صافی (دام عزه) خیلی بیش‌تر از این‌ها تحت

۱. شرف‌الدین، علی‌الحسینی الاسترآبادی: تأویل الآیات الظاهره، ص ۳۲۷؛ محمدی ری شهری، محمد: میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۷۹، حدیث شماره ۱۱۷۲. (اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، همانا خداوند آن یک روز را چنان طولانی کند تا مردی از اهل بیت من برخیزد که زمین را از عدل و قسط پر سازد، چنان‌که از جور و ظلم پر شده است)

این عناوین روایت ذکر کرده است. این مطالب در روایات شیعه بیش تر است و روایات زیادی هم از اهل سنت در کتاب‌هایی که احتمالاً مؤلفش هم شیعه بوده مثل «ینابیع الموده» و موارد دیگر نقل شده است.

همین‌طور که آیت الله عسکری فرمودند، روایات ما روشن تر است. آن قدر که قضیه در روایات ما روشن است، در روایات اهل سنت نیست؛ ولی در عین حال اگر همین دو کتاب را ملاحظه کنید، در می‌یابید جزئیات، [برای مثال حضرت از نسل کیست]، در روایات اهل سنت نیز نقل شده است. این نکته را می‌خواستم عرض کنم که ما همه جا «مهدی (عج)» داریم. البته این هدایت همان هدایت واقعی است. منتها در دین یهود از او تعبیر به مسیح کرده‌اند. همین الآن یهودی‌ها منتظر حضرت مسیح علیه السلام هستند؛ چون حضرت موسی علیه السلام را قبول نکردند. یکی از یهودی‌ها در یکی از روزنامه‌ها گفته بود آن روز که حضرت مسیح علیه السلام ظهور بکند چنین و چنان می‌کنیم.^۱

مسیح، یعنی مسح شده، یعنی متبرک. از لحاظ محتوا، خیلی با مهدی (عج) تناسب دارد. مهدی (عج) جنبه روح او را بیان می‌کند، یعنی کسی که خدا او را هدایت کرده است.

مسیح جنبه جسم او را باز می‌گوید؛ یعنی کسی که متبرک شده است. آیه ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ...﴾^۲ هم اشاره به این دارد که مسأله مذکور تنها یک مسأله اسلامی نیست. این در کتب قبل هم آمده است.

زبور را معمولاً گفته‌اند، زبور داوود؛ ولی مرحوم طبرسی می‌گوید: گفته شده مراد مطلق کتاب آسمانی است؛ کما این که «ذکر» را هم به قرآن تفسیر می‌کنند.

۱. گوینده محترم منبعی ذکر نفرموده است.

۲. انبیاء (۲۱): ۱۰۵. (در «زبور» بعد از ذکر [تورات] نوشتیم)

ایشان می‌گویند: به تورات هم ذکر گفته‌اند. اگر مراد از ذکر در آیه، قرآن باشد، کلمه «بَعْد» معنای زمانی ندارد و مفهوم «علاوه» را می‌رساند. یکی از علمای مشهد که در تفسیر تخصص داشت، این‌طور معنا می‌کرد: «علاوه بر قرآن در زبور هم گفتیم.» این خیلی دور از آبادی نیست. در آیات دیگر هم نکاتی وجود دارد که ما از آن‌ها صرف نظر می‌کنیم.

محور سوم: امام مهدی (عج) در تاریخ

محور سوم، بررسی مسأله در تاریخ است. در تاریخ، مسأله مهدویت در همان قرن اول اسلامی یک امر حتمی و مسلم بوده است.

مورد اول

طبری در داستان مربوط به امام حسین علیه السلام - هنگامی که از مکه به طرف کوفه می‌رود - می‌گوید: عبدالله بن عمرو بن عاص پدرش را منع می‌کرد که با معاویه همکاری نکند، اما قبول نکرد. او جزء محدثین است. حتی می‌گویند حدیث پیغمبر صلی الله علیه و آله را هم در رساله‌ای به نام «الصادقه» نوشته است. در این سفر، امام حسین علیه السلام با فرزدق شاعر برخورد و از او سوال کرد که «ما وَزَأُكَ»^۱ و چیزهایی گفت. بعد به عبدالله بن عمرو بن عاص برخورد. عبدالله به فرزدق گفت: «هذا هو المهدی (عج).»^۲ اشاره به حضرت امام حسین علیه السلام می‌کند. و می‌گوید، «هذا هو المهدی (عج).» فرزدق گفت: خوب اگر مهدی (عج) است، چرا تو با او نمی‌روی؟ گفت به تو چه. معلوم شد سابقاً بین آن‌ها اختلاف بوده،

۱. پشت سرت چیست؟

۲. این همان مهدی (عج) است.

لذا با هم فحش کاری کردند و رد شدند.

عبدالله بن عمرو عاص از جوان‌های صحابه است. مسأله مهدی (عج) در نظر او و اصحاب مسلم بوده است. منتها مصداقش چه کسی است وقتی می‌بیند امام حسین علیه السلام در برابر حکومت ستمگر یزید که مظهر فساد و جهل و نادانی است قیام کرده به کوفه می‌رود، می‌گوید «هذا هوا المهدی (عج)». این نخستین جایی است که از لحاظ تاریخی من دیده‌ام.

مورد دوم

مورد دیگر داستان مختار است که ادعا می‌کرد محمد بن حنفیه مهدی (عج) است؛ اگر چه محمد بن حنفیه قبول نداشت و انکار می‌کرد. اگر حقیقتاً مسأله مهدی (عج) شصت و چند سال بعد از هجرت مسلم نبود، چطور او ادعا می‌کند و هیچ کس هم نمی‌گوید: مهدی (عج) یعنی چه، خبری نیست. یک عده قبول کردند، عده‌ای هم قبول نکردند؛ ولی اصل موضوع را انکار نمی‌کردند و در این که آیا محمد حنفیه خود مهدی (عج) است یا نه بحث داشتند و یا این که اصلاً در برابر این جریان سکوت کرده بودند.

مورد سوم

مورد سوم، مسأله قیام محمد بن عبدالله «نفس زکیه» در مدینه است که نوع مردم به او گرویدند. در کشور مغرب که خیلی تمایلات اهل بیتی و تشیع دارند، عالمی می‌گفت: علت این که ما پیرو «امام مالک» شدیم، این است که وقتی مردم به امام مالک گفتند آیا سراغ «نفس زکیه» برویم یا نرویم؟ گفت: بروید. گفتند ما با بنی‌امیه بیعت کرده‌ایم، مالک گفت: چون این بیعت مُکْرَه است،

قبول نیست. آن عالم مغربی می‌گفت: چون او از محمد نفس زکیه حمایت کرد، ما هم گفتیم این با اهل بیت علیهم‌السلام خوب است، پس از او پیروی می‌کنیم و تا امروز هم پیرو او هستیم.

در همان موقع، در سال ۱۴۵ که زمان منصور بود، هم در مدینه و هم در بصره برادرش ابراهیم قیام کرد. در تاریخ دارد که منصور خوابش نمی‌برد؛ می‌گفت: رختخواب برای من نیندازید تا ببینیم بالاخره حق با ما است یا با این دو برادر. بعد از کشتن آن‌ها احساس آرامش کرد و راحت شد.

مردم به این‌ها گرویدند. اگر مهدویت در اذهان نبود، چرا این قدر به این‌ها گرویدند. بر چه اساسی می‌گفتند محمد نفس زکیه، مهدی (عج) است. در مسند ابی داوود در بابی که راجع به حضرت مهدی (عج) است، این‌طور نقل می‌کند:

... لو لم یبق من الدنیا إلا یومٌ واحدٌ لَطَوَّلَ اللهُ ذَکَ الیومِ حَتَّى
 یَبْعَثُ رَجُلًا مِنْ اهلِ بیتی یَمَلِئُ الارضَ عدلاً و قسطاً کَمَا مَلِئَتْ
 جوراً و ظلماً.^۱

من شک ندارم این حدیث با تأیید او درست شده، چون اسم او محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بود. بعد از او هم کسانی که با عنوان مهدی (عج) ظهور کردند، بسیار زیادند و شاید بیش از همه در آفریقا بود. خیلی‌ها در کتب تاریخی شرح حال و قیام این‌ها را نوشته‌اند که هر کس قیام می‌کرده است به‌عنوان

۱. شرف الدین، علی العینی الاسترآبادی: تأویل الآیات الظاهره، ص ۳۲۷؛ سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۳۰۹. (اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خدای تعالی آن روز را چنان طولانی کند تا مردی از من یا از اهل بیتم قیام کند که زمین را از عدل و قسط پر سازد؛ چنان که از ظلم و جور پر شده است)

مهدی (عج) به او نگاه می‌کردند. عبیدالله بن مهدی نخستین خلیفه فاطمین در «مهدیه» (تونس فعلی)، به نام مهدی (عج) قیام کرد.

در آفریقا هنوز هم که هنوز است، از مهدی (عج) صحبت می‌کنند. در سومالی مجله‌ای است به نام «المنتظر».

آخرین کسی هم که قیام کرد و کارش گرفت «مهدی سودانی» بود که بالاخره انگلیسی‌ها را از سودان بیرون کرد. اسم مهدی (عج) هنوز هم در میان این‌ها هست.

در منزل وزیر امور خارجهٔ سودان که بودیم می‌گفت: مهدی علیه السلام و دربارهٔ حضرت صحبت می‌کرد. در هر حال، نام حضرت در میان آن‌ها زنده است. این‌ها مسلمان مالکی هستند. مقام مهدویت برای مهدی سودانی که قیام کرده قائلند؛ به خصوص که با استعمار انگلستان جنگید تا این‌که انگلیسی‌ها به زحمت بر او غلبه کرده و او را کشتند. مهدی سودانی در نظر آن‌ها مقدس است و در خارطوم (پایتخت سودان) گنبدش از همه جا دیده می‌شود.

این مسأله از لحاظ تاریخی از قرن اول شروع شده است. مردم اصل آن را انکار نمی‌کردند و حتی اگر کسی چنین ادعایی می‌کرد، به او عقیده پیدا می‌کردند و او را مهدی (عج) می‌خواندند. آقای دکتر محمد علوی مالکی، فرزند سید عباس علوی مالکی، در مکه قطب است. به اصطلاح، مرید دارد و صاحب یک تشکیلات عریض و طویل. یک بار به او گفتم: اگر از شما دعوت بکنیم به ایران بیایید، می‌آیید، گفت: اگر بیایم، می‌گویند رفته اصحاب مهدی (عج) را جمع کند. هر سال که می‌رویم صحبت از مهدی (عج) و انتظار می‌کند. از این قبیل مسائل زیاد است و انسان از لحاظ تاریخی باید یقین بکند. در این زمینه پیامبر صلی الله علیه و آله روایاتی دارد و صحابه باور کردند و انتظار

هم داشته‌اند، منتها تطبیقش بر افراد به اشتباه صورت گرفته است.

روایات مهدویت نزد اهل سنت

در مورد روایات، روایات مهدی (عج) را صحاح سِتِّ همه‌شان ذکر کرده‌اند و بابی دارند، غیر از بخاری. بخاری می‌گوید مسیح که نزول می‌کند با امامشان بیعت می‌کند. اسم نمی‌برد. بالأخره این مسأله آن جا هم هست؛ اما بقیه صحاح سِتِّ بعضی شان باب دارند و بعضی در همان باب فضائل اهل بیت علیهم‌السلام می‌گویند. منتها با همین اشتباه کاری‌ها که «...اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی...»!

نکات پایانی

آنچه در پایان میل داشتم بگویم، سه نکته است.

کشتار و خونریزی؟!

یکی این که در بسیاری از روایات مسأله کشتار و خونریزی آمده و ذکر شده که جوی‌های خون و آسیاهای خون راه می‌افتد. این‌ها در یک دوران‌هایی نقل شده که اصلاً روح حاکم بر دنیا همین چیزها بوده است. در آن دوران، به هر کس بیش‌تر خونریزی می‌کرد نشان می‌دادند که شجاعت‌اش بیش‌تر است. عقیده من این است که در این‌ها باید تحقیق بشود که چه مقدار اصل و سندیت دارد. در حدیثی که مورد اتفاق فریقین است می‌گوید:

۱. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۲. (... اسم او اسم من است و اسم پدرش اسم پدر من است ...)

[...يَمَلَأُ الْاَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا.]^۱

حضرت مهدی (عج) برای برقراری عدل و قسط می آید. در بعضی از جاها کسانی هستند که مقاومت بکنند و حضرت باید با آنها بجنگد؛ اما نمی شود گفت، اصلاً شعار حضرت آدم کشی و خونریزی است. متأسفانه منبری ها و مداح ها این مسائل را خیلی دنبال می کنند و در ذهن مردم هم همین چیزها است. باید از حضرت به عنوان یک مرد عادل و طرفدار عدل یاد شود. باید او را دادگستر جهان معرفی بکنیم. حضرت (عج) نه به طور اعجاز بلکه به طور طبیعی رهبری جهان را به عهده می گیرد. این هم خودش یک نکته است که آیا کارهای حضرت همه اش معجزه و اعجاز است یا جریانی است که طبع بشر به سمتی پیش می رود که بالاخره از همه شعارها، حکومت ها و از همه فرماندهان مایوس می شود و با اضطرار طالب عدل می گردد. بعد ندایی بلند می شود که با وسایل روز به گوش همه می رسد. آن وقت مردم مطالعه می کنند. مبلغین تبلیغ کرده، فلسفه قیام و ظهورش را بیان می کنند و در نتیجه مردم به آن حضرت می گروند.

رهبری جهان

نکته دیگر، مسأله رهبری در جهان است نه سلطنت و حکومت بر جهان. این را هم باید درباره اش مطالعه کرد و مسأله خیلی مهمی است. بالاخره جهان به طرف یک قطبی شدن پیش می رود اما نه قطبی که فقط یک کشور و یا یک حکومت باشد. این اصلاً عملی نیست و چیزی نیست که روی آن تکیه کنیم با اختلاف ملت ها و اقوام و ملیت ها و ...؛ ولی رهبری می شود واحد باشد. ما باید بگوییم که او رهبر واحد جهان است. بالاخره مردم دنیا

۱. همان. (... او زمین را از قسط و عدل پر سازد؛ چنان که از ظلم و جور پر شده است)

می‌بینند او سخن حق می‌گوید. البته طبعاً او یک نوع وراثتی هم نسبت به زمین، به‌عنوان رهبر، حتماً خواهد داشت.

شعارهای مدعیان مهدویت

نکته دیگر، این است که در روایات ویژه علائم ظهور مهدی (عج)، شعارهای مهدی‌های ظهور کرده نیز دیده می‌شود. هر کس که ظهور می‌کرد، روایت می‌خواندند. درباره «محمد نفس زکیه» گفته شده که «...اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی...»^۱. در «سنن ابی داوود»، به همین صورت آمده است. «بن باز» روحانی وهابی سعودی گفته بود: روایات مهدی (عج) درست است؛ اما نه آن طوری که شیعیان می‌گویند بلکه به گونه دیگری است. نظر او به همین روایت «ابن داوود» است. در ارشاد مفید ظاهراً در همان باب امام دوازدهم روایتی نقل می‌کند که پیغمبر ﷺ فرمود: «...مِنَّا السَّفَّاحُ وَ الْمَنْصُورُ...»^۲ من تردید ندارم این روایت از آن‌هایی است که وقتی بنی عباس روی کار آمدند - برای این که خودشان را به‌عنوان منجی مورد نظر پیغمبر ﷺ جا بزنند - گفته‌اند. یا در حمایت آن‌ها گفته شده. خلیفه اول آن‌ها سفاح بود، خلیفه دوم منصور و خلیفه سوم مهدی. منصور که اسم پسرش را مهدی گذاشت، متوجه بوده چه می‌خواهد بکند؛ یعنی آن‌ها هم یک نوع حکومت مهدویت برای خودشان قائل بودند. از این قبیل مطالب زیاد پیدا می‌شود.

۱. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۱۰۲. (... اسم او اسم من است و اسم پدرش اسم پدر من است ...)

۲. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۴۵۳. (... سفاح و منصور از ما هستند ... یادآوری: منظور از این دو، سفاح، منصور عباسی نیستند، بلکه منظور حضرت امام حسین و حضرت امام علی علیه السلام هستند.)

وقتی ما فهمیدیم منطقه‌ای در افغانستان به نام طالقان وجود دارد و غیر از طالقان ما طالقانی آن جا است، من مطالعه کردم دیدم یحیی بن زید در آن جا قیام کرده و طرفدارش بوده‌اند. کسانی که از او حمایت می‌کردند، طبعاً حدیث هم به نفع او می‌گفتند که مثلاً از طالقان چند نفر خارج می‌شوند. انجام این قبیل تحقیقات مسائل را روشن می‌کند. وقتی خدا در ذیل این آیه می‌گوید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾؛ معنایش این است که همان رحمة للعالمینی که ما به تو وعده کردیم و تو به این عنوان آمدی، با همین عباد صالح تحقق پیدا می‌کند.

یک چنین مسأله‌ای در حقیقت نتیجه‌کل ادیان و اسلام است. نتیجه‌کامل اسلام هم به دست آن حضرت ظاهر می‌شود.

معنویت و امید

یادم می‌آید در حدود ۳۰ سال قبل در دانشگاه مشهد استادی آمده بود به نام «صلاح الصابی». شاعر و خطیبی زبر دست بود. گویا عبدالناصر او را تعقیب می‌کرد و می‌خواست بکشد. او به امام موسی صدر (حفظه الله تعالی) پناه برده بود. ایشان او را به دانشگاه مشهد آورد و گفت شما از این استفاده نکنید. چند سال آن جا بود. بعد هم آمد تهران درباره‌ی تشیع خیلی مطالعه کرد. اشعاری هم درباره‌ی حضرت زهرا علیها السلام و امام حسین علیه السلام و دیگران گفت. شعری را در کنگره‌ی شیخ توسی گفت که در یادنامه‌ی شیخ آمده است. ایشان بعد از مطالعات زیاد گفته بود: فرق بین تشیع و تسنن این است که تشیع رشته‌ی معنویت اسلام و رهبری را قطع نکرده؛ هنوز هم ادامه دارد و هنوز امید دارد. در حالی که برای

اهل سنت و عقیده عمومی این‌گونه نیست که هنوز انتظار داشته باشند. انتظار عمومی در اهل سنت نیست و در شیعه هست. او می‌گفت: این برای شیعه خیلی امتیاز است که خودشان را مرتبط با رسالت و با خدا می‌بینند و انتظار چنین کسی را دارند آن هم نه فقط بیاید احکام را بگوید یا در ممالک اسلامی حکومت بکند؛ بلکه حکومت جهانی پدید آورد. این یک امید فوق‌العاده‌ای است که شیعیان دارند. اهل سنت این را ندارند شما برای این ارزش قائل شوید و قدر آن را بدانید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

سخنرانی و پرسش و پاسخ درباره حضرت مهدی (عج)

حجت الاسلام والمسلمین آقای علی کورانی^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و أفضل الصلوة و أتم السلام على سيدنا و نبينا محمد و آله الطيبين، السلام عليك يا سيدى يا صاحب الزمان (عج)، السلام عليك يا نور الله فى أرضه، [الامام عليه السلام نور الله فى أرضه تكوينا و تشريعا و هدايتا و لا أريد أن أطيل فى هذا المفهوم. أترك المجال لأسئلة لإخوة لأعزة و لأخوات الكرام. حقيقة، أن هدى الله له مركز نص عليه القرآن الكريم] ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ...﴾^۲ النور الالهى دائما موجود فى حجة الله، معرفة الله، نور الله، و كل هداية فى قلوب البشر هى شعاع من نوره. اللهم اجعل قلوبنا متصلة بشعاع من نور و ليك عليه السلام^۳ ايضا يقول الله عز وجل ﴿... وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ...﴾^۴ جنود

۱. محقق و اندیشمند حوزه و دانشگاه.

۲. نور (۲۴): ۳۵. (خداوند نور آسمانها و زمین است؛ مثل نور خداوند همانند چراغدانى است که در آن چراغى (پر فروغ) باشد...)

۳. گوینده: (خدایا! دلهاى ما را به شعاع نور ولى ات متصل فرما)

۴. فتح (۴۸): ۴. (لشکریان آسمانها و زمین از آن خداست.)

السَّمَوَاتِ هَذِهِ يَعْلَمُهُ وَ لَيْسَ مِنْ مَسْئُولِيَّتِنَا أَنْ نَعْرِفَهَا.^۱

نور خدا در زمین

ما به نص قرآن اعتقاد داریم که نور الاهی در روی زمین متجسد به حضرت مهدی (عج) است و تمام دل‌های هدایت شده متصل به شعاع مرکز نور خدا هستند. از طرف دیگر، ﴿... وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ...﴾^۲ جنود الارض چه کسی است؟ این بحث را برای فهم فعالیت حضرت ﷺ در عصر غیبت انجام می‌دهیم. ما بر حسب روایات اعتقاد داریم که در شب قدر برنامه الاهی بر قلب حضرت نازل می‌شود؛ یعنی فرشتگان، برنامه الاهی برای حضرت می‌آورند. برنامه‌ای که «...إِنَّهُ لَيُنزَّلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ إِلَيَّ وَلِيَّ الْأُمْرِ تَفْسِيرُ الْأُمُورِ سَنَةً سَنَةً يُؤْمَرُ فِيهَا فِي أَمْرِ نَفْسِهِ بِكَذَا وَكَذَا وَفِي أَمْرِ النَّاسِ بِكَذَا وَكَذَا.»^۳ یعنی برنامه مشخصی برای خود حضرت و برنامه عمومی.

برنامه عمومی همان فعالیت‌هایی است که در طی یک سال روی زمین انجام می‌گیرد. بعضی از این برنامه‌ها را خود آقا انجام می‌دهد و بعضی‌ها را تقسیم می‌کنند بین دیگران. در رابطه با اصحاب و جنودی که زیر نظر حضرت فعالیت می‌کنند، نصوص متعدد داریم که تعیین می‌کنند آن‌ها چه کسانی هستند. روایات معتبره داریم از امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نِعْمَ الْمَنْزِلَ طَيْبَةً وَ مَا بَثْلَاثِينَ مِنْ وَحْشَةٍ»^۴ مرکز غیبتش، مرکز اصلی اقامتش مدینه (یثرب)

۱. این سپاهیان آسمان‌ها را خدا می‌داند و شناخت آن‌ها از حیطة مسئولیت ما بیرون است. (گوینده)

۲. رجوع به پاورقی ۴ صفحه ۱۱۵.

۳. الشیخ الحویزی: تفسیر نور الثقلین، تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۵، ص ۶۳۴.

(در شب قدر بر ولی امر تفسیر امور هر سال نازل می‌شود، و در آن امر می‌شود درباره خودش به

فرامینی و درباره مردم نیز به دستوراتی.)

۴. نعمانی: الغیبه، ص ۲۹۴.

است و با ۳۰ نفر تماس دارد و کسی که با ۳۰ نفر تماس بگیرد، وحشت ندارد. حضرت علیه السلام در زمان غیبتش انواع فعالیت‌هایی که از طرف خداوند به ایشان موکول شده است، انجام می‌دهند و تمام این فعالیت‌ها به نفع مؤمنین است تا وضع جهان به نقطه ظهور برسد. بسیاری از فعالیت‌های حضرت توسط یارانش مانند حضرت خضر علیه السلام انجام می‌گیرد.

ادامه بحث [به زبان عربی]

خلاصة الأمر أن الله عزوجل عنده برنامج لهذه الأرض حتى تصل البشرية في رُشدِها في مسيرتها إلى نقطة يظهر فيها وليُّ الأعظم و يستثمر مئة وأربعين ألف نبيٍّ ثمَّ يُقيم دولة العدل في العالم التي تمتدُّ إلى آخر العالم، (ماشاء الله) و هذا البرنامج يُنفذه الله عزوجل بهيمنتِه و بسيطرته بيْدِ أوليائه، بيْدِ حتى أعدائه، بيْدِ جنوده، قسمٌ منهم من الخطيِّ الالهية تُنفذُ بيْدِ الإمام المهديِّ (ارواحنا له فداء) و بيْدِ جنوده الذين يروى الكفعمي عليه السلام أن عددهم ثلاثمئة و ستين و أن منهم ثابتون كالخضر (مدالله في عمره) و منهم يتوفى و يأتي غيرهم و يُسمون الأبدال و هولاء يقومون بأ نواع فعاليات في روسية، في أمريكا، في ايران، في الشرق، في الغرب. في البحر و في البرِّ أنواعِ فعالياتٍ حسب البرنامج الذي يأمرهم الله عزوجل به حتى يصل العالم إلى تلك النقطة و إلى تلك الليلة المباركة، الليلة التي يظهر فيها (عج) و في صبيحتها يتكى على الركن اليماني في الكعبة و يخاطب شعوب العالم بلغاتهم، يخاطبهم بأن انتهى وقت الظلم^۱ «و جاء الحقُّ

۱. خلاصه آن که خدای عز و جل برنامه‌ای برای این کره خاکی (زمین) تدارک دیده است تا آن که

وَزَهَقَ الْبَاطِلُ»^۱ و «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۲.

پرسش و پاسخ

۱ - س: آیا امام زمان (عج) زن و فرزند دارند یا خیر. اگر دارند، آیا آن‌ها هم در حکم انسان غایب هستند یا خیر؟ کیفیت خانواده حضرت را توضیح دهید

ج: روایاتی داریم که حضرت (عج) ازدواج کرده و احتمالاتش متعدد است. احتمال است که فقط در عمر طبیعی غیبت صغرا این بوده و احتمالاً زن و فرزند دارد و بعضی از علما به روایات آن تصریح می‌کنند؛ و اگر حضرت زن و بچه داشته باشند، حکم حضرت بر آن‌ها (خانواده حضرت) جاری نیست و شاید قانون زندگی طبیعی و مرگ طبیعی بر این‌ها جاری شود.

→ بشریت در مسیر رشد خود به نقطه‌ای برسد که ولی الله الاعظم علیه السلام ظهور کند. یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر را به همین منظور مبعوث کرد. در نهایت خداوند حکومت عدل را در دنیا بر پا خواهد کرد که این حکومت تا آخر عمر دنیا دوام خواهد داشت. این برنامه را خدای عز و جل به سبب سلطه و سیطره‌اش به دست اولیاء خود و به دست سپاهیان و حتی به دست دشمنانش پیاده خواهد کرد.

بخش مهمی از اقدامات الهی به دست امام مهدی (عج) به دست سپاهیان که به روایت کفعمی تعدادشان سیصد و شصت نفر است و برخی از آن‌ها چون حضرت علیه السلام ثابتند و برخی وفات کرده‌اند و برخی دیگر خواهند آمد و به اسم ابدال معروفند، به اجرا در خواهد آمد. اینان بر اساس برنامه‌ای که خدای تبارک و تعالی به ایشان ابلاغ فرموده و انواع فعالیت‌ها در روسیه، امریکا، ایران، در شرق، در غرب و در خشکی و دریا مشغول هستند تا آن که جهان به آن نقطه و شب مبارک برسد؛ شبی که در صبحگاه آن امام عصر علیه السلام به رکن یمانی در کعبه تکیه زده و به زبان مردم دنیا بدیشان خطاب کند

۱. اسراء (۱۷): ۸۱ (و به (امت) بگو که (رسول) حق آمد و باطل را نابود ساخت)

۲. هود (۱۱): ۸۶ (آنچه خدا بر شما باقی گذارد، (برکت بخشد) بهتر است اگر واقعاً ایمان دارید [این نصیحت و وظیفه من است ولی اگر عصیان کردید دیگر] من نگهبان شما [از عذاب خدا] نیستم.)

۲ - س: در چه شهرهایی احتمال دارد آنها [خانواده حضرت] باشند؟

ج: مسأله جزیره خضرا و غیر آن سندش به آن صورت است که نمی تواند انسان به آن اعتماد کند و همچنین نمی تواند آن را رد کند؛ ولی اثبات این که در یک جای مخصوص باشد ما چیزهای قطعی از ائمه علیهم السلام داریم که اصل و مرکزش مدینه است. البته احتمال دارد که حضرت خانواده را به جاهای دیگر منتقل کند؛ ولی اصل مرکز و پایگاه حضرت مهدی (عج)، مدینه منوره است.

۳ - س: چه مانعی دارد خداوند متعال به جای زنده و غایب نگهداشتن امام

زمان (عج) در لحظه مقرر ایشان را خلق کند؟

ج: این مربوط به سیستم هدایت الاهی است. اگر این طور بخواهیم بگوییم، سؤال خیلی مطرح است؛ مثلاً مسأله آخرت، چرا روشن نیست، «ان الساعة آتیةٌ أكادُ أخفیها...»^۱ این سیستم الاهی است که برای وجود آدم و فرزندان آدم روی زمین، امتحان غیب و شهادت است، روشنایی و عدم روشنایی، وجود خود تبارک و تعالی می تواند به گونه ای روشن باشد که کسی نتواند نفس بکشد و هیچ شکی باقی نماند: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَؤُهُمْ لَهَا خُضِعِينَ﴾^۲ این روش امتحان است، اخراج ما بالقوه الی ما بالفعل از ایمان بشر و امتحان است.

۴ - س: آیا علت غیبت - چنان که در بعضی از روایات آمده - خوف از اعداء

دین است یا نه؟ اگر جواب مثبت است، چنان نسبت به اولیا و مؤمنین به نحو عموم

۱. طه (۲۰): ۱۵. (محققاً ساعت قیامت خواهد رسید و ما آن ساعت را پنهان داریم...)

۲. شعراء (۲۶): ۴. (اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه ای نازل می کنیم که گردن هایشان در برابر آن خاضع گردد)

ج: من اعتقاد دارم که تمام روایاتی که در تحلیل سرّ غیبت آمده حکمت‌های مختلف دارد، خوف از کشته شدن و ... من اعتقاد دارم به مضمون این حدیث «إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ»^۱ وقتی که ظاهر می‌شود، سرّ و حکمت غیبت را می‌فهمیم و متوجه می‌شویم چه کارهایی کرده و جریان غیبت چه بوده است. آنچه الان می‌توانیم بگوییم حکمت الله و علم خدا دلیل آن است. خدا این کار را کرده به جهت حکمتی بوده. فهم آن بعد از ظهور حضرت منکشف می‌شود.

۵- س: يقولون بأنّ الامام عليه السلام بعد أن خرج بأذن ربّه، يقاتل بالسيف يعني القائلون يعتقدون بأنّ المقصود من السيف هنا، هو نفس سيفٍ بما هو هو، هذا صحيح أم لا؟^۲

ج: از مجموع روایاتی که درباره حرکت ظهور حضرت (عج) آمده است، متوجه می‌شویم که از همان وسایلی که در زمان حضرت هست استفاده می‌کند و نص روایات مختلف است مثلاً «... أما إنه سيركب السحاب و يرقى في الأسباب...»^۳ و یا «ينزل في سبع قباب من نور لا يعلم في أيها هو حين ينزل في ظهر الكوفة»^۴ وقتی از مدینه وارد عراق می‌شود با هفت گنبد از نور

۱. طبرسی: الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۷۶. (حکمت این مسأله کشف نمی‌شود مگر بعد از ظهور آن حضرت)

۲. می‌گویند که امام عليه السلام پس از آن‌که به اذن پروردگارش ظهور کرد، با شمشیر خواهد جنگید؛ یعنی گویندگان این سخن معتقدند که منظور از شمشیر در این جا، همان سلاح تیز فلزی است [نه آن‌که شمشیر کنایه از انواع سلاح‌های جنگی باشد] آیا چنین چیزی درست است؟

۳. شیخ مفید: الاختصاص، ص ۳۷۶. (اما او عليه السلام برابر سوار شده و از اسباب و علل بالا می‌رود [تمام اسباب و علل جهان رام او خواهد بود])

۴. محمد بن عیاش السلمی: تفسیر عیاشی، با تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۱،

وارد می‌شود که معلوم نیست در کدام یک است. یا مثلاً «فَإِذَا هَزَّ رَأْيَتُهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ...»^۱ یا مثلاً این ۳۱۳ نفر از یارانش حکام العالم با ایشان مستقیماً صحبت می‌کنند و غیره. من اعتقاد دارم از همان وسایل عصرش استفاده می‌کند و هر پیامبری و امامی از همان وسایل عصرشان استفاده می‌کردند. صاحب الزمان (عج) هم همینطور. به علاوه معجزاتی که دارد، عصای موسی و غیره، خاتم سلیمان، و معجزاتی که از خودش نشان می‌دهد و شاید وسایلی که حضرت استفاده می‌کند پیشرفته‌تر از وسایل عصرش باشد؛ عن ابی عبدالله علیه السلام: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرِّسَالُ حَرْفَانِ ... فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا...»^۲

۶- س: زمان‌های پیش‌بینی شده برای ظهور حضرت بقیة الله الاعظم (عج) را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ با توجه به این‌که ظاهراً خیلی از علائم ظهور به ادعای عده‌ای از بزرگان محقق شده است.

ج: توقیت کار درست و صحیحی نیست. ائمه علیهم السلام فرموده‌اند: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُوقَّتُ وَقَدْ قَالَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ»^۳؛ و بر حسب روایات، من اعتقادم این است که تمام علامات بعیده متحقق شده است، فقط علامات سال ظهور

→ ص ۱۰۳. (آن حضرت هنگامی که در پشت کوفه فرود می‌آید در هفت لایه از نور قرار دارد که دانسته نمی‌شود در کدام یک از آنها است)

۱. مجلسی، محمد باقر: بحار الأنوار، ج ۵۶، صفحه ۳۵. (هنگامی که پرچمش را به اهتزاز در آورد، فاصله میان مشرق و مغرب برای او روشن شود...)

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۶. (دانش بیست و هفت حرف [باب] است، تمام آنچه را که پیامبران آورده‌اند دو حرف بیش‌تر نیست... اما هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف [باب] دیگر رانیز ظاهر سازد...)

۳. محمد ابراهیم نعمانی: کتاب الغیبه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ص ۲۸۹. (ما خاندانی هستیم که برای ظهور آن حضرت وقتی را مشخص نمی‌کنیم. [چنان‌که] حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: دروغ گفته‌اند آنان که وقت مشخص می‌کنند)

مانده است.

۷- س: چگونه می‌شود عمر طولانی حضرت صاحب الامر علیه السلام را قبول کرد با

این‌که ظهورشان در سن چهل سالگی خواهد بود؟

ج: الان مسأله عمر و ژن حل شده است. عمر طولانی حضرت (عج) نه

استحاله عقلی دارد و نه استحاله عادی. امروزه به وسیله ژن راه‌های طولانی

شدن عمر وسایل و شیوه‌هایی که می‌تواند ژن‌ها و وضع انسان‌ها و جوانی

انسان‌ها را حفظ کند، بررسی می‌کنند. از نظر علمی این ممکن و قابل تحقق

است. خداوند تبارک و تعالی این معجزه را در حق حضرت خضر علیه السلام انجام داد و

همه در این باره متفق القول هستند. اهل تسنن هم در صحاح به این اشاره

دارند. دجال مخلوق است و عمرش طولانی است. دجال، از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله

بوده و در مدینه متولد شده است و عمرش طولانی است، حتی طولانی‌تر از عمر

حضرت (عج)؛ یعنی دجال که خودش دشمن خدا است، دشمن خدا متولد به

عمر طولانی است؛ یعنی چگونه می‌شود طول عمر برای دشمن خدا ممکن

باشد، ولی برای ولی الله ممکن نباشد. لذا ما می‌گوییم نه استحاله عرفی و نه

استحاله عقلی دارد.

به این مسأله تمام مسلمین بلکه تمام ادیان اعتقاد دارند؛ مثلاً مسیحیان

اعتقاد دارند به زنده بودن حضرت الیاس و حضرت مسیح علیه السلام که هنوز زنده و در

آسمان است.

۸- س: شغل امام زمان (عج) در دوران غیبت چیست؟ اصولاً حضرت

شبانه روز را به چه کاری مشغول است؟

ج: کارهای حضرت (عج) از نظر تکوینی کارهای بزرگی است. جنود الله فی

الارض برنامه دارند. مشغولند و فعال هستند؛ مثلاً حضرت موسی - علی نبینا و

آله و علیه السلام - چند روز با حضرت خضر علیه السلام بود با هم کارهایی را انجام دادند. این کارهایی که حضرت خضر علیه السلام کرد نمونه کار حضرت است؛ ولی اینها کارهای کوچک هستند. کارهای حضرت خیلی بزرگ و مربوط به دولت‌ها است و تمام دستوره‌های خدا را اجرا می‌کنند. برنامه دارند و هدفشان برای حفظ وضع ایمانی جهان و رساندن جهان به نقطه ظهور است.

۹ - س: چرا با توجه به این که بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام شیعه به دوازده فرقه تقسیم شدند فقط یک فرقه ولادت و امامت محمد بن الحسن حضرت مهدی (عج) را پذیرفت؟

ج: این حرف صحیح نیست. شیعیان بعد از امام حسن عسکری علیه السلام ۱۲ فرقه نشدند. در واقع بعد از شهادت هر یک از ائمه علیهم السلام اتفاقاتی می‌افتد؛ مثلاً بعد از امام صادق علیه السلام بعضی‌ها اسماعیلی شدند. بعد از امام حسن عسکری علیه السلام کسی منکر امامت نشده، ولی بعضی‌ها به طرف جعفر کذاب و دستگاه دولت رفتند و بعضی‌ها متحیر شدند؛ ولی در اخبار تتبع کردند و به حقیقت رسیدند. بالاخره شیعه یک خط شد، یک فرقه و یک طایفه شدند و با سفرای حضرت (عج) تماس داشتند. این حرف که ۱۲ فرقه شدند حرف اشتباهی است و از یک جایی گرفته شده که غرض دارند.

۱۰ - س: ویژگی‌های ممتاز یاران امام زمان (عج) را بیان کنید؟

ج: یاران حضرت (عج) یاران خاص هستند که وزرای ایشان هستند؛ یعنی حکام دنیا که ۳۱۳ نفر هستند، این‌ها از کبار اولیاء الله هستند. روایات مختلف درباره صفاتشان داریم از منابع سنی‌ها و روایاتی از منابع خودمان که آن افراد خیر اهل الارض هستند. روایت داریم که افضل از اصحاب ابی عبدالله الحسین علیه السلام هستند؛ ولی معلوم نیست که این سندش صحیح باشد. به هر حال یاران حضرت درجه‌شان بالا است.

روایتی داریم که بعضی کارها را حضرت انجام می‌دهد و بعضی از یاران به حضرت اعتراض می‌کنند و شک می‌کنند و حضرت برایشان دلیل می‌آورند؛ مثلاً در بعضی اوقات یکی از بزرگان یارانش می‌لرزد و می‌گوید: خیلی خون ریختی، خیلی آدم کشتی! [فضل ابن شاذان، عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله الصادق علیه السلام قال: یقتل القائم علیه السلام حتی یبلغ السوق قال: فیسوق له رجل من ولد أیه: انک لتجفل الناس إجمال النعم أفبعهد من رسول الله صلی الله علیه و آله أو بماذا؟ «... یخرج القائم علیه السلام عهداً من رسول الله صلی الله علیه و آله»].^۱ درجه آن‌ها بدون شک خیلی بالا است. من احتمال می‌دهم که درجه این یاران بعد از کارشان با حضرت رشد می‌کند و بعداً حکام جهان می‌شوند و حضرت یک پیمان و «عقد اتفاق» با اصحابش انجام می‌دهد و آن مشورت در امور کلی است و بعداً خودش از قدرتی که خدا به او داده به این یاران می‌دهد؛ مثلاً می‌گوید به یارانش، «إذا قام القائم أبعث فی أقالیم الأرض فی کل إقليم رجلاً یقول عهدک (فی) کفک فإذا ورد علیک ما لا تفهمه و لا تعرف القضاء فیہ فانظر إلی کفک و اعمل بما فیها...»^۲ اگر خواستید یک نظر بدهید و قضاوتی بکنید و شک کردید، نگاه کن به کف دستت می‌بینی حکمش را. این اعمال ولایت تکوینی حضرت (عج) است. یا می‌توانند با حضرت تماس بگیرند و صحبت بکنند و همدیگر رامی‌بینند و

۱. علامه مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷. (حضرت قائم علیه السلام دشمنان را به قتل می‌رساند تا به بازار می‌رسد، حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: [در این هنگام] مردی از سادات به آن حضرت می‌گوید: شما مردم را چونان شتر مرغ فراری می‌دهید، آیا این کار با اجازه رسول خدا صلی الله علیه و آله است یا چیز دیگر؟ ... آن حضرت عهد نامه‌ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیرون آورد.)
 ۲. همان، ص ۳۶۵. (هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند در تمام مناطق زمین، به سوی هر منطقه مردی را گسیل می‌دارد و بدو می‌گوید: دستور العمل تو در کف دست توست. هرگاه با مسأله‌ای برخورد کردی که درکی از آن نداری و حکمش را نمی‌دانی، به کف دست خود بنگر و هر حکمتی که در آن بود بدان عمل کن ...)

جواب مسأله را از ایشان می پرسند. به هر حال مقام آن ها خیلی بالا است؛ ولی من نمی دانم که بالاتر از اصحاب امام حسین علیه السلام باشند.

۱۱ - س: آیا امکان دارد برای امام زمان (عج) در حال حاضر حوادث طبیعی اتفاق بیفتد؛ مثلاً سرماخوردگی، مریضی، تصادف، سیل و زلزله و چنین خطراتی هست یا نیست. اگر بفرمایید نیست، پس دعاهایی که توصیه شده برای سلامتی و دستور صدقه برای سلامتی آن حضرت، چگونه قابل توجیه است؟
ج: از یک جهت ما می دانیم که قطعاً خداوند تبارک و تعالی آقا را حفظ می کند تا به هدفش برسد. حتی اگر ما دعا نکنیم، «وعدالله» است «إِنَّ هَذَا شَيْءٌ وَعَدَّ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ.»^۱ این را می دانیم حتی اگر تمام اهل زمین علیه حضرت دعا کردند و یا اگر ما دعا نکردیم باز هم محفوظ است. دعا برای حضرت (عج) فایده ندارد و بیش تر برای خودمان است که مرتبط به حضرت باشیم. دعا می کنیم برای حفظ حضرت که ما محفوظ باشیم. مثلاً یک کاری داریم حل نشده است دعا برای تعجیل حضرت برای حل مشکل خودمان است و نفع این دعاها برای خودمان است و الا خداوند تبارک و تعالی نقشه و هدفش این است که حضرت را به نتیجه و هدف برساند.

۱۲ - س: این نکته که امام زمان (عج) را خانمی در ایران به شهادت خواهد رساند، چقدر درست است؟

ج: من در لبنان شنیدم خانمی از اهل کوفه، در نجف شنیدم خانمی از اهل کوفه در مسجد کوفه و این جا آمدم شنیدم خانمی از ایران آقا را به شهادت می رساند. تتبع کردم هیچ روایتی را ندیدم و اصلاً این روایت هیچ منبعی ندارد. مطلب دیگر این که روایتی که می گوید بعد از ۷ سال یا ۹ سال حضرت به شهادت

۱. همان، ص ۲۵۱. (این، آن چیزی است که خدا و رسول او و اهل بیتش وعده داده بودند)

می‌رسد، دیدم اصل این روایت که حکومت حضرت ۷ سال یا ۹ سال است، اصلش سنی است. ما روایتی از ائمه علیهم‌السلام نداریم. همین راوی سنی می‌گوید از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیدم «کم یملک المهدی (عج)»، قال صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «یخرج من عترتی یملک سبعا أو تسعا فیملاء الأرض قسطاً و عدلاً»^۱ حالا چرا نمی‌گوید هفت، گفت: تا پرسیدیم از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که مهدی موعود (عج) چقدر حکومت می‌کند، «أشار بیده خمساً واثین»^۲. شاید این اشاره به ۵ مرحله و شاید ۵ قرن باشد. روایتی نداریم که حکومت حضرت مهدی (عج) کوتاه باشد و بعد به شهادت می‌رسد. من روایتی را ترجیح می‌دهم که می‌گوید: حضرت (عج) قیام می‌کند تا این‌که جهان را پر از عدل و نور خدا کند و زحمات انبیا را به ثمر برساند. پس معقول نیست که مدتی کوتاه حکومت بکند. معقول این است که ۱۲ نفر بعد از حضرت از اولاد حضرت حکومت بکنند. بعداً رفت و آمد به زمین و آخرت طبیعی می‌شود. این قدر پیشرفت می‌شود که برگشتن کسی از بهشت مثل امام حسین علیه‌السلام از عالم آخرت و این‌که بیاید و حکومت کند، چیزی معقول می‌شود و رجعت شروع می‌شود و روایت صحیح داریم، «أول من یرجع إلی الدنیا الحسن بن علی علیه‌السلام»^۳ بعد از امام حسین علیه‌السلام و حکومتش پیغمبر و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهم بر می‌گردند.

۱۳ - س: چرا بحث امامت ائمه اطهار علیهم‌السلام بالعموم و امام زمان (عج) بالخصوص به روشنی در آیات قرآن نیامده؟ با این‌که مسائلی با اهمیت کم‌تر - نظیر بعضی احکام که از حیث تعداد و دلالت قابل قیاس با این بحث‌ها نیست -

۱. احمد بن حنبل: مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸. (مهدی (عج) چه مدت حکومت می‌کند؟ از اهل بیت

من کسی خروج کند که هفت یا نه سال حکومت کند و زمین را از عدل و قسط پر سازد)

۲. همان. (با دستش اشاره کرد که پنج و دو).

۳. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۳. (نخستین کسی که به دنیا باز می‌گردد

حسین بن علی علیه‌السلام است.)

در قرآن وجود دارد. اگر چه جواب‌های مشهور داده شده اما قانع کننده نیست (نظیر جلوگیری از تحریف قرآن و دیگر موارد).

ج: این همان چیزی است که مربوط به قانون الاهی است که به آن اشاره شد.^۱ خداوند تبارک و تعالی بشر را می‌خواهد امتحان کند همه چیز را نمی‌خواهد در قرآن بیان کند حتی اعتقادات را.

بعضی چیزها را باید خودشان زحمت بکشند، یعنی امکان ضلال ضروری است. مسأله انسان باید مثبت و منفی باشد مثل تولید برق همانگونه که هدایت ضروری است اضلال هم ضروری است. ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمَجْرِمِينَ...﴾^۲ پیامبر ﷺ می‌فرستد، یک نفر غریب هم همراهش است و این ضروری است. پیامبر ﷺ مثلاً هدایتش بزرگ‌تر بود و همراهش باید چند نفر گمراه باشند. این قاعده الاهی است. اگر انسان مجبور شود که هدایت شود، این سلب اختیار انسانی است. این که کدامین مسأله در قرآن ذکر بشود یا ذکر نشود، این سیاست خدایی است و مربوط به همین موضوع است؛ مثلاً اصحاب کهف، چند نفر هستند، خداوند تبارک و تعالی در چند آیه از اصحاب کهف حرف می‌زند، ولی مشخص نمی‌کند که چند نفر هستند؛ ﴿سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَ يَقُولُونَ خَمْسَةٌ...﴾^۳

این را می‌گوید ولی تعداد را نمی‌گوید، نمی‌خواهد بگوید. در رابطه با آخر الزمان و ظهور حضرت نیز چنین است و همچنین راجع به اهل بیت ﷺ با کنایه و اشاره و تصریح آیه مباهله^۴ مطلب را بیان می‌کند. بیش از این تصریح نمی‌کند.

۱. همان، ص ۱۰۷.

۲. فرقان (۲۵): ۳۱. [آری،] این گونه در برابر هر پیامبری، دشمنی از مجرمین قرار دادیم)

۳. کهف (۱۸): ۲۲. (گروهی خواهند گفت: «آن‌ها سه نفر بودند، که چهارمین آن‌ها سگشان بود و گروهی می‌گویند: پنج نفر بودند...)

۴. آل عمران (۳): ۶۱.

خداوند متعال می خواهد راه بدهد به مردم که اگر کسی بخواهد راه فرار باز باشد در واقع راه فرار از ولایت را خداوند تبارک و تعالی باز کرده است.

۱۴ - س: اگر دولت امام زمان (عج) دولت کریمه^۱ است چگونه منافقان ذلیل می شوند، مگر دولت امام علی علیه السلام کریمه نبود که منافقان جایگاه یافتند و دورویی کردند و حضرت را خانه نشین کردند؟

ج: دولت کریمه از چند جهت صفت کریمه دارد. دولت کریمه به رهبرش کریمه است. به قوانین شرعش کریمه است. به مردمش و یا به تحقق عدلش کریمه است. دولت تمام معصومین - صلوات الله علیهم - در تاریخ کریمه هستند. شرایع همه اش کریمه است؛ ولی مسأله نسبی است. دولت حضرت (عج) بر تمام جهان ظاهر می شود؛ عدل، شرایع دین و نور خدا حاکم است، در عین حال معصیت، گناه و انحراف می ماند. ما بر حسب روایات اهل بیت علیهم السلام می دانیم حرکت دجال که یک ضد انقلاب است، بعد از مدتی علیه حکومت حضرت تحقق می یابد. به کمک یهودی ها و نواصب و غیره جمع می شوند و یک حرکت ضد حضرت (عج) انجام می دهند.

۱۵ - س: راه تشخیص علائم قطعی و غیر قطعی در روایات چیست؟ غیر از بحث علم رجال که از نظر سند بررسی می شود، چند تا از علائم قطعی ظهور آقا امام زمان (عج) را نام ببرید؟

ج: روایاتی داریم که تاکید می کنند علامات سال ظهور حضرت حتمی است. «... وَ يُبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْثٌ مِنَ الشَّامِ فَيُخَسَفُ بِهِمْ بِالْبَيْدَاءِ»^۲، «فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ جَيْشٌ

۱. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۲. سلیمان بن الأشعث السجستانی: سنن ابی داود، ص ۷۱۳. (... لشگری از شام به سوی وی گسیل می شود، که در بیداء (بیابان) در زمین فرو می روند.)

السُّفْيَانِيَّ»^۱، «...خَرَجَ عَلَيْهِمُ الْخِرَاسَانِيُّ وَ السُّفْيَانِيُّ...»^۲، «خُرُوجُ السُّفْيَانِي وَ الْخِرَاسَانِي وَ الْيَمَانِي...»^۳ «أَذَانَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ ﷺ...»^۴ این علامت‌ها بنا بر روایات اهل بیت علیهم‌السلام حتمی و قطعی است. اما بقیه علامت‌ها این صفت را ندارد. یا روایتی در این باره وارد نشده و یا سند روایات به سند روایات دلالت کننده بر این علامات نمی‌رسد.

۱۶ - س: دلیل عقلی بر وجود امام زمان (عج) الان در عالم چیست؟

ج: دلیل عقلی این است که انسان‌ها مخلوق برای این ۷۰ و ۸۰ سال نیستند، به علت این که عقل دارند این عقل و روح انسانی مخلوق برای مدت بلندتر و طولانی است. خداوند تبارک و تعالی خودش حکیم است و این دستگاه خلقت انسانی، اگر به جهت همین قوای شهوانی، غضبی و حیوانی باشد، این مدت کوتاه کافی است؛ ولی ما می‌بینیم این دستگاه خلقت انسانی به این خوبی برای بشر حتماً راهنما می‌خواهد. ما نمی‌دانیم تأثیر کارهای ما در آینده چیست؟ من نمی‌دانم که اگر کاری کردم این کارم و این حرکتی چه تأثیراتی در آینده من دارد. وجود مقولاتی مانند مرگ، آخرت و خلود چگونه است. لذا بشر به هادی نیاز دارد. وجود حجت و هدایت برای انسان ضروری و حتمی است و این متجسد به حضرت صاحب الزمان (عج) است؛ یعنی تطبیق این ضرورت

۱. محمد العیاش، السلمی: تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۷. (لشکر سفیانی بسوی وی رهسپار می‌شود)

۲. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲. (... خراسانی و سفیانی بر آنان خروج می‌کند...)

۳. همان. (قیام سفیانی و خراسانی و یمانی...)

۴. ری شهری، محمد: میزان الحکمة، ج ۱، حدیث ۱۲۳۱. (هنگامی که ندا دهند ای از آسمان ندا دهد «حق در آل محمد است» در این هنگام حضرت مهدی علیه‌السلام ظهور کند...)

عقلی و وجود الحجه، ضرورت وجود «إمام هادٍ لِلْإِنْسَانِ»^۱، تطبیق اش نیست مگر برای شخص حضرت حجت (عج).

۱۷ - س: روایاتی داریم که هر کس دعای عهد امام زمان (عج) را ۴۰ شبانه روز مرتب بخواند در زمان ظهور حضرت زنده خواهد شد. این زنده شدن به چه کیفیت است؟ و آیا منظور همان رجعت است؟ یا قبل از رجعت این موضوع محقق خواهد شد؟

ج: یعنی دعای عهد، این ورد و توسل به خداوند تبارک و تعالی و اهل بیت و ائمه علیهم السلام تأثیرش مشروط به این است که زمینه‌اش محقق باشد. این که بعضی از فُجَّار و اهل طغیان این دعا را بخوانند قطعاً چنین نتیجه‌ای نخواهند گرفت. انصار حضرت (عج) در روایات ما ۳۱۳ نفرند. این‌ها وزرای درجهٔ اول هستند؛ ولی غیر از این‌ها «لَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَكَّةِ حَتَّى يُتِمَّ لَهُ الْعَهْدُ وَ هِيَ عَشْرَةُ آلَافٍ وَ غَيْرُهُ»^۲ یارانی که مقرب نسبی هستند به حضرت غیر از این ۳۱۳ نفرند. مثلاً ۵۰ هزار نفر، بعضی از این‌ها از قبرهایشان زنده می‌شوند. شاید بعضی از اعمال اثری داشته باشد. ما روایت داریم که مالک اشتر و ... در وقت ظهور حضرت مبعوث می‌شوند و از یاران حضرت می‌شوند. این غیر از رجعت است.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱. امامی که هدایتگر انسان‌ها است.

۲. حسن بن سلیمان الحلّی: مختصر بصائر الدرجات، ص ۲۰۲. (حضرت مهدی علیه السلام از مکه خارج نمی‌شود مگر آن که بیعت با او به اتمام برسد و ...)

میزگرد دومین گفتمان مهدویت و پرسش و پاسخ

✓ حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر محمدهادی عبد خدایی

✓ حجت‌الاسلام والمسلمین آقای نجم‌الدین طبسی

✓ آقای دکتر محمد لگنهاوسن

مباحث مطرح شده در میزگرد دومین گفتمان مهدویت^۱

در میزگرد دومین گفتمان مهدویت هر یک از شرکت کنندگان، ضمن بحثی کوتاه به چند سؤال از سؤالات رسیده پاسخ دادند که سؤالات و پاسخها در پی خواهد آمد.

پرسش و پاسخ

حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر محمدهادی عبد خدایی^۱

۱ - سؤال: آیا تشابهی بین مسلمانان و مسیحیان وجود دارد یا نه؟

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ،
إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾^۲ موعود ملل، موضوعش در تمام ادیان است؛
ولی صراحتی که در تشیع وجود دارد، در ملل دیگر موجود نیست. در همین
رابطه، علمای برجسته ما از قرون نخستین کتاب‌هایی در ارتباط با
حضرت مهدی (عج) نوشته‌اند و روایاتی جمع‌آوری کرده‌اند؛ از جمله مرحوم
شیخ صدوق - اعلی الله مقامه - کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» یا
«اکمال الدین و اتمام النعمة» را جمع‌آوری می‌کند که در آن به صورت مفصل و

۱. استاد و محقق حوزه و دانشگاه.

۲. انبیاء (۲۱): ۱۰۵ و ۱۰۶. (در «زبور»، بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث
(حکومت) زمین خواهند شد. در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان»)

جدا جدا از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و هر یک از ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام راجع به حضرت حجت (عج)، روایت و مطالبی بیان می‌کند.

از جمله روایات شیعه روایتی است که از وجود مقدس حضرت ثامن الائمه عَلَيْهِ السَّلَام بیان می‌کند. راوی ابو صلت هروری است، می‌گوید: «قُلْتُ لِلرِّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَام أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَام أَنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ وَلَكِنِّي لَسْتُ بِالَّذِي أَمَلَّهَا عَدْلًا كَمَا مُلِّتُ جَوْرًا...»^۱ بعد امام هشتم عَلَيْهِ السَّلَام شروع می‌کند به توضیح دادن در باره قدرت و نیروی حضرت حجت (عج) و در خصوص ویژگی‌های حضرت مهدی - ارواحنا فدا - می‌فرماید: «إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرِ الشُّبَّانِ.»^۲ شُبَّان جوان برومند را می‌گویند. از نظر سن پیرمردی کهن سال است ولی از نظر شکل و شمایل جوانی برومند است. آن چنان قوی و نیرومند است که «وَلَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَكَتْ صُخُورُهَا...»^۳ بعد می‌فرماید: «...يَكُونُ مَعَهُ عَصَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَام وَخَاتَمُ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَام...»^۴ روشن‌تر از این می‌فرماید: «...ذَلِكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي...»^۵ دیگر از این صریح‌تر امکان پذیر نیست. «...يَغِيْبُهُ اللهُ فِي سِتْرَةٍ مَا شَاءَ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا

۱. شیخ طوسی: اعلام الوری، ص ۴۳۴. (... ابو صلت می‌گوید: به امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام عرض کردم: آیا شما صاحب امر هستید؟ امام فرمود: بله اما من آن کسی نیستم که زمین را از عدل و داد پر می‌سازد چنان‌که از ظلم پر شده است ...)

۲. همان. (حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام کسی است که هنگام ظهورش در سن کهنسالان قیافه جوانان است.)

۳. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۳۱. (حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام اگر به سوی بزرگ‌ترین درخت روی زمین دست بگشاید، آن را از جا برکند و اگر میان کوه‌ها فریاد کشد، صخره‌های کوه متلاشی می‌شوند ...)

۴. همان. (... با او عصای موسی و خاتم سلیمان است ...)

۵. همان. (... او فرزند چهارم من است ...)

کَمَا مُلِثْتُ جُوراً...»^۱ این یک روایت از صدها روایاتی است که از ائمه معصومین علیهم السلام راجع به فروغ دوازدهم علیه السلام به طور خیلی روشن رسیده است. پدرش کیست، مادرش کیست، اجداد او چه کسانی هستند، کارش چگونه است، ایده، هدف و غرضش چیست؟ با این صراحت در ادیان دیگر وجود ندارد و حتی تضادهایی هم موجود است.

از جمله در مسیحیت عبارتی است که در بیانیه پاپ به چشم می خورد. حدود یک سال و نیم پیش، بیستمین سالگرد انتخاب پاپ ژان پل دوم (پاپ حاضر) بود. مراسمی در حدود دو ساعت و نیم برگزار شد. از جمله بیانیه‌ای از طرف او ایراد شد که قسمتی از آن برگرفته از انجیل بود، و آن عبارت بود از: «وقتی پسر انسان خواهد آمد، روی زمین ایمان را خواهد یافت.» بعد آنچه خود پاپ می گوید به این صورت بود: «این سؤالی که مسیح علیه السلام از پیروان خود کرد در طول دو هزار سال از عصر مسیحیت، به دفعات برای مردانی که از سوی خداوند به مقام جانشینی پطرس فرا خوانده شدند مطرح شده است»، بعد ایشان مطرح می کند، «مسیح علیه السلام وقتی می آید که ایمان را در تمام زمین بیابد» ما وظیفه داریم زمینه آن را در جهان مهیا سازیم تا وقتی ایشان تشریف آوردند ایمان را در تمام جهان بیابد.

بعد از خودشان سؤال می کنند، این زمینه را ما چقدر مستعد و مساعد کرده ایم؟

این صریح ترین مطلبی است که مسیحیت می تواند در رابطه با حضرت مسیح علیه السلام بگوید. ولی در همین جا سؤالاتی پیش می آید، چون مسیحیت فعلی

۱. همان. (... خدا او را در پس پرده غیبت تا زمانی که بخواهد نگه دارد، پس ظاهرش سازد و او زمین را پر از داد کند؛ چنان که از ظلم پر شده است)

مخصوصاً کاتولیک‌ها معتقد هستند حضرت مسیح علیه السلام - العیاذ بالله - خدا است؛ حتی وقتی که می‌گویند ما موحد هستیم اصل توحید را در تثلیث می‌دانند، یعنی خداوند متعال دارای سه اَقْنوم^۱ است آب، ابن و روح القدس و مجموعه این‌ها واحد است. خداوند متعال از دیدگاه ایشان تجسد پیدا کرد، به صورت حضرت مسیح علیه السلام ظاهر شد، چند صباحی در میان مردم بود بعد برای گنهکاران فدا شد.

این نان و فطیری که در مراسم عشای ربانی خورده می‌شود، به منزله گوشت حضرت مسیح علیه السلام است - العیاذ بالله - و شرابی که نان و فطیر در آن زده می‌شود، به منزله خون حضرت مسیح علیه السلام است و کسی که این را خورد در واقع مسیحی می‌شود. در این جا این سؤال پیش می‌آید که یک دفعه خدا، جسد را به خودش گرفت و متجسد شد و بعد هم کشته شد و توی قبر رفت و بعد از سه شبانه روز هم از قبر بیرون آمد و سپس به خدای پدر پیوست. آیا دو مرتبه باز خدا بنا است متجسد بشود و بیاید یا نه، به چه صورت؟ این‌گونه سؤالات واقعاً جوابی ندارند و کاملاً مبهم هستند. حتی اگر شما به اواخر «اناجیل چهارگانه» نگاه بیندازید در رابطه با حضرت مسیح علیه السلام تضادهایی خواهید دید. اما شیعه بسیار روشن و مبرهن بیان می‌کند که منجی بشریت کیست؟ و دارای چه خصوصیات است. اگر آمد چه کار می‌کند و چه برنامه‌ای را در جهان انجام می‌دهد. لذا در عین حالی که انتظار یک مسأله عمومی در بین ادیان است، باید توجه داشته باشیم حقایقی که در اسلام و تشیع بیان می‌شود، با مطالب خرافه و ابهام دیگران مخلوط و مشتبه نشود.

۱. بندر ریگی، محمد: فرهنگ عربی فارسی، ج ۱، ص ۲۷۴. (الأقنوم: تن، شخص، بن، ریشه).

۲- سؤال: ما منتظران حکومت مهدی (عج) چه وظیفه‌ای در سطح بین‌الملل داریم؟

سؤال خیلی حساسی است. شاید این سؤال را بتوانیم از آیه مبارکه هم استفاده کنیم: ﴿إِنَّ فِي هَذَا لَبَلْغًا لِّقَوْمٍ عَبِيدِينَ﴾^۱ خداوند متعال بعد از این که بشارت وجود حضرت حجت (عج) و مردان صالح را به جهان می‌دهد، می‌فرماید این یک پیام و نویدی است برای بندگان عبادت‌کننده خدا که متوجه باشند، منتظر باشند، عشق به آن روز بورزند و وظیفه خودشان را هم احساس بکنند.

وظایف ما

ما وظیفه بسیار سنگینی در دنیا داریم که متأسفانه با کمبود بضاعتی که داریم آن وظیفه را نمی‌توانیم انجام بدهیم: یکی در ارتباط با شناساندن و معرفی اسلام که گل سر سبدش وجود مقدس حضرت حجت - ارواحنا فداه - است؛ و دیگر این که متوجه القائاتی که دشمنان حضرت و دشمنان اسلام وارد می‌کنند، باشیم.

در این رابطه، خاطره‌ای دارم و آن این که قریب دو سال پیش^۲ در ایتالیا از طرف مؤسسه‌ای کتابی با عنوان «حمایت از کلیساهای در رنج» منتشر شد. مطالبی در حدود پنج صفحه راجع به ایران نوشته بود مبنی بر این که اقلیت‌ها در ایران به شدت تحت فشار و سختی هستند. حال آن که می‌دانید در ایران امتیازات زیادی به اقلیت‌ها داده شده است. این‌ها پنج نماینده در مجلس

۱. انبیاء (۲۱): ۱۰۶. (در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان)

۲. این سخنرانی در سال ۱۳۷۹ ایراد شده است.

شورای اسلامی دارند. نماینده ایشان می‌تواند حتی در کمیسیون دفاع وارد شود و از تمام مسائل سرتی کشور مطلع باشد. من در کنفرانسی در پاریس سخنرانی داشتم، گفتم شما در این کشور پنج میلیون مسلمان دارید، ولی اگر یک دختر مسلمان بخواهد با چادر به دبیرستان برود مانعش می‌شوید؛ ولی در کشور ما کاتولیک‌ها نه هزار و سیصد نفر هستند، تنها کاتولیک‌ها یک نماینده در مجلس شورای اسلامی دارند. اگر خم به ابروی یک کاتولیک بیاید، نماینده آن‌ها دفاع می‌کند. آزادی از این بیش تر چه می‌تواند باشد. با این وجود پنج صفحه علیه ایران مبنی بر این که اقلیت‌ها در ایران آزادی ندارند و تحت فشار هستند، نوشته بودند. ما چند نفر از کارشناسان را فرستادیم تا با این مؤسسه صحبت بکنند که مشخص شد این‌ها تحریک شده بهایی‌ها هستند. دو، سه صفحه از این پنج صفحه در رابطه با بهائیت در ایران است و حال آن که بهائیت از نظر ما دین نیست. شما یک نفر مسیحی، یهودی یا زرتشتی را نمی‌بینید که کوچک‌ترین فشاری را احساس بکند؛ بلکه حتی مراسم آن‌ها در سطح بین‌الملل در تلویزیون جام جم ما منتشر و پخش می‌شود چه تبلیغاتی بالاتر از این امکان پذیر است؛ ولی می‌بینیم آن‌ها تحت تأثیر تحریکات بهائیت قرار گرفته‌اند.

یک مسأله دیگر که خیلی مهم است، تبیین اسلام است. من، با آن گستردگی که فعالیت‌های مسیحی دارد، حساب می‌کردم اگر یک دهم آن امکانات در اختیار مکتب والای تشیع بود، نصف دنیا را فرا گرفته بود. آن‌ها به طرق مختلفی فعالیت‌های تبلیغی دارند. در اولین مرحله، از طریق خلیفه‌گری‌ها و کلیساها فعالیت می‌کنند. این‌ها به صورت شبکه‌ای در تمام دنیا خلیفه‌گری دارند.

قریب دو هزار و چهل خلیفه‌گری دارند که زیر پوشش هر خلیفه‌گری گاهی صدها کلیسا است که به کلیساها خط می‌دهند و به صورت خیلی منظم فعالیت

می‌کنند. عنوانش هم تبشیر و تنصیر است. بشارت حضرت مسیح علیه السلام و مسیحی کردن. تنها کاتولیک‌ها چهارصد و چهل هزار کشیش دارند؛ و این غیر از کاتولیک‌های ارتدکس و پروتستان و انگل‌کن و شاخه‌های دیگری است که پدید آمده‌اند. ما در ایران که مهد تشیع است چقدر روحانی داریم؟

آن‌ها یک میلیون راهب و راهبه دارند و به این صورت به‌طور گسترده دارند، فعالیت تبلیغی می‌کنند. پس یکی از طریق کلیساها است؛ در همه جا سفیر دارند. سفیر عنوانش این است که تو مبشر مسیحیت هستی.

سفیر محترم واتیکان که در تهران منصوب شد، من هنگام قرائت حکم ایشان از طرف پاپ حضور داشتم. حکم این است که شما می‌روی به سرزمین پارس و در آن جا مأموریت داشته و بایستی آن مأموریت را تعقیب بکنی. رسماً بدون استیحا ش هر نقشه‌ای که می‌کشند یا هر فعالیتی که دارند در جهت تنصیر و تبشیر ملت‌ها به مسیح است.

دوم، واتیکان شوراهای بسیار مهمی دارد و به‌طور کلی تأسیسات واتیکان که در راس آن پاپ قرار دارد زیر نظر یازده شورا و نه مجمع اداره می‌شود.

این شوراها در بخش‌های مختلف مشغول فعالیت هستند؛ مثلاً شورای امور مهاجرین و سیاران. این‌ها حتی برای عده‌ای ملوان و کاپیتان که گاهی یک ماه روی دریا هستند و احتیاج به تبلیغات دینی دارند برنامه‌های دینی دارند. حتی توی دریا برنامه می‌گذارند.

آن‌ها در کشورهای مختلف عده‌ای را حالا به هر نحوی فراری یا بدون گذرنامه هستند زیر پوشش گرفته، علاوه بر حمایت از آن‌ها فعالیت‌های تبلیغی و تنصیری خود را نیز انجام می‌دهند. یا شورای عاملین بهداشت، برنامه‌های مختلفی درباره‌ی دستوره‌های بهداشتی، پیاده کردن دستوره‌های بهداشتی

بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و ... دارند و در کنار این خدمات انسانی، فعالیت‌های تبلیغی زیادی نیز انجام می‌دهند؛ یا شورای پاپی دیالگ که خیلی هم فعال است از ادیان مختلف زنده دنیا به صورت‌های مختلف دعوت می‌کنند؛ ولی گرداننده، خوراک دهنده و اداره کننده واتیکان است.

گذشته از این‌ها آن‌ها مؤسسات وابسته‌ای دارند؛ گر چه اسماً مستقل هستند ولی در واقع زیر پوشش واتیکان و تحت آمریت واتیکان فعالیت می‌کنند؛ مثل مؤسسه «سنتی جدیو»، «کاریتاس» و «کاریتاپلیتیکا». این‌ها به صورت خیریه برنامه‌های مذهبی دارند و فعالیت می‌کنند؛ مثلاً دو سال پیش «سنتی جدیو» اجلاسی گرفته بود تحت عنوان «صلح نام خدا است». از دوازده دین هم دعوت کرده بودند، سخنرانی هم داشتند؛ ولی گرداننده و محوریت کار، واتیکان بود و هدف تبیین و تبلیغ مسیحیت کاتولیک است. مسأله دیگری که شاید از همه مهم‌تر باشد، ایجاد مؤسسات آموزشی است. از مهد کودک گرفته تا عالی‌ترین درجات دانشگاهی. در دنیا حدود پنجاه و پنج میلیون دانش‌آموز دبستانی، دبیرستانی و راهنمایی زیر پوشش واتیکان است. از دوره دبستان تا پایان دبیرستان در مدارس و مؤسسات کاتولیکی تحصیل می‌کنند و قهراً مسأله تنصیر به خورد این‌ها داده می‌شود و این‌ها وامدار مسیحیت می‌شوند. گذشته از این در حدود نهمصد و پنجاه دانشگاه (غیر از حوزه‌های علمیه) در دنیا دارند. حوزه‌های علمیه همچون مدارس طلاب ما وجود دارد.

این‌ها دو نوع دانشگاه دارند: یکی دانشگاه‌های پاپی و دیگر دانشگاه‌های کاتولیکی. دانشگاه‌های پاپی دروس ایدئولوژیکی درس می‌دهند. در رابطه با فلسفه مسیحیت، تاریخ مسیحیت، فلسفه دین و غیره؛ اما در دانشگاه‌های کاتولیکی همه رشته‌ها تدریس می‌شود حتی پزشکی.

یکی از بهترین دانشگاه‌های پزشکی رم دانشگاه قلب مقدس است که زیر پوشش واتیکان است و دانشگاه کاتولیکی است. شما وقتی وارد دانشگاه می‌شوید زیباترین کلیسا را مشاهده می‌کنید و پزشکی که از این جا بیرون می‌آید، هم اعتقاد به مسیحیت دارد و هم این که وامدار مسیحیت است. آن‌ها به صورت گسترده در دنیا کار می‌کنند منتها مشکل اساسی آن‌ها این است که مسیحیت محتوا ندارد، کافی است یک نفر از اول تورات تا آخر اناجیل و نامه‌های نوشته شده را مطالعه بکند تا به این بی محتوایی پی برد.

قرآن مجید را شما نگاه کنید هزاران تابلو دارد. ﴿...اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى...﴾^۱ این در جهان می‌درخشد. وقتی که شما در رابطه با احسان، اخلاق، حقوق انسانیت به قرآن نگاه بکنید همه جا می‌توانید عنوان و تیترا بکنید.

ما اگر تأسیسات و تشکیلات تبلیغاتی داشته باشیم که این بزرگ‌ترین ضرورت در جهان امروز است، می‌توانیم به ساحت مقدس حضرت حجت (عج) عرض بکنیم که آقا، خدمتکاران کوچکی هستیم. من به جرأت می‌گویم که در ترویج و تبیین عظمت اسلام و حقانیت تشیع خیلی خیلی کم کار هستیم. ما خیلی خیلی از جهت تبلیغی و امکانات تبلیغی بی بضاعت هستیم که در این رابطه باید یک فکر اساسی و قدم‌های جدی برداشته شود. تشیع و حوزه‌های علمیه باید گام‌های بلندی بردارند.

۱. مائده (۵): ۸. (... عدالت پیشه کنید، که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است ...)

پرسش و پاسخ

حجت الاسلام والمسلمین آقای نجم‌الدین طبسی^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد ﷺ و آله الطاهرين.»

مقدمتاً سالروز میلاد مسعود بقیة الله فی الارضین (عج) را تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و از خداوند عز و جل تو فیقات این جمع، مخصوصاً عزیزانی که تلاش کردند، جدیت کردند، این جلسات را برپا کردند خواهانم و امیدوارم که بیش از پیش آن را گسترش و توسعه بدهند و به گونه‌ای نباشد که در سال فقط به یک یا دو بار اکتفا شود. واقعاً در حوزه‌های مقدسه جای این سنخ از مباحث خالی است و بسیار کم مطرح می‌شود.

مقدمه

قبل از این که عرض بکنم که آیا برخوردی، توافقی، اختلافی بین اسلام و

۱. نویسنده و محقق حوزه علمیه.

تشیع یا مسیحیت در رابطه با حضرت وجود دارد یا نه؟ عرض می‌کنم در ارتباط با آقا امام زمان (عج) بین کل مسلمین ظاهراً اختلافی دیده نمی‌شود، کل مسلمین شیعه و سنی در این مسأله توافق دارند.

با وجود منع تدوین حدیث یا منع تدوین سنخ خاصی از احادیث، روایاتی که از اهل سنت در رابطه با آقا امام زمان (عج) و خصوصیات ایشان آمده زیاد است. پنج جلد معجم احادیث به نام الامام المهدی (عج) را پنج سال قبل^۱، حقیر و پنج نفر از فضلاء محترم حوزه تدوین کردیم که جلد اول و دومش روایاتی است که از پیامبر اکرم ﷺ رسیده و عمدتاً از کتاب‌های اهل سنت است.

آن‌ها خیلی در این زمینه مطالب دارند. البته مطالب دیگری که با واقعیت هیچ تناسبی ندارد نیز نقل می‌کنند؛ مانند قضیه «جَسَّاسَه» و قضایای دیگر که هیچ اساس و مدرکی ندارند و یا اضافه کردن بعضی مسایل بی اساس به بعضی از روایات مانند روایت «اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی»^۲ که این عبارت زیادی است راوی‌اش هم زائده است و خودشان هم می‌گویند: «زائده یزید فی الحدیث»؛ زائده یعنی کسی که خودش در حدیث مطالبی اضافه می‌کند. آن‌ها در این زمینه روایات کم‌تر از ما نقل نکرده‌اند. علمای اهل سنت هم اصل مهدویت را پذیرفته‌اند؛ یعنی نمی‌توانند قبول نکنند. چون این‌ها جزء علائم و دلائل قیامت است. جمله معروف ابن خلدون، جمله معروف احمد امین مصری از معاصرین یا حرف ابن حجر، تفتازانی، قرنوی یا حرف ذهبی متعصب را ببینید. یک حرف عجیبی ایشان دارند. البته نیش می‌زنند ولی اصل مطلب را نقل می‌کنند. البته اختلاف بین ما و اهل سنت در این است که آن‌ها احادیث

۱. این سخنرانی در سال ۱۳۷۹ در قم ایراد گردیده است.

۲. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۲. (اسم او اسم من و اسم پدرش اسم پدر من است)

نقل شده از پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در مورد غیبت را در کتاب‌هایشان ذکر نکرده‌اند؛ مثلاً روایتی از امام زین‌العابدین ﷺ که می‌فرماید: «تَمْتَدُّ الْغَيْبَةُ بَوْلِيَّ اللَّهِ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالْأُمَّةِ بَعْدَهُ يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبِيهِ وَالْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لظهورِهِ ﷺ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ...»^۱ یا روایتی از امام هادی ﷺ که می‌فرماید: «لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَتِي قَائِمِكُمْ ﷺ مِنْ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالذَّالِّينَ عَلَيْهِ وَالذَّابِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَالْمُنْقِذِينَ لضعفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَمَرَدَّتِهِ وَمَنْ فِخَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا أَرْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَلَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمَسِكُونَ أَرْمَةَ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمَسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.»^۲ همچنین این سنخ روایات که به غیبت حضرت اشاره دارد در کتاب‌های اهل سنت وجود ندارد و اگر کسی دید، نقل کند ما استفاده کنیم. پس - بر خلاف آنچه شنیده می‌شود - این‌ها زیاد روایت دارند.

اما در رابطه با این‌که امام ﷺ چه نوع برخوردی با مسیحیان دارند، این در بخش نوع برخوردها مانند برخوردهای نظامی یا برخوردهای دیگر به تفصیل باید بحث شود.

۱. همان، ج ۳۶، ص ۳۸۶. (ای ابا خالد، غیبت ولی دوازدهم خدا [از جانشینان رسول خدا و امامان پس از او] طولانی می‌شود. همانا مردم زمان غیبت او و عقیده مندان به امامت و منتظران ظهور وی، از مردم تمام دوران‌ها برترند...)

۲. طبرسی: الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷. (از امام دهم حضرت هادی ﷺ روایت شده که فرمود: اگر نبودند دانشمندانی که پس از غیبت قائم شما مردم را به سوی وی دعوت می‌کردند و بدو رهبری می‌نمودند و با حجت‌های الهی از دینش دفاع می‌کردند و مستضعفان از بندگان خدا را از دام ابلیس و گردنکشان وی و از تله ناصبی‌ها نجات می‌دادند، کسی باقی نمی‌ماند جز آن‌که از دین خدا بر می‌گشت، و لیکن آن دانشمندان کسانی هستند که رشته دل‌های ضعیفان شیعه را به دست می‌گیرند، چنان‌که صاحب کشتی (ناخدا) سکان آن را به دست می‌گیرد. [و آن را هدایت می‌کند] آنان نزد خدای عز و جل از دیگر مردم برترند)

اجمالاً طبق بعضی از روایات، عده‌ای از اهل کتاب با خود آقا و در کنار آقا خواهند بود. وقتی که حضرت مسیح - علی نبینا و آله و علیه السلام - به اتفاق همه مسلمانان «يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ»^۱ و پشت سر امام زمان (عج) اقامه جماعت می‌کنند، این دیگر شاهد روشن و شاهد عیانی برای مسیحیت خواهد بود. آن کسانی که واقعا مسیح علیه السلام را قبول دارند باید بدانند که این مسیح است که به امام زمان (عج) اقتدا می‌کند. پس اگر واقعا معتقد به مسیح هستند باید به تبعیت از حضرت مسیح علیه السلام به ایشان اقتدا کنند. در ذیل آیه شریفه ﴿وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِيُّ أَخَذْنَا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ...﴾^۲ از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که ایشان فرمودند: «گروهی از نصارا همراه امام بزرگوار ما خواهند بود.» طبق این روایت، مسیحیان در همان دوران ظهور در کنار حضرت هستند و می‌آیند. روایت دیگری هم ابن فتال نیشابوری در روضه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که «عده‌ای رجعت می‌کنند و با حضرت خواهند بود». آنگاه نام عده‌ای از فرماندهان نظامی، شخصیت‌ها و عده‌ای از اهل کتاب را هم می‌برد. پس جمعی از اهل کتاب و خصوصا از مسیحیان بعد از ایمان به اسلام در کنار حضرت خواهند بود. اما جمع دیگر ممکن است سماجت کنند که امام با این‌ها برخورد می‌کند.

برخوردهای امام با اهل کتاب و مسیحیان برخوردهای مختلف و به تناسب زمان است. در زمان‌های مختلف برخوردهای مختلفی خواهند داشت، گاهی

۱ از آسمان فرود می‌آید.

۲. مائده (۵): ۱۴. (و از کسانی که ادعای نصرانیت [و یاری مسیح علیه السلام] داشتند [نیز] پیمان گرفتیم؛ ولی آن‌ها قسمت مهمی را از آنچه به آنان تذکر داده شده بود، فراموش کردند؛ از این رو در میان آن‌ها، تا دامنه قیامت، عداوت و دشمنی افکندیم و خداوند، (در قیامت) آن‌ها را از آنچه انجام می‌دادند [و نتایج آن]، آگاه خواهد ساخت ...)

صحبت از بحث آزاد به میان می‌آید که بیایید بنشینیم با هم بحث کنیم؛ گاهی صحبت از «جزیه» به میان می‌آید ﴿... حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾^۱ گاهی صحبت از برخورد فیزیکی، برخورد نظامی و قتل و کشتار به میان می‌آید. در روایات داریم حضرت با گروه‌های مختلف برخورد نظامی دارند.

اما در زمینه مناظره و بحث آزاد، در روایتی از کتاب «غیبت نعمانی» که قدیمی‌تر از «غیبت طوسی» است و بحار هم از آن جا نقل می‌کند، آمده است: «حضرت هنگامی که ظهور می‌کنند به سوی کوه‌های شام حرکت می‌کنند و از آن جا کتاب‌های آسمانی را خارج می‌کنند و با اهل کتاب به بحث و مناظره می‌پردازند. گروهی از آنها به دست حضرت اسلام می‌آورند و مسلمان می‌شوند». در روایات دیگری آمده که از آنها جزیه می‌گیرند. البته مجلسی اول و دوم، در شروح خودشان یعنی شرح بر فقیه و شرح بر تهذیب و کافی آورده‌اند و تفسیر و بیانی دارند.

من فقط روایت را نقل می‌کنم که امام صادق علیه السلام فرمودند: «حضرت ولی عصر (عج) در مسجد سهله خواهند ماند.» راوی (ابو بصیر) می‌گوید: پرسیدم که با اهل ذمه چطور برخورد می‌کنند؟ آیا با آنان از راه مسالمت وارد می‌شود، همچنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اهل ذمه برخورد کردند؟ ایشان فرمودند: که «در آن روزگار هیچ اهل ذمه‌ای باقی نمی‌ماند که جزیه بپردازد؛ یعنی یا اسلام یا برخورد فیزیکی.»

روایتی از شهر بن هوشب، جریانی از حجاج بن یوسف ثقفی نقل می‌کند در

۱. توبه (۹): ۲۹. (... «پیکار کنید» تا زمانی که با خضوع و خشوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند)

رابطه با آیه ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ...﴾^۱ می‌گوید: نصرانی را می‌بینم اعدامش می‌کنند او را می‌کشند و هیچ اسلام نیاورده و شهادتین جاری نکرده و حال این‌که این آیه می‌فرماید: «إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»^۲ این یعنی چه؟ ایشان گفت که قضیه این نیست که تو می‌گویی که قبل از مرگشان باشد، این مربوط به نزول عیسی علیه السلام و مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) است. آن‌جا که هیچ مسیحی نمی‌ماند مگر این‌که مسلمان می‌شود. حجاج تعجب کرد، گفت: این تفسیر به تو نمی‌آید این را از کجا آورده‌ای؟ می‌گوید: گفتم این را از امام باقر علیه السلام گرفتم. گفت: «جئتُ بِهَا مِنْ عَيْنِ صَافِيَةٍ»^۳. از روایات دو و سه نوع برخورد با اهل کتاب و مسیحیت به دست می‌آید.

توضیحات

مجری برنامه: فکر می‌کنم تئمه‌ای لازم است که خدمت حضار محترم عرض کنم. مسأله نجات بخشی در ادیان مختلف مطرح است که من به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنم.

نجات بخشی در آیین هندیان باستان به این صورت است که در آیین آن‌ها اعتقاد به منجی موعود وجود دارد. «کالکی» دهمین ظهور «ویشنو» است. ویشنو یکی از خدایان هندو است که ده بار ظهور می‌کند.

آنان معتقدند که او نُه بار ظهور کرده است. ظهور دهم آن باقی مانده است که مطابق با همان مفهوم مهدی موعود (عج) و اندیشه مهدویت است. او سنوار بر

۱. نساء (۴): ۱۵۹. (و هیچ‌یک از اهل کتاب نیست مگر این‌که پیش از مرگش به او [حضرت مسیح علیه السلام] ایمان می‌آورد...)

۲. همان. (مگر این‌که پیش از مرگش به او [حضرت مسیح] ایمان می‌آورد...)

۳. همان. (آن را از سرچشمه زلال آورده‌اید)

اسب سفیدی خواهد شد و شمشیر درخشان در دست خواهد گرفت و عصر طلایی را از نو آغاز خواهد کرد، این اعتقاد هندوان است.

امادر دین زرتشت: «درست اندیشان و پیروان راستین هرگز با اعتقاد به نیروی لایزال او پیوسته در تلاش و جستجوی نجات بخشی هستند».

در اوستا (یسنا ۴۵ ب ۷) چنین آمده است: «زندگان و آنهایی که بوده‌اند و خواهند بود نجاتی خواهند جست که از سوی او می‌آید».

نجات بخشی که نوگری هستی را انجام می‌دهد، در اوستا با واژه «سوشیانت» مشخص می‌شود. سوشیانت به معنای آن که پیش خواهد برد و آن که پیشرفت خواهد داد. تفسیرهای اوستا کار برد مفرد این واژه را سودمند و کاربردهای جمع آن را سودمندان ترجمه و به فرش کردار تفسیر کردند.

بخشی از بند ۱۲۹ فروردین گشت می‌گوید: از این جهت سوشیانت نامیده خواهد شد که سراسر جهان مادی را سود خواهد داد.

اما اعتقاد یهودیان؛ آنها معتقدند نجات دهنده پایانی مسیح یا ماشیح است که جهان درخشان و باشکوه آینده را می‌سازد و نجات دهنده انسانیت است؛ همانند دیگران برخی این ماشیح یعنی نجات دهنده واپسین را همان داوود می‌دانند.

در بخشی از هوشع (آیات سه و پنج) چنین آمده است: بعد از آن که بنی اسرائیل بازگشت نموده «یَهْوَه» خدای خویش، پادشاه خود داوود را خواهد طلبید.

بعضی این منجی را از خانواده داوود می‌شمارند. لذا ای خداوند تو را در میان امت‌ها حمد خواهیم گفت و به نام تو سرود خواهیم خواند که نجات عظیمی به پادشاه خود داده و به مسیح خویش رحمت نموده است، یعنی به داوود و به

ذریه او تا ابدالآباد.^۱

باز برخی دیگر می‌گویند: خداوند در پایان جهان داوود دیگری را برای نجات مردم می‌فرستد.

اما نجات بخشی در اعتقاد مسیحیان به این صورت است، که به اشاره‌های آشکار مطالب عهد جدید، نجات بخش پایانی همان عیسی مسیح علیه السلام است که بار دیگر زنده خواهد شد و جهان را از نابسامانی خواهد رهانید. مسیح چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه برای کسانی که منتظر اویند ظاهر خواهد شد. آن هم به جهت نجات.^۲

همان‌طور که ملاحظه فرمودید، مسأله منجی و اعتقاد به نجات بخش جهانی در همه ادیان وجود دارد و اختصاص به اسلام ندارد؛ منتها در اسلام و تشیع این اعتقاد روشن‌تر، واضح‌تر و آشکارتر وجود دارد. بیش‌تر ادیان معتقدند این منجی جهانی است و همه انسان‌ها و عالم طبیعت را فرا می‌گیرد و همه انسان‌ها را نجات خواهد داد.

۱ - سؤال: حکومت حضرت مهدی (عج) چه ویژگی‌هایی دارد؟

سؤال مشکل است و جواب مشکل‌تر و نیاز به احاطه و اطلاع بر کل یا اکثر روایات دارد. حکومتی که «یرضی بخلافته السماوات و الارض»^۳ آسمان و زمین متفقاً اظهار رضایت و خشنودی می‌کنند. حکومتی که «یحبه

۱. مزامیر ۱۸ آیات ۴۹ و ۵۰.

۲. رساله یا نامه به عبرانیان ۲۸ و ۲۹.

۳. محمدی ری‌شهری: میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۸۷، حدیث ۱۲۴۰-۱۲۴۸؛ طبری، محمدبن جریر: دلائل الامامه، ص ۲۳۳.

اهل السماوات و الارض»^۱

طبق بعضی از روایات برای دسته‌ای از مردگان که در سجن گرفتاری‌های عذاب به سر می‌برند، به برکت ظهور این حکومت گشایش و فرج پدید می‌آید. حکومتی که بالاخره امنیتش عالم‌گیر است و همه را فرا می‌گیرد.

بعضی از روایات بر امنیت زنان زیاد تاکید کرده و گفته‌اند که در شب در فلان منطقه از شام از مناطق خوفناک و وحشتناک به طرف مکه یا سوی دیگر دنیا حرکت بکند، احدی معترض او نشود. گذشته از این که مرزهای جغرافیایی برچیده می‌شود، امنیت هم بالاخره همه جا را فرا می‌گیرد.

حکومتی که یَنْصِفُ الْمَظْلُومَ یا یَنْصُرُ الْمَظْلُومَ^۲ است. طبق بعضی از روایات: وَلَا مَظْلَمٌ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا^۳. طبق بعضی از عباراتی که ابن طاووس نقل می‌فرماید؛ حتی اگر در تحت ضرس انسان - می‌گویند زیرا دندان انسان چقدر ممکن است حق انسان باشد - حق کسی باشد، نمی‌گذارد ببلعد. همان را هم بالاخره باز بستانی می‌کند از طرف و برمی‌گرداند.

خوب این حکومت ویژگی‌هایی دارد که سهم اصلی‌اش یا تمام سهم آن مربوط به رهبری است و دو بُعد دیگر هم دارد که آن هم به برکت خود آقا و خود رهبر و خود حکومت است. دو بُعد دیگرش، یکی کادر است. کسانی که در خدمت آقا و مجری دستورهای آقا هستند. منظورم از کادر آن ۳۱۳ نفر نیستند. در بعضی از روایات ۱۰/۰۰۰ و در بعضی از روایات ۲۵/۰۰۰ نفرند که طبق بعضی از روایات خمسین امرئه یعنی پنجاه زن هم. عیاشی در تفسیرش پنجاه تا دارد و دلائل الامامه که هر کس نقل کرده از آن نقل می‌کند، سیزده تا

۱. سماواتیان از آن خوششان می‌آید و آن را دوست دارند. حکومتی که نتیجه و برکات آن برای همه، حتی مردگان، فرج و گشایش است.

۲. حکومتی که نسبت به مظلوم انصاف به خرج می‌دهد یا آن که مظلوم را یاری می‌کند.

۳. هیچ ظلمی به کسی نمی‌رود مگر آن که امام علیه السلام آن را دفع می‌کند.

دارد که هشت یا نه تای آنها را نام می‌برد و بقیه را ذکر نمی‌کند. خلاصه بعد اول با خود رهبر مرتبط است. ویژگی‌هایی که در خود رهبر است. بعد دوم ویژگی‌های کادر است و بعد سوم ویژگی‌های مردم و منتظران، یعنی کسانی که منتظر دولت کریمه هستند.

من خیلی سریع به یکی از ابعاد آن اشاره می‌کنم. آنچه به کادر و کسانی که در خدمت آقا هستند ارتباط دارد، از ویژگی‌های آنها برمی‌خیزد. از روایات یک سری ویژگی‌هایی استفاده می‌شود: اعتقاد به رهبر، عشق به رهبر، اطاعت صددرصد و بی‌چون و چرا از رهبر و عشق به شهادت. تمام این‌ها در کنار خشوع و خضوع و تسلیم و انقیاد نسبت به درگاه خداوند عزوجل.

یکی دیگر از ویژگی‌ها مردمی بودن کادر است. کادر مورد علاقه مردم هستند. مردم این‌ها را دوستشان دارند واقعا خدمتگزار خودشان می‌دانند. درباره عشق به رهبری، در بعضی از روایات چنین آمده است: *يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْإِمَامِ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَاتَ يُحِقُّونَ بِهِ^۱ به دور آقا می‌چرخند و یقونه^۱ بأنفسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَيَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ مِنْهُمْ^۲؛ جان خودشان را سپر قرار می‌دهند، خودشان را سپر بلا قرار می‌دهند، و هر چه آقا می‌خواهد اجرا می‌کنند و در برابر او امر آقا تسلیم هستند.*

در خوف از خدا به گونه‌ای هستند که: «رَجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيٍّ النَّخْلِ يَبْتَئُونَ قِيَاماً عَلَيَّ أَطْرَافِهِمْ»^۳. روایتی که از امام صادق عليه السلام

۱. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷. (به زین اسب امام دست می‌سایند تا برکت یابند)

۲. همان. (با جانشان امام را در جنگ‌ها یاری می‌کنند و هر دستوری بدیشان بدهد انجامش می‌دهند.)

۳. همان. (مردانی که شب‌ها نمی‌خوابند. در نمازشان چنان اهمی و تضرعی دارند که انگار زنبوران عسل در کندو وز وز می‌کنند شب را با نگهبانی دادن پیرامون خود به صبح می‌رسانند)

نقل شده است، به این جنبه از شخصیت آن‌ها اشاره دارد: «رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوْثُ بِالنَّهَارِ»^۱ درباره مطیع بودن آنها در اخبار ائمه علیهم‌السلام چنین آمده است: «هم أطوعُ مِنَ الْأُمَّةِ لَسِيْدِيهَا»^۲. روحیه و توان بالای آن‌ها چنان است که طبق روایات اگر این‌ها رو به رو بشوند با «اعظم جَبَلُ» (قوی‌ترین، بلندترین و رساترین کوه) آن‌ها را به لرزه درمی‌آورند، آن‌ها را از جای می‌کنند.

درباره عشق به شهادت اینان در روایات چنین آمده است: در خواسته آنها این است که شهید بشوند. خواسته شان این است که در رکاب امام به شهادت برسند.»

معصومان علیهم‌السلام درباره محبوبیت و مردمی بودن اینان فرموده‌اند: «وَقَدْ أَخَاطُوا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ»^۳، هیچ چیز روی کره زمین نیست «إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ»^۴ چون آن‌ها مطیع بقیه... هستند.

«حَتَّى سَبَاعِ الْأَرْضِ»^۵. درندگان هم مطیع این‌ها می‌شوند و «و سَبَاعُ الطَّيْرِ رِضَاهُمْ»^۶ اطاعت می‌کنند و دوست دارند که در هر چیز این‌ها از آن‌ها راضی باشند. این نکته خیلی جالب است: «حَتَّى تَفْخَرُ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ»^۷. یکی از کادر خدمتگزار، در دولت کریمه، از یک محلی رد می‌شود، از یک سرزمینی رد می‌شود، از یک جایی عبور می‌کند. در روایات می‌خوانیم: زمین بر زمین افتخار می‌کند و «و تَقُولُ مَرَّبِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنَ أَصْحَابِ الْقَائِمِ علیه‌السلام»^۸.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

۱. همان. (زاهدان شب و شیران روزند)

۲. همان. (آنان از کنیز به سرورشان، اطاعت پذیر ترند)

۳-۸. همان، ص ۳۲۷.

پرسش و پاسخ

آقای دکتر محمد لگنهاوسن

۱ - سؤال: ادیانی که اعتقاد به منجی را پذیرفته‌اند، کدامند و وجه مشترک آنها چیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله رب العالمين الصلوة والسلام على سيدنا محمد و على اهل بيته عليه السلام الطيبين و الطاهرين»
خیلی متشکرم از دعوت شما و خوشحال هستم که می‌توانم در این جشن بزرگ شرکت کنم.

انتظار در ادیان

در ادیان مختلف دربارهٔ انتظار بحث شده است و می‌توان در این رابطه در ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی عقاید قابل مقایسه‌ای پیدا کرد. من می‌خواستم چند نکته در مقایسهٔ انتظار بین مسیحیت و اسلام عرض کنم.

در هر دو آیین اسلام و مسیحیت پیش بینی می‌کنند که جنگی بین خوب و بد، قبل از روز قیامت، پیش می‌آید. در مسیحیت بحثی تحت عنوان the second coming یعنی دومین آمدن حضرت مسیح علیه السلام مطرح است. این انتظار یک ارتباط تنگاتنگ با وقوع آخرالزمان دارد.

البته می‌توان تفاوت‌هایی بین این سلسله حوادث که در آخرالزمان اتفاق می‌افتد، پیدا کرد. این تفاوت‌ها در آن کسی است که ما منتظر او هستیم و آن را منجی می‌دانیم. از نظر مسیحیان، حضرت مسیح علیه السلام آخرین پیامبر نیست؛ آن‌ها معتقدند آخرین پیامبر حضرت یحیی علیه السلام است و حضرت مسیح علیه السلام نیز پسر خداست که عهد جدید را می‌آورد. (استغفرالله)

سلسله معصومین علیهم السلام

در تشیع، بر خلاف مسیحیت، دو سلسله معصومین داریم: یکی سلسله پیامبران که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله ختم می‌شود؛ و دیگر، سلسله ائمه اطهار علیهم السلام که به امام زمان (عج) ختم می‌شود.

در ادیان دیگر نیز اعتقاد به منجی وجود دارد؛ منتها آن منجی ویژگی مهمی ندارد مانند این که در آخر یک دوره یا سلسله بیاید.

در مسیحیت گفته شده که حضرت مسیح علیه السلام دوازده حواری دارد؛ مانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که پس از خود دوازده امام به‌عنوان جانشین دارد، با این تفاوت که حواریون حضرت مسیح علیه السلام معصوم نبوده و حتی افرادی از آن‌ها خیانت هم کرده‌اند.

پاپ اول نیز نزد کاتولیک‌ها شأن بزرگ و والایی در میان قدسیان ندارد بلکه یکی از آن‌ها است. با توجه به این نکات در می‌یابیم که حواریون و پاپ اصلاً با

ائمه معصومین شیعه علیهم السلام قابل مقایسه نیستند.

در تشیع آن کسی که ما منتظر او هستیم، امام دوازدهم است که آخرین شخصیت از سلسله ائمه علیهم السلام است. در حالی که در مسیحیت این گونه نیست. به نظر من می توان کلید این مسأله را به راحتی جست و جو کرد؛ بالاخص با توجه به طرز تلقی ما نسبت به مسأله آخر الزمان و مسائلی همچون مرگ و خیر و شر.

مرگ و عدالت در ادیان

در مسیحیت و ادیان دیگر راجع به مرگ مطلبی دارند. آن ها معتقدند زندگی با مرگ پایان نمی پذیرد بلکه انسان ها دوباره در روز رستاخیز زنده می شوند. همچنین معتقدند در آخر الزمان عدالت خواه نا خواه پیروز می شود.

انسان با استفاده از تفکرات مادی خویش فکر می کند زنده شدن دوباره محال است و بر اساس آنچه که از تجربیات و استقرا استفاده کرده است، به این نتیجه رسیده که این برگشت غیر قابل قبول است.

قرآن می فرماید:

﴿وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا﴾^۱

و انسان گوید: آیا چون بمیرم باز به زودی سر از قبر بیرون آورده و زنده خواهیم شد؟

﴿أَوَلَا يَذُكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا﴾^۲

۱. مریم (۱۹): ۶۶. (انسان می گوید: «آیا پس از مردن، زنده (از قبر) بیرون آورده می شوم؟!».)
 ۲. مریم (۱۹): ۶۷. (آیا انسان به خاطر نمی آورد که ما پیش از این او را آفریدیم در حالی که چیزی نبود؟!)

آیا آدمی [برای ایمان به معاد] متذکر آن نمی‌شود که اول هیچ محض و معدوم صرف بود و ما او را ایجاد کردیم؟

دو نکته مشترک در اسلام و مسیحیت

در اسلام و مسیحیت دو نکته مشترک وجود دارد: اولاً، این که مردگان در روز رستاخیز زنده می‌شوند؛ و ثانیاً، آن منجی که دشمن فکر می‌کند مرده است و نمی‌تواند کاری انجام دهد، بر می‌گردد و بشریت را نجات می‌دهد. در اعتقادات مسیحیت بین این دو، یعنی پیروزی منجی و پیروزی قیامت (حقانیت قیامت) ارتباط وجود دارد و کلید این ارتباط «باز خریدن» است. به این معنا که می‌گویند اگر انسان گناه کرد، چون خودش هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد تا خوب شود (راه بازگشت ندارد) پس خداوند خود باید قربانی کند تا انسان خوب شود و آن قربانی کردن حضرت مسیح علیه السلام است به عنوان باز خریدن. پس این رنج روی صلیب یک بلیط نجات برای انسان است که او را از گناه و شر و بیگانه شدن و ... نجات می‌دهد. اما در تشیع چه ارتباطی بین این (پیروزی منجی و پیروزی قیامت) وجود دارد؟

در اسلام و تشیع منجی یعنی امام زمان (عج) صلیب نمی‌شود حتی ما معتقدیم که حضرت مسیح علیه السلام هم به صلیب کشیده نشد. بلکه به جای آن غیبت صغرا و کبرا دارد. در اسلام، مسأله «باز خریدن» وجود ندارد. پس چه چیزی بر مرگ پیروز می‌شود و انسان را از گناه و شر دور می‌کند؟ جواب آن «ولایت» است. امام زمان (عج) برای مؤمنان نجات نمی‌خرد؛ اما مؤمنان با لطف خدا به وسیله با وفا بودن به «ولی» پیروز می‌شوند. تفاوت بین دین مسیحیت و اسلام در این است که در اسلام آخرین نفر سلسله ائمه علیهم السلام منجی است. مسیحیان در

«باز خریدن» به وسیله ایمان به آن شرکت می‌کنند و شرکت کردن در آیین کلیسا به عنوان ابراز ایمان است.

شیعیان با تعهد و وفاداری به اسلام که همان ایمان و تعهد به اسلام است، در ولایت شرکت می‌کنند.

ما، به عنوان شیعه‌ای از امت مسلمان واقعی، آماده‌ایم سرباز او باشیم و در نوری که از پرتو او به وجود بیاید سیر کنیم. پس در آیین تشیع نجات پیدا می‌کنیم اما نه از «باز خریدن» بلکه از لطف خدا، که آن را در «ولایت» پیدا می‌کنیم.

۲- سؤال: ما منتظران حکومت مهدی (عج) چه وظیفه‌ای در سطح بین الملل داریم؟

بنده قبل از مسلمان شدن کاتولیک بودم و بعداً به دین اسلام مشرف شدم. از حرف‌های شما کم‌تر اطلاع داشتم و درباره مطالبی که گفته شد خیلی استفاده کردم. بحث در این جا درباره تبلیغات است؛ ولی متأسفانه مسلمانان در غرب برنامه تبلیغی خوبی ندارند. وقتی شما نگاه کنید اهل سنت و شیعیان مساجد مختلفی در امریکا دارند؛ مسلمانان در غرب برای تبلیغات برنامه جدی ندارند گرچه مسلمانان پیام خیلی روشن و معقولی برای مردم دارند، ولی به جهت ضعف تبلیغات نمی‌توانند پیام خود را برسانند. مسیحیان صرف نظر از کاتولیک‌ها که خیلی برنامه‌ریزی می‌کنند. در امریکا هم پروتستان‌ها و هم کاتولیک‌ها فعالیت زیادی دارند.

می‌خواهم با شماها صحبت بکنم درباره این که چه می‌شود وقتی که اعتقاد

به انتظار منحرف می‌شود. سرآمدترین و آخرین کتاب، کتاب مقدس است که دربارهٔ آخر زمان بحث می‌کند. این کتاب در میان مسیحیان تفسیرهای مختلفی دارد. در زمان شوروی سابق، یکی از تفسیرهای خیلی رایج در امریکا این بود که در آخر زمان ضد مسیح از شرق با یهودی‌ها و اسرائیل جنگ می‌کند؛ و ضد مسیح را به شوروی تفسیر می‌کردند. سپس مسیح می‌آید و علیه شوروی برای حمایت از صهیونیست‌ها و امریکا جنگ می‌کند با ضد مسیح. (شوروی) در حالی که این جنگ باید در اورشلیم باشد. در امریکا مسیحیان بیش‌تر از یهودیان حامی اسرائیل هستند به خاطر همین نوع تفسیر منحرف. بعد از آن که شوروی تجزیه شد. غربی‌ها نگفتند که ما در تفسیر کتاب اشتباه کردیم. گفتند ما دربارهٔ تعیین مصداق دشمن اشتباه کردیم. شوروی دشمن نیست بلکه مسلمانان دشمن ما هستند. این انتظار در دین مسیحی خیلی رایج است. البته مسیحیان در این‌جا این‌طور مطالب را نمی‌گویند؛ ولی خیلی از مسیحیان در امریکا این نوع دیدگاه را دربارهٔ انتظار دارند. در مقابل این‌ها، اسلام به یک برنامه درست تبلیغی نیاز دارد.

من یک پسر عمه دارم که یکی از این مسیحیان حزب‌اللهی است. چند ماه پیش که امریکا بودم یک جلسه با ایشان داشتم. بنده به ایشان گفتم من تحسین می‌کنم که شما یک فرد مذهبی و ضد فساد هستید. باید ما با مسلمانان بحث کنیم تا همدیگر را خوب بفهمیم. او گفت بحث با مسلمانان موقعی فایده دارد که آن‌ها مسیحی بشوند. من هم گفتم مسلمانان هم نسبت به شما همین نظر را دارند. گفتم خوب با هم صحبت بکنیم و حرف‌های همدیگر را گوش کنیم. نمی‌شود که با هم جنگ کنیم تا آخر زمان؛ ولی توی این چند ساعت که صحبت کردم دیدم که این دشمنی از میان رفت و

شروع کردیم به بحث درباره هدف اسلام و این که هدف اسلام چیست و ما به دنبال چه چیزی هستیم، چه نوع زندگی می خواهیم و شما دنبال چه چیزی هستید، آن ها تصور خیلی نادرستی درباره اسلام دارند، تبلیغات لازم است، تبلیغات جدی لازم است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

فهرست ضمائـم

✓ فهرست آیات

✓ فهرست روایات

✓ فهرست اعلام

✓ فهرست ادیان، مکاتب و فِرَق

✓ فهرست مکان‌ها، کشورها، شهرها و مراکز

✓ فهرست اصطلاحات

✓ فهرست کتاب‌ها

✓ فهرست منابع و مأخذ

✓ فهرست موضوعات

فهرست آیات

سوره بقره (۲) آیات ۱-۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ
وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * .

بنام خداوند بخشنده بخشایشگر. الم. آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت
پرهیزکاران. (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان
می آورند و نماز بها می دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنها روزی دادیم انفاق می کنند.

سوره نساء (۴) آیه ۱۵۹

* وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا * .

و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر این که پیش از مرگ به او [حضرت مسیح علیه السلام] ایمان می آورد؛ و روز
قیامت بر آنها گواه خواهد بود.

سوره مائده (۵) آیه ۸

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَيَّ
إِلَّا تَعَدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ * .

ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید. دشمنی با
جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است. و از
(معصیت) خدا بپرهیزید، که خداوند از آنچه انجام می دهید، با خبر است.

سوره مائده (۵) آیه ۱۴

* وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَىٰ أَخَذْنَا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ
وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ * .

و از کسانی که ادعای نصرانیت (و یاری مسیح علیه السلام) داشتند (نیز) پیمان گرفتیم؛ ولی آنها قسمت مهمی

را از آنچه به آنان تذکر داده شده بود فراموش کردند؛ از این رو در میان آنها، تا دامنه قیامت، عداوت و دشمنی افکندیم. و خداوند، (در قیامت) آنها را از آنچه انجام می‌دادند (ونتیج آن)، آگاه خواهد ساخت.

سوره مائده (۵) آیه ۶۷

* يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَفْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ *

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان؛ و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای. خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند.

سوره توبه (۹) آیه ۲۹

* قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ *

با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش ﷺ تحریم کرده حرام می‌شمرند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند.

سوره هود (۱۱) آیه ۸۶

* بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ *

آنچه خدا بر شما باقی می‌گذارد و (برکت بخشد) بهتر است اگر واقعاً ایمان دارید (این نصیحت و وظیفه من است ولی اگر عصیان کردید دیگر) من نگهبان شما (از عذاب خدا) نیستم.

سوره حجر (۱۵) آیه ۹

* إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ *

ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما بطور قطع نگهدار آنیم.

سوره حجر (۱۵) آیات ۳۶-۳۸

* قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ *

گفت: «پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار.)» فرمود: «تو از مهلت یافتگانی. (اما نه تا روز رستاخیز، بلکه) تا روز و وقت معینی.»

سورة نحل (۱۶) آیه ۴۳

﴿ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾ .

و پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می‌کردیم، نفرستادیم. اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید (تا تعجب نکنید از اینکه پیامبر اسلام از میان همین مردان برانگیخته شده است).

سورة اسراء (۱۷) آیه ۸۱

﴿ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبُطْلُ إِنَّ الْبُطْلَ كَانَ زَهُوقًا ﴾ .

و (به امت) بگو که (رسول) حق آمد و باطل را نابود ساخت که باطل خود لایق محو و نابودی (ابدی) است.

سورة كهف (۱۸) آیه ۲۳

﴿ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَهْرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴾ .

گروهی خواهند گفت: «آنها سه نفر بودند، که چهارمین آنها سگشان بود.» و گروهی می‌گویند: «پنج نفر بودند، که ششمین آنها سگشان بود.» - همه اینها سخنانی بی دلیل است - و گروهی می‌گویند: «آنها هفت نفر بودند، و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگار من از تعدادشان آگاه‌تر است.» جز گروه کمی، تعداد آنها را نمی‌دانند. پس درباره آنان جز با دلیل سخن مگو؛ و از هیچکس درباره آنها سؤال مکن.

سورة مریم (۱۹) آیات ۶۶ - ۶۷

﴿ وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا ﴾ ﴿ أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ﴾ .

انسان می‌گوید: «آیا پس از مردن، زنده (از قبر) بیرون آورده می‌شوم؟!». آیا انسان به خاطر نمی‌آورد که ما پیش از این او را آفریدیم در حالی که چیزی نبود؟!.

سوره طه (۲۰) آیه ۱۵

* إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ * .

محققاً ساعت قیامت خواهد رسید و ما آن ساعت را پنهان داریم تا هر نفسی را بیاداش اعمالش در آن روز برسانیم.

سوره انبیاء (۲۱) آیات ۱۰۵-۱۰۷

* وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ * إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ غَابٍ * وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ * .

در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد». در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان. ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

سوره نور (۲۴) آیه ۳۵

* اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ * .

خداوند نور آسمانها و زمین است؛ مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پر فروغ) باشد، آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حبابی شفاف و درخشنده، همچون یک ستارهٔ فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درخت پر برکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی؛ (روغنش آنچنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله ور شود؛ نوری است بر فراز نوری؛ و خدا هر کسی را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند، و خدا برای مردم مثلها می‌زند و خداوند به هر چیزی داناست.

سوره نور (۲۴) آیه ۵۵

* وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ * .

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پا بر جا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، (آنچنان) که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقند.

سوره فرقان (۲۵) آیه ۳۱

﴿ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ﴾ .

(آری،) این گونه برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان قرار دادیم؛ اما (برای تو) همین بس که پروردگارت هادی و یاور (تو) باشد.

سوره شعراء (۲۶) آیه ۴

﴿ إِنَّ نَسْفًا نُنزِلُ عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَؤُهُمْ لَهَا خُضِعِينَ ﴾ .

اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد.

سوره قصص (۲۸) آیات ۵ - ۶

﴿ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾
﴿ وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهُمَّنَّ وَجُنُودَ هَمَّا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴾ .

ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. و حکومتشان را در زمین پا بر جا سازیم؛ و به فرعون و هامون و لشکریانشان، آنچه را از آنها [= بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم.

سوره قصص (۲۸) آیه ۵۸

﴿ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسْكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَن مِّن بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ ﴾ .

و چه بسیار از شهرها و آبادیهایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاک کردیم! این خانه‌های آنهاست که (ویران شده، و) بعد از آنان جز اندکی کسی در آنها سکونت نکرد؛ و ما وارث آنان بودیم.

سوره زخرف (۴۳) آیات ۵۷ - ۶۱

﴿وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿۵۷﴾ وَقَالُوا يَا أَلِهُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿۵۸﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿۵۹﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ ﴿۶۰﴾ وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿۶۱﴾ .

و هنگامی که درباره فرزند مریم مثلی زده شد، ناگهان قوم تو بخاطر آن داد و فریاد راه انداختند و گفتند: «آیا خدایان ما بهترند یا او [مسیح]؟! (اگر معبودان ما در دوزخند، مسیح نیز در دوزخ است، چرا که معبود واقع شده)!» ولی آنها این مثل را جز از طریق جدال (و لجاج) برای تو نزدند؛ آنان گروهی کینه نوز و پرخاشگرند. مسیح فقط بنده‌ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل قرار دادیم. و هرگاه بخواهیم به جای شما در زمین فرشتگانی قرار می‌دهیم که جانشین (شما) گردند. و او [مسیح] سبب آگاهی بر روز قیامت است. (زیرا نزول عیسی علیه السلام گواه نزدیکی رستاخیز است)؛ هرگز در آن تردید نکنید؛ و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است.

سوره (۴۸) فتح آیه ۴

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۴﴾ .

او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند؛ لشکریان آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند دانا و حکیم است.

سوره صف (۶۱) آیه ۹

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿۹﴾ .

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

فهرست روایات

موضوع بحث: حکومت امام مهدی (عج)

۱- قال رسول الله ﷺ:

يَمْلَأُهَا قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلماً وَجَوْرًا .

«زمین را از عدل و داد پر سازد؛ چنان که از ظلم و جور پر شده است.»

مجلسی، محمدباقر: بحار الانوار، جلد ۳۶ صفحه ۲۴۶

۲- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

الْمَهْدِيُّ (سَلامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) مِنَّا، أَجَلِي الْجَبْهَةَ أَقْنَى الْأَنْفِ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلماً وَجَوْرًا... .

«مهدی (سلام الله علیه) از ما (از من) است، چهره‌ای نورانی دارد و بینی‌ای خمیده. زمین را از قسط و عدل پر سازد؛ چنان که از ظلم و جور پر شده است...» ابن بطریق، یحیی بن حسن الحلّی: العمدة، ص ۴۳۵

۳- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيِّ الطَّحَّانِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ﷺ:

... وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفِيِّ ﷺ فَخَرُوجُهُ بِالسَّيْفِ وَقَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَأَعْدَاءَ رَسُولِهِ ﷺ وَالْجَبَّارِينَ وَالطَّوَاغِيَةَ وَأَنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَالرُّعْبِ وَأَنَّهُ لَا تُرَدُّ لَهُ رَايَةٌ... .

«... اما شباهت او به جدش محمد مصطفی ﷺ: قیام او به شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول ﷺ و جباران و طاغوت‌هاست. آن حضرت با شمشیر و ترس [که در دل دشمنان می‌افکند] پیروز می‌شود و هیچ پرچمی (سپاهی) از او رد نمی‌شود و شکست نمی‌خورد...»

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸

۴- قال بشير النبال قلت لأبي جعفر ﷺ:

... إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَهْدِيَّ (عج) لَوْ قَامَ اسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْوَاً وَلَا يُهْرِيْقُ مِخْجَمَةَ دَمٍ .
فَقَالَ ﷺ:

كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوِ اسْتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْوًا لَاسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ حِينَ أَدْمَيْتُ رَبَاعِيئَهُ
وَشُجَّ فِي وَجْهِهِ، كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى نَمْسَحَ نَحْنُ وَأَنْتُمْ الْعَرَقَ وَالسَّلَقَ، ثُمَّ مَسَحَ
جَبْهَتَهُ ﷺ .

«بشیر می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: ... برخی می گویند امام زمان (عج) که قیام کند
بی هیچ خونریزی و زحمتی کارها به نفع او پیش می رود. امام فرمود: چنین نیست. قسم به آن که جانم
در قبضه قدرت اوست اگر قرار بود برای کسی چنین چیزی رخ بدهد، بی گمان برای رسول خدا صلی الله علیه و آله
اتفاق می افتاد. حال آنکه آن حضرت [در انجام وظیفه رسالت] دندانش شکست و صورتش زخمی شد.
نه به خدا قسم [ظهور آن حضرت چنان با رنج و تعب همراه خواهد بود] که ما و شما عرق را به همراه
لخته های خون از پیشانی خود پاک کنیم، سپس امام دستی به پیشانی خود کشید.»

نعمانی، محمد بن ابراهیم: کتاب الغیبه، ص ۲۸۴

۵- عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَاثِبِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: قَالَ:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ.

« هنگامی که قائم ما قیام کند، دستی بر سر بندگان خدا بکشد، چنان که خردهاشان بدو پیوند یابد و
اخلاقشان بدو به کمال گراید.»

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، صفحه ۳۳۶

۶- عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْوَأَسْطِيِّ (عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ:

أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَاللَّهِ لَقَدْ تَرَكْنَا أَسْوَاقَنَا أَنْتِظَاراً لِهَذَا الْأَمْرِ...

فَقَالَ علیه السلام:

يَا عَبْدَ الْحَمِيدِ أَتَرَى مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) لَا يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا؟

بَلَى وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَيْنَا، رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا،

قَالَ قُلْتُ: فَإِنْ مِتُّ قَبْلَ أَنْ أُدْرِكَ الْقَائِمُ؟

فَقَالَ علیه السلام:

الْقَائِلُ مِنْكُمْ إِنْ أُدْرِكْتُ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله نَصْرَتُهُ كَالْمُقَارِعِ مَعَهُ بِسَيْفِهِ وَالشَّهِيدُ مَعَهُ لَهُ

شهادتان.

«عبد الحمید واسطی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: به خدا قسم ما بازارهایمان را به انتظار ظهور
امام عصر (عج) ترک کردیم... امام فرمود: ابی عبد الحمید! آیا گمان می کنی خداوند برای کسی که
خود را وقف او کند، راه خروجی قرار نمی دهد؟ آری به خدا قسم خدا برای او راه خروجی قرار می دهد.»

خدا رحمت کند بندهای را که خود را وقف ما کند. خدا رحمت کند بندهای را که امر ما را زنده کند. عبدالحمید می‌گوید: به امام عرض کردم اگر قبل از آن که قائم (عج) را درک کنم، بمیرم [چه]؟ فرمود: کسی از شما اگر بگوید (عقیده داشته باشد) که در صورت درک قائم آل محمد علیهم‌السلام به او یاری می‌رسانم چون نبرد کننده‌ای است که با شمشیر از او دفاع می‌کند و کسی که با او به شهادت می‌رسد برای او [اجر] دو شهادت است.»
مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، صفحه ۱۲۶

موضوع بحث: امام مهدی (عج) در قرآن کریم

۷- قال الفضیل بن یسار سألت أبا جعفر علیه‌السلام عن هذه الرواية: ما في القرآن آية إلا ولها ظهر وبطن. فقال علیه‌السلام: ظهره تنزيله وبطنه تأويله.

«از امام باقر علیه‌السلام درباره این روایت سؤال کردم: «در قرآن آیه‌ای نیست جز آن که برای آن ظهر و بطنی است»، فرمود: منظور از «ظهر» تنزیل آن آیه و منظور از «بطن» تأویل آن است.»

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۴

۸- قال المفضل بن عمر: سمعت أبا عبد الله علیه‌السلام يقول:

إن رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نظر إلى عليّ والحسن والحسين علیهم‌السلام وبكى وقال أنتم المستضعفون بعدي قال المفضل قلت ما معني ذلك؟

قال علیه‌السلام:

معناه أنكم الأئمة بعدي، إن الله عز وجل يقول «ونريد أن نمنن على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الورثين»^۱

قال علیه‌السلام:

وهذه الآية جارية فينا إلى يوم القيامة .

«مفضل می‌گوید: از حضرت امام صادق علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نظری به سوی علی و حسن و حسین علیهم‌السلام افکند و گریست و [سپس] فرمود: شما مستضعفان پس از من هستید. مفضل از امام صادق علیه‌السلام پرسید: معنای این سخن چیست؟ امام علیه‌السلام فرمود: معنایش آن است که شما امامان پس از من هستید؛ [زیرا] خدای عز و جل فرموده است: «ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.» [بعد] ادامه داد: این آیه تا روز قیامت درباره ما

جاریست (مصدق دارد)»

ری شهری، محمد: میزان الحکمة، ج ۲

۹ - قال علی رضی الله عنه:

...لَتُعْطِنَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرْوِسِ عَلَيَّ وَوَلَدِهَا ...

«...دنیا پس از سر پیچی اش با ما مهربان خواهد شد، همان گونه که شتر بد خوی به فرزندش

مهربان می شود...»

عبده، محمد: نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۰۹

۱۰ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ .

«پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: چگونه اید هنگامی که فرزند مریم (حضرت مسیح) در میان شما فرود آید و

امامتان از شما باشد.»

الإربلی ابی الحسن علی بن عیسی: کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۳۴ -

هیثمی، ابن حجر: الصواعق المحرقة - مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۸

۱۱ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يَا عَلِيُّ إِنَّ بِنَا خَتَمَ اللَّهُ الدِّينَ كَمَا بِنَا فَتَحَهُ وَبِنَا يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ بَعْدَ الْعَدَاوَةِ وَ الْبَغْضَاءِ .

«رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: یا علی! خداوند دینش را به ما پایان داد [کمال بخشید]، چنان که به ما آن را

بنیان نهاد.»

ری شهری، محمد: میزان الحکمة، ج ۱، حدیث ۹۳۴

۱۲ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا (عَزِيزًا) حَتَّى يَكُونَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ .

«تا با شما دوازده خلیفه که تمامشان از قریشند، باشند، پیوسته این دین (اسلام) بر پا (عزیز)

خواهد بود.»

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۶۵

موضوع بحث: حکومت واحد جهانی

۱۳ - صحف ادریس النبی عند ذکر سؤال ابلیس و جواب الله (عز و جل):

(قال رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ^۱) قال (عز و جل) لا وَ لَكِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (إِلَى يَوْمِ

الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ^۲) فَإِنَّهُ يَوْمٌ قَضَيْتُ وَ حَتَمْتُ أَنْ أُطَهِّرَ الْأَرْضَ ذَلِكَ الْيَوْمَ مِنَ الْكُفْرِ وَالشَّرْكِ

وَالْمَعَاصِي وَانْتَخَبْتُ لَذَلِكَ الْوَقْتِ عِبَادًا أَمْتَحَنْتُ قُلُوبَهُمْ لِإِيْمَانٍ وَحَشَوْتُهَا بِالْوَرَعِ

۱. حجر (۱۵)، ۳۶.

۲. حجر (۱۵)، ۳۸.

وَالْإِخْلَاصِ وَالْيَقِينِ وَالتَّقْوَى وَالْخُشُوعِ وَالصَّدَقِ وَالْحِلْمِ وَالصَّبْرِ وَالْوَقَارِ وَالتَّقَى وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَالرَّغْبَةَ فِي مَا عِنْدِي وَأَجْعَلُهُمْ دُعَاةَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَأَسْتَخْلِفُهُمْ فِي الْأَرْضِ وَأَمَكَّنْ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي أَرْتَضِيَهُ لَهُمْ.... وَأُلْقِي فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ الْأَمَانَةَ عَلَى الْأَرْضِ فَلَا يَضُرُّ شَيْءٌ شَيْئاً... وَأُنزِلُ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَتُرْهَرُ الْأَرْضُ بِحُسْنِ نَبَاتِهَا وَتُخْرِجُ كُلَّ ثِمَارِهَا وَأَنْوَاعَ طَيِّبِهَا وَأُلْقِي الرَّأْفَةَ وَالرَّحْمَةَ بَيْنَهُمْ فَيَسْوَأَسُونَ وَيَقْتَسِمُونَ بِالسَّوِيَّةِ... وَيَدِينُونَ بِالْحَقِّ وَيَعْدِلُونَ وَيَحْكُمُونَ... أَبَيْدِكَ يَوْمَئِذٍ خَيْلِكَ وَرِجْلِكَ وَجُنُودِكَ أَجْمَعِينَ فَاذْهَبْ؟ (قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ *).

«خدای تعالی در جواب شیطان که از او خواسته بود تا روز قیامت بدو مهلت دهد، فرمود: نه، ولیکن تا وقت معینی به تو مهلت می‌دهم و منظور از آن [وقت معلوم] روزی است که قضای حتمی‌ام بر آن تعلق گرفته تا زمین را در آن روز از کفر و شرک و گناهان پاک سازم، و برای این زمان بندگانی را اختیار کرده‌ام که دل‌هاشان را به ایمان آزمودم و از ورع و اخلاص و یقین و پارسایی و خشوع و راستی و صبر و شکیب و وقار و پرهیز و زهد، مشحون ساختم...»

آنان را جانشین خود در زمین قرار می‌دهم و دینی را که برای آنان پسندیده‌ام [اسلام را] توانا می‌گردانم... در نتیجه چیزی به چیزی زیان نرساند...»

«برکاتی را از آسمان و زمین [بر آنان] نازل کنم و زمین نیکوترین گیاهانش را برویاند و تمام میوه‌ها و انواع بوی خوش خود را ظاهر سازد و مهربانی و رحمت را بر آنان نازل کند، پس با هم موااسات کرده و [مال‌ها و ثروت‌ها] را بطور مساوی تقسیم کنند... و تسلیم حق شوند و به حق باز گردند و بدان حکم کنند... در آن روز تو [شیطان] و سواره‌ها و پیاده‌ها و تمام سپاهت را نابود سازم. پس برو که تا زمان معلوم و معینی از مهلت یافتگانی.»

سید ابن طاووس: سعد السعود، ص ۳۴

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۴

۱۴- قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام:

إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكُوفَةِ جَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لِأَطَاعُوكَ وَأَتَّبِعُوكَ،

فَقَالَ عليه السلام:

يَجِيءُ أَحَدُهُمْ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ؟ فَقَالَ: لَا، قَالَ عليه السلام: فَهُمْ بِدِمَائِهِمْ أَبْخَلُوا. ثُمَّ قَالَ عليه السلام: إِنَّ النَّاسَ فِي هُدْنَةٍ نُنَاكِحُهُمْ وَنُورَاتُهُمْ وَنُقِيمُ عَلَيْهِمُ الْخُدُودَ وَنُؤَدِّي أَمَانَاتِهِمْ حَتَّى

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُزَامِلَةُ وَيَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ .

به حضرت امام باقر علیه السلام عرض شد: شیعیان کوفه بسیار زیادند، اگر فرمان دهی از تو اطاعت و تبعیت خواهند کرد. حضرت سؤال کرد: آیا اگر یکی شان نیازمند بود، می تواند بی اجازه برادر مسلمانش سر وقت کیف (جیب) او رود؟ گفتند: خیر. فرمود: آنان نسبت به جانشان بخیل ترند. سپس فرمود: مردم در آرامش (ترک مخاصم) به سر می برند؛ با آنان پیوند ازدواج برقرار می سازیم و از آنان ارث می بریم و بر ایشان اقامه حدود می کنیم و امانت ها را بدیشان باز می گردانیم، تا آنکه حضرت قائم (عج) قیام کند، که آن گاه دوستی ها باز گردد و برادر (دینی) از کیف (جیب) برادرش بی هیچ منعی رفع نیاز کند.»

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲

۱۵ - عن محمد بن جعفر عن أبيه عليه السلام قال:

... كَتَبُوا عَلَيَّ أَقْدَامَهُمْ شَيْئاً وَ مَشَوْا عَلَيَّ الْمَاءِ فَإِذَا نَظَرُوا إِلَيْهِمُ الرُّومُ يَمْشُونَ عَلَيَّ الْمَاءِ قَالُوا هَؤُلَاءِ أَصْحَابُهُ يَمْشُونَ عَلَيَّ الْمَاءِ....

«...بر گام هایشان چیزی می نویسند و بر سطح آب راه می روند رومی ها وقتی مشاهده می کنند که آنان روی آب راه می روند [با تعجب] می گویند: «آنان یاران او هستند بر آب راه می روند...»

نعمانی، محمد بن ابراهیم: کتاب الغيبة

عنوان بحث: امام مهدی (عج) در احادیث اهل سنت

۱۶ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

... عَمَارٌ مَعَ الْحَقِّ....

عاملی، شیخ حر: وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۲۵

«...عمار [یاسر] با حق است...»

۱۷ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

مَا أَظَلَّتِ الْخَضْرَاءُ وَلَا أَقَلَّتِ الْغُبْرَاءُ عَلَيَّ لَهْجَةٍ أَصْدَقَ مِنْ أَبِي ذَرٍّ .

«آسمان سایه نینداخته و زمین حمل نکرده کسی را که راستگوتر از ابوذر باشد.»

همان

۱۸ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

آتُونِي بَدْوَاةٍ وَقِرْطَاسٍ أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا... أَوْ بَعْدَ مَاذَا ! .

«[رسول اکرم صلى الله عليه وآله] فرمود: [برایم قلم و کاغذی بیاورید تا برایتان چیزی بنویسم که پس از من

شیخ صدوق: امالی، ص ۳۷۷

هرگز گمراه نشوید... دیگر بعد از چه!!...»

۱۹- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَحْيَىٰ وَآخِرُهُمْ وَلَدِي، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَمَنْ أَخْوَكُ، قَالَ ﷺ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ قِيلَ: فَمَنْ وَلَدُكَ؟ قَالَ ﷺ: الْمَهْدِيُّ (عج) يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّىٰ يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيُنزِلُ رُوحَ اللَّهِ عِيسَىٰ بِنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهِ وَيَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَغْرِبَ وَالْمَشْرِقَ .

«رسول اکرم ﷺ فرمود: خلفا و جانشینان من و حجت‌های خدا بر خلق پس از من دوازده نفرند، اول آنان برادرم و آخرشان فرزندم. گفته شد: ای رسول خدا: برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب ﷺ سؤال شد: فرزندان کیست؟ فرمود: مهدی (عج) که زمین را از قسط و عدل پر سازد، همان سان که از ظلم و جور پر شده. قسم به آن که مرا به حق به عنوان بشارت دهنده و ترساننده برانگیخت اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن را چنان طولانی سازد تا فرزندم مهدی خروج کند. [پس از خروج او] عیسی پسر مریم پشت سرش به نماز ایستد و زمین از نور پروردگار روشن شود و سلطه حاکمیت او به شرق و غرب سایه افکند.

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۷۱

۲۰- بِسْنَدِهِ عَنْ أَبِي سَلْمَى رَاعِي إِبِلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ:

لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ أَرَانِي اللَّهُ ذُرِّيَّتِي وَالْمَهْدِيُّ (عج) فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ ذُرِّيٌّ وَ قَالَ اللَّهُ هَؤُلَاءِ الْحُجَجُ وَهُوَ سَائِرُ مَنْ عَثَرَتْكَ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي .

رسول خدا ﷺ فرمود: شبی که به آسمان برده شدم، خدا به من ذریه‌ام را نمایاند و مهدی (عج) در میان آنان چون ستاره درخشان بود. و خدای تعالی فرمود: آنان حجت‌هایند و او خونبها ستاننده از خاندان توست و انتقام‌کشنده از دشمنانم.

الحنفی، موفق بن احمد: تاریخ مقتل الحسین ﷺ

۲۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

يَخْرُجُ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي أَسْمُهُ كَاسِمِي وَكُنْيَتُهُ كَكُنْيَتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا، فَذَلِكَ الْمَهْدِيُّ (عج) .

«رسول خدا ﷺ فرمود: در آخر زمان مردی از فرزندان من قیام کند که اسم او همانند اسم من و کنیه‌اش مثل کنیه مناست، زمین را از عدل پر سازد چنان که از ظلم پر شده است و او مهدی (عج) است.»

تذکره خواص الامه، ص ۳۷۷

۲۲- قَالَ النَّبِيُّ ﷺ:

المهديُّ (عج) مِنِّي وَهُوَ أَجْلَى الْجَبْهَةِ أَقْنَى الْأَنْفِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَظُلْمًا، يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ.

«مهدی (عج) از من است، چهره‌ای نورانی دارد و بینی‌ای خمیده، زمین را از قسط و عدل پر سازد؛ چنان که از ظلم و جور پر شده است. هفت سال حکومت می‌کنند»

ابن بطریق، یحیی بن حسن الحلّی: العمدة، ص ۴۳۳

۲۳- إِنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُبْعَثَ رَجُلٌ مِنِّي وَمِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِيءُ اسْمَهُ اسْمِي.

«رسول خدا ﷺ فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای آن چنان طولانی سازد تا آن مردی که از من و خاندانم قیام کند که اسم او همانند اسم من باشد.»

ابن بطریق، یحیی بن حسن الحلّی: العمدة، ص ۴۳۴

۲۴- إِنْ عَلِيٌّ سَأَلَ النَّبِيَّ ﷺ: أَمَّا آلُ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ (عج) أَمْ مِنْ غَيْرِنَا؟

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

بَلْ مِمَّا يَخْتِمُ اللَّهُ بِهِ كَمَا فَتَحَ بِنَا وَبِنَا يُتَّقَدُونَ مِنَ الْفِتْنَةِ كَمَا أَنْقَذُوا مِنَ الشَّرْكِ وَبِنَا يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ بَعْدَ عِدَاوَةِ الشَّرْكِ.

«علی از نبی اکرم ﷺ سؤال کرد: آیا مهدی (عج) از ما آل محمد است یا از غیر ماست،

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: بلکه از ماست. خداوند به سبب او ختم کند (کمال بخشد) چنان که

به ما آغاز کرد.» به ما از فتنه نجات یابند چنان که از شرک نجات یافتند خداوند به سبب ما، دل هایمان

را پس از کینه و دشمنی، به یکدیگر پیوند داد.» مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۳

۲۵- عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

الْمَهْدِيُّ (عج) مِنْ عِثْرَتِي مَنْ وُلِدَ فَاطِمَةَ (سَلام الله عليها).

«رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی (عج) از خاندان من [و] از فرزندان فاطمه بیخ است.»

مجلسی، محمد باقر: بحار، ج ۳۶، ص ۳۶۸

۲۶- قَالَ الصَّادِقُ ﷺ:

لَوْ كُنَّا نُفْتِي النَّاسَ بِرَأِينَا وَهَوَانَا لَكُنَّا مِنَ الْهَالِكِينَ.

اگر به نظر خود احکام شرعی را به مردم ابلاغ کنم، بی گمان از هلاک شوندگان خواهم بود.

الصفار القمی، حسن: بصائر الدرجات، ص ۲۹۹

موضوع بحث: امام مهدی (عج) در قرآن کریم، سنت و تاریخ

۲۷- عن أبي جعفر عليه السلام قال:

...هُمُ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ (عجل الله تعالى فرجه) فِي آخِرِ الزَّمَانِ.

امام صادق عليه السلام می فرمایند: «... آنها یاران مهدی (عج) هستند در آخر زمان.»

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۹، صفحات ۱۰۳ - ۱۲۶

۲۸- قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.

«اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، همانا خداوند آن یک روز را چنان طولانی کند تا مردی از اهل بیت من برخیزد که زمین را از عدل و قسط پر سازد؛ چنان که از جور و ظلم پر شده است.»

تاویل الایات الظاهره، ص ۳۲۷

۲۹- قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا مِنْي أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ أَسْمُهُ أَسْمِي وَأَسْمُ أَبِيهِ أَسْمُ أَبِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

«اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خدای تعالی آن روز را چنان طولانی کند تا در آن روز مردی از من یا از اهل بیتم قیام کند که اسم او اسم من و اسم پدرش اسم پدر من است. او زمین را از قسط و عدل پر سازد؛ چنان که از ظلم و جور پر شده است.»

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۲

۳۰- عن حمزانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ زَعَمَ وُلْدُ الْحَسَنِ عليه السلام أَنْ الْقَائِمَ مِنْهُمْ وَ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْأَمْرِ....

قال عليه السلام:

رَحِمَ اللَّهُ عَمِّي الْحَسَنَ عليه السلام ... نَحْنُ وَ اللَّهُ أَصْحَابُ الْأَمْرِ وَ فِيْنَا الْقَائِمُ وَ مِنَّا السَّفَاحُ وَ الْمَنصُورُ....

«حمران به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ای فرزند گرامی فرستاده خدا، برخی از فرزندان امام حسن علیه السلام می گویند که قائم از ماست و امر امامت از آن آنهاست...؟!»
امام علیه السلام در جواب فرمودند:

خداوند عمویم امام حسن علیه السلام را بیامرزد... به خداوند سوگند که ما صاحب امامت هستیم و قائم هم از ماست و سقّاح و منصور^۱ هم از ما هستند.»
مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۴۵۳

موضوع بحث: سخنرانی و پرسش و پاسخ درباره امام مهدی (عج)

۳۱- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام:

...إِنَّهُ لَيَنْزِلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ إِلَيَّ وَلِيَّ الْأَمْرِ تَفْسِيرُ الْأُمُورِ سَنَةً سَنَةً يُؤْمَرُ فِيهَا فِي أَمْرِ نَفْسِهِ بِكَذَا وَكَذَا وَفِي أَمْرِ النَّاسِ بِكَذَا وَكَذَا.

«...در شب قدر بر ولی امر تفسیر امور هر سال نازل می شود، و در آن امر می شود درباره خودش به فرامینی و درباره مردم نیز به دستوراتی.»

شیخ الحویزی: تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۳۴

(تصحیح حجة الاسلام و المسلمین سید هاشم رسولی محلاتی)

۳۲- قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام:

... نِعْمَ الْمَنْزِلُ طَيِّبَةٌ وَمَا بِثَلَاثِينَ مِنْ وَحْشَةٍ ...

«... مرکز غیبتش (مدینه) مرکز مبارکی است و کسی که با سی نفر تماس دارد وحشتی ندارد...»

نعمانی، محمد بن ابراهیم: کتاب الغیبة، ص ۲۹۴

۳۳- قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام:

إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ .

«حکمت این مسأله کشف نمی شود مگر پس از ظهور آن حضرت.»

طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۷۶

۳۴- قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام:

... أَمَا إِنَّهُ سَيَرُكَبُ السَّحَابَ وَيَرْقِي فِي الْأَسْبَابِ ...

«...اما او حضرت قائم «عج» به زودی برابر سوار شده و از اسباب و علل بالا می رود (تمام اسباب و علل

شیخ مفید: الاختصاص، ص ۳۷۶

جهان در دست اوست)...»

۱. در توضیح باید گفت: منظور از این دو، سقّاح و منصور عباسی نیستند، بلکه منظور حضرت امام حسین و حضرت امام علی علیه السلام است.

عن جابر قال: قال ابو جعفر عليه السلام في قول الله تعالى (في قول الله تعالى (... في ظلل من الغمام و الملتكئة و قضى الأمر...))^۱

يَنْزِلُ فِي سَبْعِ قِبَابٍ مِنْ نُورٍ لَا يُعْلَمُ فِي أَيِّهَا هُوَ حِينَ يَنْزِلُ فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ .

«آن حضرت هنگامی که در پشت کوفه فرود می آید در هفت لایه از نور قرار دارد که دانسته (... نمی شود در کدام یک از آنهاست.»

عیاش السلمی، محمد: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۰۳

۳۵- عن ابی جعفر عليه السلام عن ابيه عليه السلام عن جده عليه السلام قال قال امير المؤمنين علي عليه السلام:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ ... فَإِذَا هَزَّتْ رَايَتُهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

«امام باقر عليه السلام از پدرش [و به واسطه او] از جدش روایت کند که امام امیر المؤمنان عليه السلام فرموده است: یکی از فرزندان من در آخر زمان قیام کند... « هنگامی که پرچمش را به اهتزاز در آورد، فاصله میان مشرق و مغرب برای او روشن شود.»

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۳۵

۳۶- قال ابی عبدالله عليه السلام:

فَإِذَا دَرَجَ رُفِعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرَى بِهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ .

«هنگامی که حضرت خروج کند ستونی از نور برای او به آسمان کشیده می شود که مابین مشرق و مغرب را به روشنی می بیند.»

الصفار القمی، الحسن: بصائر الدرجات، صفحات ۴۳۴-۵

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۳۲

۳۷- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّا سَبْعَةً وَعِشْرِينَ حَرْفًا.

«دانش بیست و هفت حرف (باب) است، تمام آنچه را که پیامبران آورده اند دو حرف بیشتر نیست... اما هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست پنج حرف (باب) دیگر را نیز ظاهر سازد.»

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، صفحه ۳۳۶

۳۸- قال أبو عبدالله الصادق عليه السلام:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُوقَّتُ وَقَدْ قَالَ مُحَمَّدٌ عليه السلام كَذَبَ الْوَقَاتُونَ .

«ما خاندانی هستیم که برای ظهور آن حضرت، وقتی را مشخص نمی‌کنیم. [چنان که] حضرت رسول ﷺ فرموده است: دروغ گفته‌اند آنان که وقت مشخص می‌کنند.»

نعمانی، محمد بن ابراهیم: کتاب الغیبه، ص ۲۸۹

۳۹- الإمام الباقر ﷺ قد سأله الفضيل: هل لهذا الأمر وقت؟

قال ﷺ:

كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ .

«حضرت امام باقر ﷺ در جواب سؤال فضیل که پرسیده بود: آیا برای قیام آن حضرت ساعت خاصی است؟ سه بار فرمود: وقاتون (انان که برای قیام آن حضرت وقت بخصوصی مقرر می‌کنند)، دروغ می‌گویند.»

ری شهری، محمد: میزان الحکمة، ج ۱، حدیث ۱۲۰۹

۴۰- الفضل بن شاذان عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله الصادق ﷺ قال:

يَقْتُلُ الْقَائِمُ ﷺ حَتَّى يَبْلُغَ الشُّوْقَ قَالَ (الصادق) ﷺ: فيقولُ له رجلٌ منٌ وُلْدِ أَبِيهِ: إِنَّكَ لَتُجْفِلُ النَّاسَ إِجْفَالَ النِّعَمِ فَبِعَهْدِ مَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: أَوْ بِمَاذَا؟ قَالَ (الصادق) ﷺ: وَ لَيْسَ فِي النَّاسِ رَجُلٌ أَشَدُّ مِنْهُ بَأْسًا فَيَقُومُ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الْمَوَالِي فيقولُ ﷺ لَهُ لَتَسْكُنَنَّ أَوْ لِأَضْرِبَنَّ عُنُقَكَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يُخْرِجُ الْقَائِمُ ﷺ عَهْدًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

«حضرت قائم (عج) دشمنان را به قتل می‌رساند تا به بازار می‌رسد، حضرت امام صادق ﷺ فرمود: [در این هنگام] مردی از سادات به آن حضرت می‌گوید: شما مردم را چونان شتر مرغ فراری می‌دهی، آیا این کار با اجازه رسول خدا ﷺ است یا چیز دیگر؟... آن حضرت عهد نامه‌ای از رسول خدا ﷺ را بیرون می‌آورد.»

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷

۴۱- عن محمد بن جعفر عن أبيه ﷺ قال:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ (فِي) كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانظُرْ إِلَيَّ كَفِّكَ وَأَعْمَلْ بِمَا فِيهَا....

«هنگامی که حضرت قائم ﷺ قیام کند در تمام مناطق زمین، به سوی هر منطقه مردی را گسیل می‌دارد و بدو می‌گوید: دستور العمل تو در کف دست توست، هرگاه با مسأله‌ای برخورد کردی که درکی از آن نداری و حکمش را نمی‌دانی، به کف دست خود بنگر و هر حکمتی که در آن بود بدان عمل کن....»

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵

۴۲- قال رسول الله ﷺ:

يَخْرُجُ مِنْ عِثْرَتِي يَمْلِكُ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا.

«از اهل بیت من کسی خروج کند که هفت یا نه سال حکومت کند و زمین را از عدل و قسط پر سازد.»

احمد بن حنبل: مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸

۴۳- قال أبو عبد الله الصادق ﷺ:

أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ إِلَيَّ الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ.

«نخستین کسی که به دنیا باز می‌گردد حسین بن علی بنده است.»

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، جلد ۵۳، ص ۴۳

۴۴- قال النبي ﷺ:

...و يُبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْتُ مِنْ الشَّامِ فَيُخَسَفُ بِهِمْ بِالْبَيْدَاءِ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ ...

«... لشگری از شام به سوی وی گسیل می‌شود، که در بیداء (بیابان ما بین مکه و مدینه) در زمین

فرو می‌روند.» سجستانی، سلیمان: سنن ابی داود، ص ۷۱۳، چاپ بیروت

۴۵- عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى الْخَلْبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ:

... فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ ...

«لشگر سفیانی به سوی وی رهسپار می‌شود...» عیاش السلمی، محمد: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۷-

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۲

۴۶- عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ﷺ أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ ﷺ:

لَا بَدَّ أَنْ يَمْلِكَ بَنُو الْعَبَّاسِ فَإِذَا مَلَكَوْا وَ اِخْتَلَفُوا وَ تَشَتَّتَ أَمْرُهُمْ خَرَجَ عَلَيْهِمُ الْخُرَّاسَانِيُّ وَ

السُّفْيَانِيُّ هَذَا مِنَ الْمَشْرِقِ وَ هَذَا مِنَ الْمَغْرِبِ ...

(ابوبکر حضرمی می‌گوید از امام باقر ﷺ شنیدم که می‌فرمود: بی‌گمان بنی عباس حکومت را به دست

می‌گیرند پس آن‌گاه که چنین شد و اختلاف پیدا کردند و آرایششان متفرق گردید، خراسانی از مشرق

و سفیانی از مغرب بر ضدشان قیام کنند...)

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲

۴۷- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَالْخُرَّاسَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ وَ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ .

امام صادق ﷺ فرمود: قیام سفیانی و خراسانی و یمانی، در سال واحد، ماه واحد و روز واحد خواهد بود.

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲

۴۸- الإمام علي عليه السلام:

إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ «إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ وَيُشْرَبُونَ حُبَّهُ، فَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ.

«امام علی علیه السلام فرمود: هنگامی که ندا دهنده‌ای از آسمان ندا دهد «حق در آل محمد است» در این هنگام حضرت مهدی (عج) ظهور کند و [نام وی] بر سر زبان‌ها افتد و مردم او را چون جان شیرین دوست دارند و حرفی جز یاد او در محافلشان نباشد.»

محمدی ری شهری، محمد: میزان الحکمه، ج ۱، ح ۱۲۳۱

۴۹- قال الصادق عليه السلام:

لَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَكَّةِ حَتَّى يَسْمُ لَهُ الْعَهْدُ وَ...

«حضرت مهدی (عج) از مکه خارج نمی‌شود مگر آن‌که بیعت با او تمام شود...»

الحلی، حسن بن سلیمان: مختصر بصائر الدرجات، ص ۲۰۲

عنوان بحث: میزگرد دومین گفتمان مهدویت و پرسش و پاسخ

۵۰- قال السجادة عليه السلام:

تَمَّتْ الْعِيبَةُ بَوْلِيِّ اللَّهِ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالْأئِمَّةِ بَعْدَهُ
يَا أَبَا خَالِدٍ

إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ وَالْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لظهوره ﷺ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ ...

«ای اباخالد! غیبت ولی دوازدهم خدا - از جانشینان رسول خدا و امامان پس از او - طولانی می‌شود. همانا مردم زمان غیبت او و عقیده‌مندان به امامت و منتظران ظهور وی، از مردم تمام دورانها برترند...»

مجلسی، محمد باقر: بحار، ج ۳۶، ص ۳۸۶

۵۱- رَوَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

لَوْلَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ ﷺ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالذَّابِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَالْمُنْقِذِينَ لضعفاء عبادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إبليس وَمَرَدَّتِهِ وَمَنْ فِخَاخِ التَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا أَرْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَلَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ أَرْمَةَ قُلُوبِ الضُّعَفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمَسِّكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

«از امام دهم حضرت هادی علیه السلام روایت شده که فرمود: اگر نبودند دانشمندانی که پس از غیبت قائم شما مردم را به سوی وی دعوت می‌کردند و بدو رهبری می‌نمودند و با حجت‌های الهی از دینش دفاع

می‌کردند و مستضعفان از بندگان خدا را از دام ابلیس و گردنکشان وی و از تله ناصبیهها نجات می‌دادند، کسی باقی نمی‌ماند جز آنکه از دین خدا بر می‌گشت، ولیکن آن دانشمندان کسانی هستند که رشته دل‌های ضعیفان شیعه را بدست می‌گیرند، چنان‌که صاحب کشتی (ناخدا) سکان آن را به دست می‌گیرد [و آن را هدایت می‌کند]. آنان نزد خدای عز و جل از دیگر مردم برترند.

الطبرسی: الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷

۵۲- عن ابی عبداللّٰه علیه السلام:

... يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْإِمَامِ عليه السلام يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ وَيُحْفُونَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَيَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ... رجالات لا ينامون الليل لهم دوي في صلاتهم كدوي النحل يبيتون قياماً على أطرافهم ويصبحون على خيولهم زهبان بالليل ليوث بالنهار هم أطوع له من الأمة لسيدها...

«به زین اسب امام دست کشند تا برکت یابند و گرداگرد او بگردند و [در نبردها] با جان خویش یاری‌اش کنند و او هر چه از آنان بخواهد کفایتش کنند. مردانی هستند که شب نمی‌خوابند. در نماز خویش صدایی چون صدای زنبوران عسل دارند. شب را به پست دادن پیرامون خویش می‌گذرانند و روز را بر اسبان خود: راهدان شب و شیران روزند. اطاعت پذیرتر از کنیز به سرور خویشند.

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸

۵۳- قال الصادق عليه السلام:

... و قد أحاطوا بين الخافقين ليس من شيء إلا وهو مطيع لهم حتى سباع الأرض و سباع الطير تطلب رضاهم في كل شيء حتى تفخر الأرض على الأرض و تقول مرّ بي اليوم رجل من أصحاب القائم (عج).

«هیچ چیزی روی کره زمین نیست مگر آنکه فرمانبردار آنها باشد. حتی درندگان روی زمین هم تسلیم می‌شوند. پرندگانهم رضایت ایشان را در همه حال می‌طلبند تا بدانجا که زمین به هنگام قدم نهادن آنان بر خود، می‌بالد و گوید امروز مردی از یاران قائم (عج) بر من مرور کرده است.

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷

۵۴- قال أبو الصلت الهروي، قلت للرضا عليه السلام أنت صاحب هذا الأمر؟

قال عليه السلام:

أنا صاحب هذا الأمر ولكنني لست بالذي أملاها عدلاً كما ملئت جوراً... إن القائم هو الذي

إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنَظَرِ الشُّبَّانِ....

«به امام رضا^{علیه السلام} عرض کردم: آیا صاحب این امر (امامت) هستید؟ فرمود: بله ولی آن کس نیستیم که زمین را از عدل پر می‌سازد چنان که از ظلم پر شده است.» «قائم (عج) کسی است که هنگام ظهور در سن کهنسالان و قیافه جوانان است...»
 شیخ طوسی: اعلام الوری، ص ۴۳۴

۵۵- قال الرضا^{علیه السلام}:

... يَكُونُ قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صُخُورُهَا وَ يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى^{علیه السلام} وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ^{علیه السلام} ذَلِكَ الرَّابِعُ مَنْ وُلِدِي يُعَيِّبُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فِيمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا.
 «حضرت مهدی (عج) آنچنان نیرومند خواهد بود که اگر به سوی بزرگ‌ترین درخت روی زمین دست بگشاید آن را از جا برکند و اگر میان کوه‌ها فریاد کشد صخره‌های کوه متلاشی شوند. با او عصای موسی و خاتم سلیمانی است... او فرزند چهارم من است... خدا و را در پس پرده غیب تا زمانی که بخواهد نگه دارد، پس ظاهرش سازد و او زمین را پر از داد کند چنان که از ظلم پر شده است.»

کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۳۱

۵۶- دعا

...إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ يُوتِكُمْ... .

«...اراده خداوندی در جریان مقادیر امور به سوی شما فرود می‌آید و از منازل شما صادر می‌شود...»

کلینی، یعقوب: الکافی، جلد ۴، ص ۵۵۷

مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۵۳

۵۷- زیارت رجبیه

...أَنَا سَائِلُكُمْ وَ آمِلُكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّفْوِيضُ وَ عَلَيْكُمْ التَّعْوِيضُ... .

«...من از شما می‌خواهم و به شما امید بسته‌ام در آنچه به شما تفویض شده و بر شماست

عوض دادن...»
 قمی، شیخ عباس: مفاتیح الجنان، ص ۲۵۷

شیخ صدوق: مَنْ لَا يُخْضِرُهُ الْفَقِيهَ، ج ۲، ص ۵۹۶

فهرست اعلام

- آدم ﷺ: ۱۱۹، ۷۲
 آقا میرزا نجم‌الدین: ۹۳
 ائمه اطهار ﷺ: ۱۲۷
 اباعبدالله ﷺ: ۳۳
 ابراهیم ﷺ: ۱۰۷، ۴۱
 ابلیس (علیه اللعنة): ۱۴۵، ۷۴
 ابن ابی‌الحدید: ۳۵، ۳۴
 ابن الجوزی: ۸۹
 ابن عباس: ۸۷
 ابن حجر هیثمی: ۱۴۴، ۳۹، ۳۸
 ابن خلدون: ۱۴۴
 ابن عربی: ۴۱
 ابن فتال نیشابوری: ۱۴۶
 ابن قولویه: ۳۵
 ابن ماجه: ۹۲، ۹۰، ۸۳
 ابوبصیر: ۱۴۷، ۲۸
 ابوبکر: ۸۶، ۸۵
 ابوجعفر ﷺ: ۱۰۱، ۲۴
 ابوجعفر منصور: ۸۶
 ابوحنیفه: ۹۴
 ابوداوود (ابی داوود): ۳۹، ۸۹، ۹۰، ۹۲،
 ۱۱۱، ۱۰۷
 ابوذر (ابی ذر): ۸۴، ۸۳
 ابوریه (شیخ محمود): ۹۵
 ابوسفیان: ۹۷
 ابوصالح: ۹۱
 ابو صلت هروی: ۱۳۴
 ابوموسی اشعری: ۸۵
 ابوهریره: ۹۱
 ابی‌القاسم محمد ﷺ: ۱۳، ۹۹
 ابی‌سلمی: ۸۸
 ابی‌عبدالرحمن السلمی: ۸۶
 ابی‌عبدالله ﷺ: ۱۲۴، ۱۲۱
 ابی‌عبدالله الصادق ﷺ: ۱۲۴
 احمد امین مصری: ۱۴۴
 احمد بن حنبل: ۱۲۶، ۸۶، ۸۳
 ادريس ﷺ: ۷۵، ۷۴، ۵۱
 الیاس ﷺ: ۱۲۲، ۱۷۵
 امام ﷺ: ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۸، ۳۳، ۳۸، ۹۵،
 ۱۲۰، ۱۳۰، ۱۴۵، ۱۵۱

امام حسن <small>ؑ</small> : ۹۳	امام علی <small>ؑ</small> (علی بن ابی طالب،
امام حسن عسکری <small>ؑ</small> : ۱۴، ۴۰، ۴۱، ۹۳،	امیر المؤمنین): ۳۴، ۴۱، ۷۸، ۹۳، ۹۴،
۱۲۳، ۹۶	۱۲۸، ۱۲۷، ۱۱۱
امام حسین <small>ؑ</small> : ۳۵، ۳۶، ۴۱، ۱۰۵، ۱۰۶،	امام علی النقی <small>ؑ</small> (ہادی): ۴۱، ۹۶، ۱۴۵،
۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۵، ۱۲۶	امام مالک: ۱۰۶
امام دوازدهم (عج): ۱۱۱، ۱۵۷	امام محمد باقر <small>ؑ</small> : ۱۸، ۴۱، ۱۴۸
امام رضا <small>ؑ</small> : ۴۱، ۹۴، ۱۳۴	امام محمد تقی <small>ؑ</small> : ۴۱
امام زمان (امام عصر، مہدی، قائم،	امام موسی صدر: ۱۰۳، ۱۱۲
حجة بن الحسن، حجة الله، حجت،	امام موسی کاظم <small>ؑ</small> : ۴۱
بقیة الله، ولی عصر، محمد بن حسن،	ام سلمہ: ۹۲، ۹۳
صاحب الزمان): ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶،	امینی، ابراہیم: ۱۱، ۱۳
۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷،	امینی (علامہ): ۳۵
۳۲، ۳۳، ۳۶، ۳۸، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۴۸،	اہل الارض: ۱۲۴
۵۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۸۱، ۸۲،	اہل ذکر: ۲۹، ۳۱
۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۵، ۹۶،	اہل بیت <small>ؑ</small> : ۳۹، ۸۳، ۹۱، ۹۹، ۱۰۳،
۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷،	۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۶،
۱۱۰، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱،	۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۴۵، ۱۵۵
۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷،	اہل کوفہ: ۱۲۵، ۱۲۶
۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴،	بن باز: ۱۱۱
۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷،	بنی اسرائیل: ۳۲، ۳۳، ۳۸، ۱۴۹
۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸،	بنی امیہ: ۹۷، ۱۰۷
امام سجاد <small>ؑ</small> (زین العابدین): ۴۱، ۱۰۳،	بنی عباس: ۱۱۱
۱۴۵	بیہقی: ۱۰۳
امام صادق <small>ؑ</small> : ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۱، ۳۳، ۴۱،	پاپ: ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۵۷
۸۸، ۹۴، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۴۶، ۱۴۷،	پاپ اوّل: ۱۵۶
۱۵۳	پاپ ژان پل دوم: ۱۳۵
	پطرس: ۱۳۵

- پیامبر ﷺ (پیغمبر، اکرم، اسلام، خاتم): ۱۱۱، ۸۹، ۸۴، ۱۱۱
 خلیفه دوم: ۱۱۱، ۸۹، ۸۴
 پیامبران (پیغمبران): ۱۵۶، ۱۲۱، ۸۸، ۳۰، ۹۰، ۳۹
 ترمذی: ۹۰، ۳۹
 تفتازانی: ۱۴۴
 ثامن الائمه: ۱۳۴
 جزیره خضرا: ۱۱۹
 جعفر کذاب: ۱۲۳
 جلال الدین سیوطی الشافعی: ۹۰، ۸۷، ۸۶
 حجاج بن یوسف ثقفی: ۱۴۸، ۱۴۷
 حجت حق: ۳۵
 حسن بن سلیمان الحللی: ۱۳۰
 حفصه: ۸۶
 حکم بن عاص: ۸۴
 حمیدی: ۹۱، ۹۰
 خامنه‌ای (آیت‌الله): ۱۳
 خراسانی: ۱۲۹
 خضر: ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۱۸، ۱۱۷
 خطباء الخوارزم: ۸۸
 خلیفه: ۱۰۲، ۸۵، ۴۱، ۴۰
 خلیفه اول: ۱۱۱
 خلیفه سوم: ۱۱۱
 خلیفه فاطمیین: ۱۰۸
 داوود: ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۰۴، ۳۷، ۳۶
 دجال: ۱۲۸، ۱۲۲، ۹۷
 ذهبی: ۱۴۴، ۸۷، ۸۶، ۸۵
 رسول الله ﷺ (رسول، رسول خدا، رسول اکرم، محمد مصطفی، خاتم الأنبیاء): ۴۱، ۳۹، ۳۳، ۱۸، ۱۳، ۹۱، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۴، ۸۳، ۸۱، ۴۵
 ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۱، ۱۲۴، ۱۲۴
 ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۶
 روح القدس: ۱۳۶
 روح الله: ۸۷
 رهبر: ۱۵۱، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۲، ۶۹، ۱۴
 ۱۵۲
 رهبر معظم انقلاب: ۱۳
 زرتشتی: ۱۵۵، ۱۳۸
 زهرا: ۱۱۲، ۹۳، ۴۱، ۳۹، ۳۴
 سبط ابن جوزی: ۸۷
 سفاح: ۱۱۱
 سفیانی: ۱۲۹، ۹۷
 سلیمان: ۱۳۴، ۱۲۱
 سلیمان بن الأشعث السجستانی: ۱۲۹
 سودانی، مهدی: ۱۰۸
 سید بن طاووس: ۱۵۱، ۷۴
 سید عباس علوی مالکی: ۱۰۸

- سید هاشم رسولی محلاتی: ۱۲۱
 شعرانی (شیخ عبدالوهاب): ۴۲، ۴۰
 شهر بن هوشب: ۱۴۷
 الشیخ ابراهیم الحموینی الشافعی: ۸۷
 شیطان: ۷۸، ۷۵، ۷۳، ۷۲، ۳۹
 صدوق (شیخ): ۱۳۳، ۹۵، ۸۴، ۳۶
 صلاح الصابی: ۱۱۲
 طباطبایی (علامه محمد حسین): ۷۳، ۷۲
 طبرسی (شیخ): ۱۰۴، ۱۰۲، ۱۰۱
 طبری: ۱۰۵، ۸۵
 طوسی (شیخ): ۱۴۷، ۱۳۴
 عبدالله بن سبا: ۹۵
 عبدالله بن سنان: ۱۲۴
 عبدالله بن عمر: ۸۹
 عبدالله بن عمرو بن عاص: ۱۰۶، ۱۰۵، ۸۳
 عبدالله بن مسعود: ۹۰
 عبدالناصر: ۱۱۲
 عبد خدایی (محمد هادی): ۱۳۳، ۱۳۱
 عبیدالله بن مهدی: ۱۰۸
 عثمان: ۸۶
 عثمان بن عنبسه: ۹۷
 عسکری، مرتضی (علامه): ۱۰۴، ۸۱، ۴۳
 علی محمد باب: ۹۷
 عمّار: ۸۳
 عمر بن خطاب: ۸۵
 عمر بن عبدالعزیز: ۸۶
 عیسی بن مریم علیه السلام (مسیح): ۴۰، ۳۹، ۳۸
 ۵۰، ۸۳، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۲۲، ۱۳۵، ۱۳۶
 ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۶
 ۱۶۰، ۱۵۸
 فرزندق: ۱۰۵
 فرعون: ۳۲
 فلاسفه: ۵۶
 فوکویوما: ۷۱
 قرنوی: ۱۴۴
 قریش: ۸۳، ۴۰
 قمی، شیخ عباس: ۳۶
 کشیش: ۱۳۹
 کلینی علیه السلام (ثقة الاسلام): ۹۵، ۷۸، ۷۶، ۳۶
 کورانی (علی): ۱۱۵، ۴۳
 لگنهاوسن، محمد: ۱۵۵، ۱۳۱، ۴۳
 مالک اشتر: ۱۳۰
 متقی هندی: ۹۱
 متوکل: ۹۶
 مجلسی، محمد باقر: ۲۷، ۲۵، ۲۴، ۱۸، ۱۶
 ۴۰، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۶، ۹۱، ۱۰۱
 ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹
 ۱۵۲، ۱۴۴
 محمد بن حنفیه: ۱۰۶
 محمد بن عبدالله: ۱۰۶
 محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن: ۱۰۷
 محمد بن عیاش السلمی: ۱۲۱
 محمد علوی مالکی: ۱۰۸
 محی الدین ابن عربی: ۴۲، ۴۱، ۴۰

مختار: ۱۰۶	نفس زکیه: ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۱
مسعودی: ۹۶	نوح <small>علیه السلام</small> : ۷۶
مسلم بن الحجاج نیشابوری (نیشابوری):	واعظ زاده خراسانی، محمد (آیت الله): ۴۳،
۸۴	۹۹
معاویه: ۱۰۵	ولی الله: ۱۲۲، ۱۴۵
معرفت، محمد هادی (آیت الله): ۲۷، ۱۱	ویشنو: ۱۴۸
مفضل بن عمر: ۳۳	هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (آیت الله): ۴۳،
مقاتل بن سلیمان: ۳۸	۴۵
منصور عباسی: ۱۰۷، ۱۱۱	هرمز: ۱۴۹
موسی <small>علیه السلام</small> : ۳۲، ۷۹، ۱۰۴، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۳۴	یحیی <small>علیه السلام</small> : ۱۵۶
موفق بن احمد الحنفی: ۸۸، ۸۹	یحیی بن زید: ۱۱۲
نبی <small>علیه السلام</small> : ۷۴، ۱۱۷، ۱۲۷	یزید: ۱۰۶، ۱۴۴
نجم الدین طبسی: ۹۳، ۱۳۱، ۱۴۳	یثویه: ۱۴۹
النعمانی، محمد بن ابراهیم: ۱۹	

فهرست ادیان، مکاتب و فرق

حزب اسلامی رفاه: ۶۹	اسلام: ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴
حزب اسلامی فضیلت: ۶۹	۲۶، ۴۰، ۴۵، ۴۶، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۵، ۵۶
دیالکتیک: ۵۱	۷۱، ۷۴، ۷۷، ۹۲، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۲
زرتشت: ۱۴۹	۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۶
الزندقه: ۳۸	۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۸
سرمایه‌داری: ۵۱، ۵۲	۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱
سوسیالیزم (سوسیالیست): ۵۲، ۵۴، ۷۷	اسماعیلی: ۱۲۳
شیعه (تشیع): ۱۳، ۱۴، ۲۷، ۳۴، ۳۵، ۳۶	انگلیکن: ۱۳۹
۳۸، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۲	اهل البدع: ۳۸
۱۱۳، ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۸	اهل ذمه: ۱۴۷
۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۶	اهل سنت (تسنن، سنی): ۱۳، ۱۴، ۲۷
۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹	۳۴، ۳۵، ۴۰، ۴۳، ۸۱، ۸۴، ۹۳، ۹۵
فاطمیین: ۱۰۸	۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳
فریقین: ۱۰۳، ۱۰۹	۱۲۲، ۱۲۶، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۹
کاتولیک (کاتولیک‌های ارتدکس): ۱۳۸	اهل کتاب: ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۸۲، ۹۱، ۱۴۶
۱۴۰، ۱۵۹	۱۴۷، ۱۴۸
کمونیسم: ۵۲	بت‌پرستی: ۲۱
لائیک: ۶۸	بودایی: ۲۱
ماتریالیسم: ۵۱	بهائیت: ۱۳۸
ماتریالیسم تاریخی: ۵۱	پروتستان: ۱۳۹، ۱۵۹
مارکسیسم (مارکسیزم): ۵۱، ۵۴، ۵۵	پوچگرایی: ۵۷

نصارا (نصرانیت): ۱۵، ۱۴۶	مالکی: ۱۰۸
یهود (یهودی): ۱۵، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۶۷،	مسیحیت: ۵۰، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱،
۱۰۴، ۱۲۸، ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۶۰،	۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷،
	۱۵۸

فهرست مکان‌ها، کشورها، شهرها و مراکز

جزیره: ۶۰	آفریقا: ۱۰۸، ۱۰۷
جزیره خضرا: ۱۱۹	آمریکا: ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳
چین: ۶۱، ۶۹	۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۷
حجاز: ۲۹	۱۱۷، ۱۵۹، ۱۶۰
حوزه: ۱۳، ۲۷، ۴۵، ۸۱، ۱۱۵، ۱۳۳، ۱۴۴	استانبول: ۸۷
حوزه‌های (علمیه، مقدسه): ۴۷، ۷۱، ۷۸	افغانستان: ۱۱۲
۹۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳	انگلیس: ۶۰
خارطوم: ۱۰۸	اورشلیم: ۱۶۰
خاور میانه: ۶۷	ایتالیا: ۱۳۷
دانشکده اصول الدین: ۹۰	ایران: ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۷
دانشگاه: ۳۵، ۶۸، ۸۱، ۹۵، ۱۱۲، ۱۱۵	۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۲۵
۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۱	۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹
دانشگاه مشهد: ۱۱۲	بحر: ۱۱۷
دانشگاه‌های پایی: ۱۴۰	بر: ۱۱۷
دانشگاه‌های پزشکی: ۱۴۱	بصره: ۱۰۷
دانشگاه‌های کاتولیکی: ۱۴۰، ۱۴۱	بغداد: ۹۵
دفتر تبلیغات اسلامی: ۴۵، ۴۷، ۷۹	بهشت: ۶۴، ۱۲۶
ده: ۱۵	ترکیه: ۴۲، ۶۸، ۶۹
رُم: ۱۴۱	تلویزیون جام جم: ۱۳۸
روسیه: ۶۸، ۱۱۷	تونس: ۱۰۸
سازمان تبلیغات اسلامی: ۴۵، ۷۹	تهران: ۹۵، ۱۱۲، ۱۳۹

کلیسا: ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۵۹	سازمان ملل: ۴۹، ۶۰، ۶۷
کوفه: ۹۷، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۰، ۱۲۵	سنتی جدیو (مؤسسه): ۱۴۰
لبنان: ۱۲۵	سودان: ۱۰۸
لندن: ۳۷	سومالی: ۱۰۸
مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸	شام: ۹۷، ۱۲۸، ۱۴۷، ۱۵۱
مدینه: ۸۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۰	شرق: ۷۷، ۸۸، ۱۱۷، ۱۶۰
۱۲۲	شوروی: ۱۶۰
مسجد: ۷۷، ۸۶، ۹۶، ۹۷، ۱۲۵، ۱۴۷	طالقان: ۱۱۲
مسجد سهله: ۱۴۷	عراق: ۶۸، ۱۲۰
مسجد کوفه: ۹۷، ۱۲۵	عربستان: ۷۰
مشهد: ۱۰۵	غرب: ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۷۱، ۷۷
مکه: ۵۰، ۹۶، ۹۷، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۳۰، ۱۵۱	۱۵۹، ۱۱۷، ۸۸
مهد کودک: ۱۴۰	فلسطین: ۶۷، ۶۹
مهدیه: ۱۰۸	قریه: ۱۵
مؤسسه فرهنگی انتظار نور: ۴۶، ۴۷	قطر: ۷۰
نجف: ۱۲۵	قم: ۴۷، ۱۳۲، ۱۴۴
نیویورک: ۶۰، ۶۵	قونیه: ۴۲
واتیکان: ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱	کاریتاپلیتیکا (مؤسسه): ۱۴۰
واشنگتن: ۶۵	کاریتاس (مؤسسه): ۱۴۰
یثرب: ۲۹، ۱۱۶	کانال سوئز: ۶۸
	کعبه: ۱۱۷

فهرست اصطلاحات

آخر زمان (آخر الزمان): ۳۴، ۳۸، ۳۹، ۵۱	استخلاف: ۱۰۱، ۱۰۲
۷۱، ۸۳، ۸۹، ۹۲، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۲۷، ۱۵۶	استراتژی (استراتژیک): ۵۳، ۷۰
۱۶۰، ۱۵۷	استعمار: ۱۰۸
آزادی: ۱۳۸، ۶۴	استکبار: ۷۸، ۶۶
آفت: ۶۱	اصحاب: ۲۶، ۳۴، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۸
ائمه <small>علیهم السلام</small> : ۲۹، ۳۶، ۴۸، ۸۸، ۸۹، ۹۴، ۹۵	۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۵۳
۹۶، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۰	اصحاب کهف: ۱۲۷
۱۳۴، ۱۳۵، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸	اعتیاد: ۵۹
ابتدال رسانه‌ای: ۶۲	اعجاز: ۷۸، ۷۹، ۱۱۰
احزاب: ۶۳	اقتصاد: ۴۹، ۶۴
اخلاق: ۲۴، ۵۸، ۱۴۱	امسئیت: ۳۷، ۴۹، ۶۰، ۶۲، ۶۷، ۶۸، ۷۵
ادیان آسمانی: ۱۳، ۱۵	۸۲، ۱۵۱
اراده ازللی: ۳۲، ۳۳، ۳۷	انبیا: ۴۷، ۵۱، ۸۹، ۱۲۶
ارزش‌ها: ۲۳، ۵۶، ۶۲	انتخابات: ۶۲، ۶۳، ۶۴
اسباب نزول: ۲۸	انتظار: ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۴۶، ۸۳
استبداد: ۶۳	۸۸، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۳۶، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۰
استثمار: ۶۵، ۶۶، ۷۸	انسان: ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۶۰
استحاله: ۱۲۲	۶۳، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۱۰۸، ۱۱۸
استحاله عادی: ۱۲۲	۱۱۹، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۵۱، ۱۵۷
استحاله عرفی: ۱۲۲	۱۵۸
استحاله عقلی: ۱۲۲	اهل ذکر (أهل الذکر): ۲۹، ۳۱

جمهوری: ۶۳، ۶۴	ایدئولوژی: ۵۳
جمهوری اسلامی: ۶۹، ۷۸	اینترنت: ۴۷، ۵۲، ۶۲، ۷۶
جنگ: ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۹۷، ۱۶۰	بانک جهانی: ۴۹
جنگ روانی: ۶۲، ۶۶	بحران خانواده: ۵۷
جهاد: ۱۷، ۲۰	بشریت: ۴۵، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۷۳، ۷۶، ۷۸
جهان اسلام: ۴۵، ۵۵	۸۲، ۸۳، ۱۱۷، ۱۳۶، ۱۵۸
جهان بینی: ۴۸، ۵۳، ۷۱	بطن قرآن: ۲۹
جهان سوم: ۷۱	بی بند و باری جنسی: ۵۹، ۶۱، ۶۲
حاکمیت: ۵۰، ۵۱، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۸۸	پیشرفت: ۵۵، ۶۲، ۷۶، ۱۲۶، ۱۴۹
حدیث: ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۳۹، ۴۰، ۸۳، ۸۴	پیمان (و عقد) اتفاق: ۱۲۴
۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۷	تبشیر: ۱۳۹
۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۲۰	تبعیض: ۶۰، ۷۸
۱۲۹، ۱۴۴، ۱۵۰	تبلیغات: ۲۴، ۱۳۹، ۱۵۹، ۱۶۱
حرز: ۹۴	تثلیث: ۱۳۶
حریم: ۶۲	تجسد: ۱۳۶
حزب: ۶۳، ۶۴، ۶۹	تحریف: ۸۲، ۸۳، ۱۲۷
حزب الهی: ۱۶۰	تشریح: ۱۱۵
حقوق (بشر، انسان، انسانیت): ۶۱، ۶۸	تکامل بشر (انسان، انسانی): ۵۱، ۷۷
۱۴۱، ۶۹	تکنولوژی: ۷۶
حکومت: ۱۴	تکوین: ۱۱۵
حکومت اسلامی: ۴۵، ۷۱	تنصیر: ۱۳۹، ۱۴۰
حکومت امام زمان (مهدی، حضرت مهدی،	توحید: ۲۱، ۵۴، ۷۴، ۱۳۶
حجت بن الحسن العسکری (عج): ۱۱	توقیت: ۱۲۱
۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۵، ۲۶	جبهه (الجبهه): ۲۵، ۹۰
۴۸، ۵۳، ۷۱، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۹۵، ۱۰۲	جزیره امن: ۶۰
۱۱۳، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۵۹	جزیه: ۱۴۷
حکومت واحد جهانی: ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۲۱	جَسَاسه: ۱۴۴

دنیای صنعتی: ۵۱	۷۱، ۵۹، ۵۶، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۵، ۴۳
دهکده جهانی: ۴۹	خاتم الأنبياء ﷺ: ۹۲، ۸۱
راهب (راهبه): ۱۳۹	خاتم سلیمان ﷺ: ۱۳۴، ۱۲۱
رجعت: ۵۴، ۷۸، ۹۵، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۴۶	خانواده: ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۴۹
رسانه‌ها: ۶۰، ۶۲	خدای پدر: ۱۳۶
رستاخیز: ۳۸، ۳۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۱۵۷، ۱۵۸	خشونت: ۵۹
رقابت: ۷۰	خط فقر: ۶۱
روایات: ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۴۱، ۷۲، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۲، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۵، ۹۶	خلیفه گری: ۱۳۸
۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۶	دادگاه جهانی بین‌المللی ۴۹
۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۸	دادگستر جهان: ۱۱۰
۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶	دانش آموز: ۱۴۰
۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳	دشمنان: ۱۳۷، ۱۲۴، ۹۷، ۱۸
روایت: ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۳۹، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸	دعای عهد امام زمان (عج): ۱۳۰
۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۴	دمکرات: ۶۳، ۶۴
۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۱	دمکراسی: ۶۲
۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۴	دنیا (عالم، جهان): ۲۰، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱
۱۳۵، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷	۴۰، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۲۶، ۲۳، ۲۲، ۲۱
رهبر: ۱۳، ۱۴، ۶۹، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۱	۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۵، ۴۱
۱۵۱، ۱۵۲	۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۰، ۵۹، ۵۶، ۵۴
رهبری جهان: ۱۱۰	۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۲
ژنتیک: ۷۷	۸۳، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۹۷
سازمان ملل: ۴۹، ۶۰، ۶۷	۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۹
سبر و تقسیم: ۲۹، ۳۰	۱۱۰، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴
سربازان امام زمان (عج): ۱۳	۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷
سرخ‌پوستان: ۶۰، ۶۴	۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱
سفیدپوستان: ۶۱	دنیای تک قطبی: ۴۹، ۵۶

عالم اکبر: ۷۲	سفیر (سُفرا): ۱۳۹، ۱۲۳، ۳۹
عالم غیب: ۵۴	سنت: ۱۳، ۱۴، ۲۷، ۳۴، ۳۵، ۴۳، ۷۶، ۸۱
عباد صالح: ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۱۲	۸۴، ۹۰، ۹۳، ۹۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲
عدالت: ۱۶، ۲۱، ۵۲، ۵۵، ۵۶، ۷۸، ۸۲	۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۴۴، ۱۴۵
۱۵۷، ۱۴۱، ۹۳	۱۵۹
عرش الاهی: ۵۴، ۵۰	سوشیانت: ۱۴۹
عصای موسی: ۱۲۱	شایعه: ۶۲
علم الحدیث: ۹۵	شان نزول: ۲۸، ۳۲
علم رجال: ۱۲۸	شورای امنیت: ۴۹، ۶۷
عهدین: ۷۸	شورای امور مهاجرین و سیاران: ۱۳۹
غربی‌ها: ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۶۰، ۷۰، ۱۶۰	شورای پایی دیالگ: ۱۴۰
غیبت: ۱۴، ۸۸، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۱۱۶، ۱۱۹	شهادت: ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۵۲
۱۴۵، ۱۳۵، ۱۲۲، ۱۲۰	۱۵۳
غیبت صغرا: ۱۱۸، ۱۵۸	صالحان (صالحین، صالحون): ۱۴، ۱۵، ۳۲
فرقه: ۱۲۳	۳۷، ۳۴
فروع احکام: ۳۰	صلیب: ۱۵۸
فطرت: ۵۲، ۵۴، ۵۵	صندوق بین المللی پول: ۴۹
فریقین: ۱۰۳، ۱۰۹	صهیونیست‌ها: ۱۶۰
فقر: ۶۱	ظلم: ۱۶، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۴۱، ۸۹، ۹۰، ۱۰۳
فلسفه: ۳۵، ۵۱، ۷۲، ۱۱۰، ۱۴۰	۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۳۴، ۱۳۵
فیلسوف: ۵۳	ظهر قرآن: ۲۸
قیام: ۱۳، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۵، ۴۱، ۷۷، ۸۹	ظهور: ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷
۹۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲	۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۹، ۶۶، ۷۸، ۹۵، ۱۰۰
۱۵۲، ۱۲۹، ۱۲۶، ۱۲۴، ۱۲۱	۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۱
قیامت (القیامة): ۳۳، ۳۸، ۷۳، ۷۴، ۱۰۰	۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۴۵
۱۵۸، ۱۵۶، ۱۴۶، ۱۴۴، ۱۱۹	۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۱
کالکی: ۱۴۸	عالم اصغر: ۷۲

کتاب الله: ۸۴	معصوم (معصومین <small>علیهم السلام</small>): ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۵۶، ۱۵۷
کتاب های آسمانی: ۱۴۷، ۸۲	مکتب خلفا: ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۸
کَرَّة: ۷۸	ملحد: ۵۴
کشور: ۶۰، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۹، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۳۸	منتظر: ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۳۷، ۹۱، ۱۰۴، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۵۷
کمون: ۵۱	منتظران: ۱۳، ۲۵، ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۵۹
کنفرانس: ۱۳۸	منجی: ۱۷، ۳۲، ۴۷، ۵۲، ۸۲، ۸۳، ۱۱۱، ۱۳۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۸
گفتمان مهدویت: ۴۶، ۱۳۱، ۱۳۲	موعود (عج): ۱۳، ۲۳، ۹۳، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۴۸
ماهواره: ۷۶، ۶۲، ۵۶، ۵۲	مهاجرین: ۶۱، ۶۴، ۱۳۹
مبشر: ۱۳۹	مهدویت: ۴۵، ۴۶، ۵۲، ۹۷، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۴۴، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۱۱، ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۴۸
مُتَّقِینَ: ۸۱	مؤسسات: ۱۴۰
مدینه فاضله: ۷۳، ۵۶	مؤمنان (مؤمنین): ۷۷، ۹۲، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۵۸، ۱۱۹
مردم: ۱۶، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۴۱، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۶، ۷۷، ۸۲، ۹۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۶، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۹، ۱۵۲	مؤمنان (مؤمنین): ۷۷، ۹۲، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۵۸، ۱۱۹
مردم سالار: ۶۴	ناامنی: ۶۰، ۶۲
مزامله: ۷۸، ۷۷	نامشروع: ۵۸، ۶۱
مساوات: ۵۵، ۵۲	نبوت: ۲۹، ۳۰
مستضعفین: ۳۲، ۳۳	نژاد: ۶۰
مستکبرین: ۳۲، ۳۳	نفخه: ۷۳
مسلمانان: ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۲۷، ۴۱، ۸۳، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۳۳	وارثین ارض: ۳۲
مشرکان (مشرکین، مشرکون): ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۵۴، ۹۲، ۱۰۱	واسطه در فیض: ۳۵، ۳۶
معجزه: ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۴، ۴۸، ۱۱۰، ۱۲۲، ۱۰۰	وراثت: ۱۰۰

وظیفه: ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۱۱۸، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۰	یاران: ۲۲، ۲۶، ۹۶، ۹۷، ۱۰۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۰
ولایت: ۴۱، ۴۵، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۵۸، ۱۵۹	یونسکو: ۴۹
ولی: ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۸	یونیسف: ۴۹

فهرست کتابها

۱۴۱، ۱۳۳	ارشاد مفید: ۱۱۱
الجامع الصغير: ۹۰	اکمال الدين و اتمام النعمة (کمال الدين و
جامعه حضرت امير <small>عليه السلام</small> : ۹۴	اتمام النعمة): ۱۳۳
الجمع بين الصحاح الستة: ۹۰	اناجيل چهارگانه: ۱۴۱، ۱۳۶
جواهر: ۴۰	انجيل: ۱۳۵، ۹۱، ۸۲
حمایت از کلیساهای در رنج: ۱۳۷	اوستا: ۱۴۹
دائرة المعارف راجع به حضرت مهدي (عج):	بحار الانوار: ۱۶، ۱۸، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۴۰، ۷۳،
۱۰۳	۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۶، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۱۱،
ذکر: ۳۶، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۳۳	۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۴۴، ۱۴۷،
زبور (الزبور): ۳۶، ۳۷، ۴۶، ۴۷، ۸۲، ۹۹،	۱۵۲
۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۳۳	بخاری: ۹۰
سعد السعود: ۷۳، ۷۴	تاریخ الاسلام: ۸۶
سنن ابن ماجه: ۸۳، ۹۲	تاریخ الخلفاء: ۸۶
سنن ابو داوود (سنن ابی داوود): ۳۹، ۸۹،	تاریخ المقتل الحسين <small>عليه السلام</small> : ۸۸، ۸۹
۹۰، ۹۲، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۲۸	تاریخ طبری: ۸۵
سنن بیهقی: ۱۰۳	تذکره الحفاظ: ۸۵
شرح بر تهذیب و کافی: ۱۴۷	تذکره خواص الامه: ۸۹
شرح بر فقیه: ۱۴۷	تفسیر المیزان: ۷۲
شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۳۵	تفسیر صافی: ۳۱
الصادفه: ۱۰۵	تفسیر عیاشی: ۱۲۰
صِخَاحِ سِتِّ: ۸۳، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۱۰۹، ۱۲۲،	تورات: ۳۶، ۴۶، ۸۲، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۵،

- ۵۱: صحف آسمانی
 ۷۵، ۷۴: صحف حضرت ادریس عليه السلام
 ۹۰: صحيح ابن ماجه
 ۹۰: صحيح ابوداؤود
 ۹۲، ۹۰، ۸۴: صحيح بخارى
 ۹۰: صحيح ترمذى
 ۹۲، ۹۰، ۸۴، ۴۰: صحيح مسلم
 ۹۰: صحيح و مسند احمد
 ۳۹، ۳۸: صواعق المَحْرِقَه
 العرف الوردى فى الاخبار المهدى (عج):
 ۸۷
 غيبت طوسى: ۱۴۷
 الفتوحات: ۴۲، ۴۱، ۴۰
 فرائد السمطين: ۸۷
 فروردين گشت: ۱۴۹
 قرآن (القرآن، القرآن الكريم، قرآن مجيد):
 ۵۰، ۴۶، ۴۳، ۳۷، ۳۱، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۱۱
 ۱۰۲، ۱۰۰، ۹۹، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۲، ۷۱
 ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۶، ۱۲۷
 ۱۵۷، ۱۴۱
 قرآن الكريم و روايات المدرستين: ۸۲
 كتاب الغيبة (نعمانى): ۱۲۱، ۱۹
- ۱۶۰: كتاب مقدس
 ۹۱: كنز العمال
 ۹۶: مَرُوجُ الذَّهَبِ
 ۱۵۰، ۳۷، ۳۶: مزامير داوود عليه السلام
 ۹۲: مستدرک حاکم
 ۱۰۷: مسند ابى داوود
 ۹۰، ۸۶، ۸۵، ۸۳: مسند احمد بن حنبل
 ۱۲۶، ۹۱
 ۸۹: مصابيح السنة
 ۹۵، ۸۳: معالم المدرستين
 ۱۴۴: معجم احاديث الامام المهدى (عج)
 منتخب الاثر فى الامام الثانى عشر (عج):
 ۱۰۳
 الْمُنْتَظَر (مجله): ۱۰۸
 المهدى الموعود (عج) فى اخبار الطرفين:
 ۹۳
 المهدى (عج): ۱۰۳
 نهج البلاغه: ۳۴
 هوشع: ۱۴۹
 ينابيع الموده: ۱۰۴، ۱۰۳
 يواقيت: ۴۰

فهرست منابع و مأخذ

١. آقا ميرزا نجم الدين: المهدي الموعود في اخبار الطرفين
٢. ابن ابي الحديد: شرح نهج البلاغه
٣. ابن بطريق، يحيى ابن الحسن حلي: العمده
٤. ابن حنبل، احمد: مسند، ج ٥
٥. ابن عياش سلمى، محمد: تفسير عياشى
٦. ابن ماجه: سنن
٧. ابي جعفر الصدوق، محمد بن علي: علل الشرايع
٨. ابي داوود: سنن
٩. الاربلى، ابي الحسن علي بن عيسى: كشف الغمه، ج ٢
١٠. بندر ريگى، محمد: فرهنگ لغت ج ١
١١. تذكرة خواص الامة
١٢. حميدى: الجمع بين صحاح الستة
١٣. داوود عليه السلام: مزامير، ١٨
١٤. ذهبى: تذكرة الحفاظ
١٥. شرف الدين، علي الحسينى الاستر آبادى: تاويل الآيات الظاهره
١٦. شيخ صدوق: امالى
١٧. شيخ طوسى: اعلام الورى
١٨. شيخ مفيد: اختصاص
١٩. _____: امالى المفيد
٢٠. صافى، لطف الله: منتخب الاثر في الامام الثانى عشر (عج)

٢١. الصفار القمي، محمد: بصائر الدرجات
٢٢. طبرسي: الاحتجاج، ج ٢
٢٣. —: مجمع البيان
٢٤. طبري، محمد بن جرير: دلائل الامامة
٢٥. عاملي، شيخ حر: وسائل الشيعة، ج ٧
٢٦. عبده، محمد: كلمات قصار نهج البلاغه
٢٧. قمي، شيخ عباس: مفاتيح الجنان
٢٨. كليني، محمد بن يعقوب: الكافي، ج ٤
٢٩. متقي هندی: كنز العمال
٣٠. مجلسي، محمد باقر: بحار الانوار، مجلدات ٢٩، ٣٦، ٤٧، ٥١، ٥٢، ٥٣، ٥٤
٣١. محمدی ری شهري، محمد: ميزان الحكمة، مجلدات ٢-٣
٣٢. مسعودي، علي بن الحسين: مروج الذهب
٣٣. مسلم: صحيح
٣٤. مكارم شيرازي، ناصر: [ترجمه] قرآن كريم
٣٥. نعماني، محمد ابراهيم: كتاب الغيبة
٣٦. هيثمي، ابن حجر: الصواعق المحرقة

فهرست موضوعات

۷	فهرست اجمالی
۹	مقدمه

گفتمان اوّل

۱۳	حکومت امام مهدی (عج) (آیت‌الله ابراهیم امینی)
۱۳	عقیده به مهدی موعود
۱۴	قسمت اوّل
۱۴	ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (عج)
۱۷	قسمت دوم
۱۸	روایت اوّل: شباهت امام زمان (عج) به پیامبر ﷺ
۱۹	روایت دوم: چگونگی شکل‌گیری حکومت امام مهدی (عج)
۱۹	سؤال
۱۹	جواب امام ﷺ
۲۰	سئوال‌ها
۲۱	آرمان‌ها
۲۲	مراحل آماده‌سازی

۲۴	خاتمه بحث
۲۴	روایت اول: آمادگی عقلی
۲۴	روایت دوم: آمادگی برای ظهور
۲۷	امام مهدی (عج) در قرآن کریم (آیت‌الله محمدهادی معرفت)
۲۷	مقدمه
۲۸	جهت اول
۲۸	جهت دوم
۲۹	بطن قرآن چیست؟
۲۹	ضابطه تفسیر و تأویل
۳۰	مسأله نبوت
۳۱	ایراد و جواب
۳۲	بررسی آیات ظهور
۳۲	آیه اول
۳۶	آیه دوم
۳۷	آیه سوم
۴۱	نکته جالب

گفتمان دوم

۴۵	حکومت واحد جهانی (آیت‌الله علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی)
۴۸	حکومت جهانی
۵۰	مدعیان حکومت واحد جهانی
۵۰	الف) اسلام

- ب) مارکسیزم..... ۵۱
- ج) سرمایه‌داری..... ۵۱
- * پوچگرایی..... ۵۷
- * بحران خانواده..... ۵۷
- * اعتیاد..... ۵۹
- * خشونت..... ۵۹
- * مشکل امنیت..... ۶۰
- * تبعیض..... ۶۰
- * فقر..... ۶۱
- * بی‌بند و باری جنسی..... ۶۱
- * ابتدال رسانه‌ای..... ۶۲
- * بی‌اعتمادی..... ۶۳
- * سیستم آموزشی ناکارآمد..... ۶۴
- * اقتصاد بیمار..... ۶۴
- * وابستگی به منابع..... ۶۵
- * وابستگی به بازارهای دنیا..... ۶۶
- * نارضایتی مردم دنیا..... ۷۱
- بررسی چند آیه..... ۷۲
- اقوال در آیات..... ۷۳
- امام مهدی(عج) در احادیث اهل سنت..... (آیت‌الله علامه مرتضی عسکری)..... ۸۱
- مدخل بحث..... ۸۱

۸۲	مقدمه.....
۸۳	فرق مکتب اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و مکتب خلفاء.....
۸۷	احادیث مکتب خلفا.....
۸۷	حدیث اول.....
۸۸	حدیث دوم.....
۸۹	حدیث سوم.....
۸۹	حدیث چهارم.....
۹۰	حدیث پنجم.....
۹۱	حدیث ششم.....
۹۲	حدیث هفتم.....
۹۳	دو مطلب مهم.....
۹۹	امام مهدی (عج) در قرآن، سنت و تاریخ..... (آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی)
۹۹	مطلع بحث.....
۱۰۰	قرآن، سنت و تاریخ.....
۱۰۰	محور اول: امام مهدی (عج) در قرآن کریم.....
۱۰۰	عنوان اول.....
۱۰۱	عنوان دوم.....
۱۰۱	عنوان سوم.....
۱۰۲	محور دوم: بررسی مسأله در سنت و حدیث.....
۱۰۵	محور سوم: امام مهدی (عج) در تاریخ.....
۱۰۵	مورد اول.....

۱۰۶	مورد دوم.....
۱۰۶	مورد سوم.....
۱۰۹	روایات مهدویت نزد اهل سنت.....
۱۰۹	نکات پایانی.....
۱۰۹	کشتار و خونریزی؟!.....
۱۱۰	رهبری جهان.....
۱۱۱	شعارهای مدعیان مهدویت.....
۱۱۲	معنویت و امید.....

سخنرانی و پرسش و پاسخ درباره حضرت مهدی (عج)

۱۱۵	(حجت الاسلام والمسلمین آقای علی کورانی).....
۱۱۶	نور خدا در زمین.....
۱۱۷	ادامه بحث [به زبان عربی].....
۱۱۸	پرسش و پاسخ.....

میزگرد دومین گفتان مهدویت و پرسش و پاسخ

۱۳۳	پرسش و پاسخ..... (حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر محمدهادی عبد خدایی).....
۱۳۷	وظایف ما.....
۱۴۳	پرسش و پاسخ..... (حجت الاسلام والمسلمین آقای نجم الدین طبسی).....
۱۴۳	مقدمه.....
۱۴۸	توضیحات.....

۱۵۵	پرسش و پاسخ (آقای دکتر محمد لگنهاوسن)
۱۵۵	انتظار در ادیان
۱۵۶	سلسله معصومین <small>علیهم السلام</small>
۱۵۷	مرگ و عدالت در ادیان
۱۵۸	دو نکته مشترک در اسلام و مسیحیت

فهرست ضمیمه

۱۶۵	فهرست آیات
۱۷۱	فهرست روایات
۱۸۷	فهرست اعلام
۱۹۲	فهرست ادیان، مکاتب و فرق
۱۹۴	فهرست مکان‌ها، کشورها، شهرها و مراکز
۱۹۶	فهرست اصطلاحات
۲۰۲	فهرست کتاب‌ها
۲۰۴	فهرست منابع و مأخذ
۲۰۶	فهرست موضوعات
۲۱۲	آشنایی اجمالی با مؤسسه فرهنگی انتظار نور

آشنایی اجمالی با مؤسسه فرهنگی انتظار نور

بسم الله الرحمن الرحيم

مؤسسه فرهنگی انتظار نور به یاری خداوند سبحان و عنایات حضرت بقیةالله الاعظم (عج) در راستای تحقق اهداف نظام مقدس اسلامی، برای پاسداری از ارزش‌های ناب اسلامی در زمینه‌های علمی، پژوهشی، آموزشی و فرهنگی در متن حوزه علمیّه قم شکل گرفته است. این مؤسسه، با تکیه بر مبانی دینی و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام گام بر می‌دارد و بر آن است در کنار دیگر مراکز فرهنگی، با توجه به ضرورت‌ها و نیازهای جامعه، خدماتی در خور ارائه دهد.

این مؤسسه فرهنگی اهم فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را در دو سطح شناخت نیازها و پرسش‌های جامعه و پاسخگویی متقن، علمی و کاربردی به آن متمرکز ساخته است و امید دارد با لطف الهی و همکاری متفکران، صاحب نظران و پژوهشگران حوزه و دانشگاه وظایف خود را به انجام رساند.

اهداف مؤسسه

۱. اهداف پژوهشی - فرهنگی

الف) ارتقای سطح آگاهی دینی جامعه با سامان دادن پژوهش‌های متنوع در زمینه‌های مورد نیاز

ب) گسترش فرهنگ صحیح مهدویت و پیراستن اعتقاد به مهدویت از خطاها و

انحراف‌ها

(ج) ارتقای سطح فرهنگ و مذهب جوانان و نوجوانان
 (د) تبیین، تحلیل و اقدام علمی و فکری مناسب و مؤثر در پاسخ به پرسش‌های مطرح در جامعه بویژه مسائل پیرامون مهدویت و موعودگرایی در ادیان و مذاهب
 (و) پژوهش و تدوین کتب و مقالات دینی و علمی بالاخص درباره وجود مبارک حضرت مهدی (عج)

۲. اهداف پژوهشی - آموزشی

الف) پژوهش پیرامون موضوعات دینی، فرهنگی و اعتقادی
 ب) پژوهش پیرامون نیازها و مسائل علمی، اعتقادی ویژه حوزویان
 ج) پژوهش پیرامون مسائل فکری، فرهنگی و تربیتی جوانان و نوجوانان
 د) آموزش مفاهیم و معارف دینی در سطح جامعه
 ه) تدوین و تألیف کتب، مقالات و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در موضوعات مختلف برای طلاب و فضلاء حوزه بویژه پیرامون مباحث مهدویت
 و) تدوین و تألیف کتب، مقالات و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در موضوعات مختلف برای جوانان و نوجوانان

نگاهی گذرا به فعالیت‌های مؤسسه

فعالیت‌های پژوهشی

۱. گردآوری پرسش‌های مهدویت و شبهات مهدویت مطرح در منابع قدیم و جدید به همراه پاسخ‌های آنها با بررسی بیش از ۱۸۰۰ عنوان کتاب از کتب شیعه و کتب اهل سنت بیش از ۵/۰۰۰ پرسش و شبهه و به همراه پاسخ آنان استخراج شده است.
۲. گردآوری و بررسی پرسش‌های مربوط به مهدویت در جامعه با مطالعه ۲۰۰/۰۰۰ نامه و استخراج بیش از ۷۰۰۰ پرسش
۳. گردآوری دیدگاه‌ها و پرسش‌ها و شبهات موجود در رسانه‌های جهانی (اینترنت) درباره مهدویت، موعودگرایی، منجی‌گرایی و هزاره‌گرایی
۴. مصاحبه با محققان و فضلاء حوزه در خصوص موضوعات وابسته به مهدویت

۵. تألیف و تدوین ۱۴ جلد کتاب به شرح زیر درباره مهدویت:
 الف) کتاب مهدویت برای طلاب ۱ جلد
 ب) کتاب مهدویت برای جوانان در چهار موضوع مختلف ۴ جلد
 ج) کتاب مهدویت برای نوجوانان در چهار موضوع مختلف ۴ جلد
 د) کتاب مهدویت برای کودکان در قالب داستان ۴ جلد
 ه) مجموعه گفتارهای گفتمان مهدویت ۱ جلد

فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی

۱. برگزاری نخستین گفتمان مهدویت با عنوان بررسی مسائل اعتقادی مربوط به امام عصر (عج) در نیمه شعبان سال ۷۸ با حضور حضرات آیات امینی و معرفت
۲. برگزاری دومین گفتمان مهدویت با عنوان بررسی مسائل اعتقادی، سیاسی و اجتماعی مهدویت در نیمه شعبان سال ۷۹ با سخنرانی حضرات آیات هاشمی رفسنجانی، علامه عسکری و واعظزاده خراسانی. در این گفتمان، میزگرد علمی - پژوهشی، و پاسخ به پرسش‌ها با حضور: حجج اسلام آقایان کورانی، نجم‌الدین طبسی، دکتر عبد خدایی و دکتر لگنهاوسن بر پا گردید.
۳. برگزاری مسابقات کتابخوانی مهدویت پیرامون امام زمان (عج) در دو سطح و دو مرحله حضوری و غیر حضوری با نام‌های:
 الف) مسابقه سیره انتظار ۱ (ویژه طلاب مدارس حوزه علمیه قم)
 ب) مسابقه سیره انتظار ۲ (ویژه فضیای حوزه علمیه قم)
 این مسابقه‌ها، با جوایزی چون حج عمره و سفر به مشهد مقدس و نیز ویژگی‌های منحصر به فرد، برای نخستین بار در سال ۷۸ در حوزه علمیه قم برگزار شد و حدود ۶ هزار داوطلب در آن شرکت جستند.

برنامه‌های مؤسسه در سال ۱۳۸۰

۱. بررسی دیدگاه‌های ادیان و مذاهب مختلف درباره مصلح موعود
۲. بررسی پرسش‌ها و شبهه‌های موجود در ادیان و مذاهب مختلف درباره موعودگرایی، منجی‌گرایی و...

۳. ادامه بررسی پایگاه‌های اطلاع‌رسانی جهانی (اینترنت) درباره مهدویت
۴. بررسی دیدگاه‌ها و شبهات مستشرقان در خصوص مهدویت
۵. ادامه تحقیقات کتابخانه‌ای کتب شیعه و اهل سنت و بررسی آثار مکتوب خارج از کشور درباره مهدویت
۶. طراحی کنگره بین‌المللی مصلح موعود (عج) آینده بشریت و جهان
۷. طراحی انجام پژوهش‌های میدانی با عنوان نیازسنجی در میان جوانان و دانشجویان کشور
۸. برنامه نویسی و تولید نرم‌افزار مهدویت بر اساس نتایج پروژه‌های نیازسنجی و شبهه‌شناسی
۹. برگزاری سومین گفتمان مهدویت پیرامون مباحث اعتقادی و تربیتی مهدویت
۱۰. انجام پروژه آسیب‌شناسی تربیتی مهدویت
۱۱. انجام پروژه آسیب‌شناسی تاریخی مهدویت
۱۲. انجام پروژه آسیب‌شناسی سیاسی، اجتماعی مهدویت
۱۳. ادامه پروژه جمع‌آوری پرسش‌ها و شبهات مرتبط با مهدویت در داخل و خارج از کشور
۱۴. چاپ و نشر ۱۴ جلد کتاب مهدویت برای مخاطبان مختلف در سطح جامعه در پایان امید می‌بریم فعالیت‌های این مؤسسه در ترویج اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله، فرهنگ راستین اهل بیت علیهم السلام، اندیشه مهدویت و فراهم آوردن مقدمات ظهور امام زمان (عج) سودمند افتد و به خشنودی خاطر مقدس آن حضرت انجامد.

ان شاء الله

آبان‌ماه ۱۳۸۰ - قم

درستنامه

لطفاً قبل از مطالعه کتاب، موارد زیر را اصلاح فرمایید.

صفحه	سطر	غلط	درست	صفحه	سطر	غلط	درست
۹	۱۴	(صحیح)و	(صحیح)و	۱۲۹	۲	أذا	إذا
۳۳	۱۵	أئمة	أئمة	۱۳۴	۱۱	ولو	ولو
۳۳	پاورقی ۲	ح ۱۱۰۴۲	ح ۱۰۴۲	۱۳۴	۱۳	يكون	ويكون
۳۴	۳	وُلدِها	وُلدِها	۱۳۴	۱۳	عصى	عصا
۳۴	پاورقی ۲	ترجمه	ترجمه در	۱۳۴	۱۴	ذلك	ذاك
۴۱	۳	جُدُّ	جَدُّه	۱۳۴	۱۵	يَغِيْبُهُ	يَغِيْبُهُ
۷۳	۴	آيه	آيات	۱۳۴	۱۵	فِي سِتْرَةٍ	سِتْرِهِ
۷۴	۶	يَوْمٌ	يَوْمٌ	۱۳۴	۱۵	فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا	فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا
۷۶	۱	كَمَلَتْ بِهٖ	كَمَلَتْ بِهَا	۱۴۵	۹	أَوْلِيكَ	أَوْلِيكَ
۸۴	۶	لَهُ	لَهُ	۱۵۲	۱۳	وَيُحِفُّونَ	وَيُحِفُّونَ
۱۰۷	۱۳	يَبْعَثُ	يَبْعَثُ	۱۵۲	۱۳	وَيَقُونَهُ	وَيَقُونَهُ
۱۱۷	آخر	وجاء	وقل جاء	۱۵۲	۱۴	ما يريد منهم	ما يريد فيهم
۱۲۴	۶	أَفْبِعْهِدِ	فَبِعْهِدِ	۱۵۳	۳	لَهُ مِنَ الْأَمَةِ	مِنَ الْأَمَةِ
۱۲۴	۱۲	أَبْعَثُ	بَعَثُ	۱۵۳	۱۲	سِبَاعُ	سِبَاعُ
۱۲۴	۱۲	عَهْدِكَ	عَهْدِكَ	۱۵۳	۱۳	تطلب رضاهم	رضاهم
۱۲۸	آخر	فَيُخْرِجُ	فَيُخْرِجُ	۱۷۰	۱۳	فتح (۴۸)	فتح (۴۸)
۱۲۹	۱	الخراساني	الخراساني	۱۷۴	۳	وُلدِها	وُلدِها